

محسن دانشگاه تهران

انی اسان لاهل الارض: من مایه آسایش و امنیت اهل زمین.
(بخارا، ۷۵ ج ۷۵، ص ۲۸۰)



دوماهنامه فرهنگ و معارف مهدوی
شماره ۴۲
خرداد و تیر ۱۳۹۲

با تشکر از شورای نویسندگان و تمام
مهدی‌یاورانی که به نوعی یاری گر ما
بوده‌اند.

- نشانی: قم، خیابان شهید، کوی آمار، بن‌بست شهید علیان، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم
- صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵
- تلفکس تحریریه: ۰۲۵-۳۷۸۳۳۵۰۰
- توزیع و اشتراک: ۰۲۵-۳۷۷۳۸۴۶۰

www.aman.ir
amanmag313@gmail.com
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۴۴۱۴۱

نشریه مهدوی امان برای توزیع «امان»
در سراسر کشور مرکز پخش فعال
می‌پذیرد.
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۸۴۶۰

- مدیرمسئول: مجتبی کلباسی
- سردبیر: محمدصابر جعفری
- دبیر تحریریه: موسی جوانشیر
- مدیر علمی: حسن مالانی
- امور مخاطبان: محمدچواد کمار
- طراح گرافیک: سید حبیب نظاری
- مدیر توزیع و اشتراک: سید فخرالدین موسوی‌زاده
- حروف نگار: سید علی حسینی
- با همکاری: روح‌الله علی‌یاری، علی رستمیان‌پور، امید درویشی، مسلم عباسپور، سید علی حسینی لیپوری، صالح صادقی، مهدی دیلمی، حسین عندلیب، محدثه علی‌جانزاده روشن، مهدیه ضیائی.

■ امان در ویرایش و تلخیص مقالات آزاد است. ■ مقاله‌های درج شده، لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست. ■ می‌خواهیم نشریه‌ای ارائه دهیم نه برای عنوان و تیراژ و... فقط ویژه امام زمان، آن که سست و بی‌پایه نباشد. زیبا و شایسته برای همه علاقه‌مندان به ساحت مقدس امام مهربانان؛ پس مشتاقانه نیازمند دست و فکر یاریگرتان هستیم. با آراء، پیشنهادها، مطالبتان و... ما را در ادای این امر یاری کنید.

۱. هزینه اشتراک (یکساله): ۹۰۰۰ تومان یا دو ساله: ۱۸۰۰۰ تومان) را به شماره حساب ۰۱۰۸۳۳۳۵۴۷۰۰۵ سبب بانک ملی بنام «مجله امان» واریز کنید. (قابل پرداخت در کلبه شعب بانک ملی) * ۲. طی تماس با شماره تلفن ۰۲۵-۳۷۷۳۸۴۶۰ مشخصات خود را اعلام فرمایید. (نام و نام خانوادگی /



۱۰



۸



۶



۴



۴۳



۳۸



۳۰



۲۰

سال تولد / تحصیلات / نشانی دقیق / کد
پستی / تلفن ثابت و همراه + (شماره فیش
بانکی / تاریخ و مبلغ فیش) * ۳. ورودتان را
به جمع امانیان مهدی‌یاور گرامی می‌داریم.
برای مشترکین هدیه هم داریم.
از مشترکین پیرسید!

۴۰.....	شعر انتظار.....	۴.....	سرمقاله.....
۴۲.....	دعا از ما در حق دیگران.....	۶.....	در محضر امام.....
۴۳.....	نماز امام زمانی.....	۷.....	چلچراغ مهدوی.....
۴۴.....	ما با شما بازی نداریم.....	۸.....	برکات زمین در دست امام.....
۴۷.....	عقاب قصه ما.....	۱۰.....	سخنان مهدوی مراجع معظم.....
۴۸.....	دوستی با تمام ویژگی‌های.....	۱۲.....	یازده نکته از دعای عهد.....
۴۹.....	پیشنهادهایی برای دوستی با.....	۱۴.....	امام زمان در صحیفه سجاده.....
۵۰.....	انتخاب به سبک امام زمان.....	۱۶.....	برای خاطر آیه‌ها.....
۵۲.....	اخلاق انتخاباتی منتظران.....	۱۸.....	القاب ماه.....
۵۴.....	یاوران حضرت مهدی.....	۱۹.....	سرمایه‌گذاری در شادی.....
۵۷.....	وبلاگ برتر.....	۲۰.....	بصیرت و انتظار.....
۵۸.....	قبیله تزویر.....	۲۲.....	انسان بی امام زمان.....
۶۰.....	پدر.....	۲۴.....	من منتظرم، منتظری از.....
۶۲.....	سه پرسش مهدوی از.....	۲۶.....	فقط یک آرزو.....
۶۳.....	چراغانی و یک تذکر.....	۲۸.....	آخرین سفارش.....
۶۴.....	دلنوشته.....	۲۹.....	ماه مهربان نبی.....
۶۶.....	سفر اسرار آمیز ۲.....	۳۲.....	وسعت این جشن چقدره؟.....
۷۰.....	رازها و روزها.....	۳۳.....	نیمه شعبان در آینه ذهن کودک.....
۷۳.....	پیامک مهدوی.....	۳۴.....	آداب و رسوم نیمه شعبان.....
۷۴.....	بایاران امان.....	۳۶.....	ولایت پدرا نه امام.....
۷۸.....	جدول و مسابقه.....	۳۸.....	گینس اسلامی ۲.....



۱۸



۱۶



۱۴



۱۲



۶۶



۶۲



۵۴



۴۰



سخنی چند دربارهٔ امام عصر شر منده ایم...

دکتر محمدصابر جعفری

«السلام علی سبیل الله الذی من سلک غیره هلك»

محضر مبارک علما و اندیشمندان گرامی، ائمه جمعه و جماعات، اساتید حوزه و دانشگاه، مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی و هر آنکه این سخن به او می‌رسد.

همه ما از شهادت، مظلومیت و غربت ائمه ناراحتیم. از این که جامعه آنان، امام را یاری نکرده و او را تنها گذارده محزونیم. همه ما از مدعیان دروغین و فریبکار و یا آنانی که امام را برای مقاصد خود هزینه می‌کنند یا نابجا به کار می‌برند ناراحتیم.

مطالب، نکات و پرسش‌هایی است که پاسخ آن نشان می‌دهد چقدر در انجام وظیفه و ادایمان صادقیم:

۱. آیا تلاش برای امام عصر و تحقق جامعه مد نظر امام و اجتماع قلوب بر محبت و مولات امام، مستحب و مباح است یا واجب. اگر واجب است کفایی است یا عینی؟ حتی اگر کفایی باشد آیا من به الکفایه هستم؟ آیا می‌توان گفت وظیفه را انجام داده‌ایم؟

۲. هر موضوعی هرچقدر بیشتر دشمن داشته باشد نشانگر اهمیت آن و دلیل ضرورت تلاش بیشتر است؛ آیا هیچ موضوعی مانند موعود و نجات‌بخش در مقابل خود مدعی و فرقه و گروه و کذاب و دجال دارد؟

۳. آیا در طول تاریخ هنر، رسانه و ابزارهای نوین تبلیغی، هیچ مسئله‌ای مانند این موضوع

توسط رسانه‌ها و ابزار جنگ نرم دشمن مورد هجمه، تخریب و تهدید و جایگزینی قرار گرفته است؟

کافی است سری به زندان‌ها، بیمارستان‌ها و کلینیک‌های روانی بزنید تا حجم مدعیان دروغین و مریدان و مرتبطان به آنان را دریابید. یا نگاهی به انواع بازی‌ها، فیلم‌ها و کارتون‌ها ببیند تا عمق مبارزه و تخریب را دریابید.

۴. آیا هیچ مسئله‌ای مانند مهدویت، پایه و مبنای نظام مقدس ما هست؟ فراموش نکنیم نیابت عامه، ولایت فقیه همه وابسته به تبیین مهدویت است؟

۵. آیا در تحقق انقلاب، در طی این سی و چند سال، هیچ جریان‌هایی مانند نگاه ایستا و در مقابل نگاه پویای به انتظار و مهدویت تأثیر گذار بوده است. چه در پیروزی‌ها و چه در سکوت و نشست و شکست‌ها؟

۶. مهدویت چیست؟ آیا کدام اسلام باعث یأس دشمنان است (الیوم یأس الذین کفروا) با ولایت یا بی‌ولایت؟

۷. آیا معنای عبارت «ما نودی مثل الولاية» جز این است که اهتمام به ولایت از اهتمام به تمام امور مهم‌تر است؟

۸. آیا مَهِیْمَن، مقدم، ایجادکننده و جهت‌دهنده تمام مسائل مثل نماز، زکات و... امام نیست؟

۹. آیا مهدویت، اسلام تجسم‌یافته و مورد رضایت (دینهم الذی ارتضی لهم) هم‌سنگ با

فروع یا اصول دیگر است؟ آیا در کنار زکات و نماز و... باید مطرح گردد یا بسیار والاتر که همه را با خود دارد و تلاش برای آن یعنی تلاش برای تحقق همه فروع و اصول.

۱۰. مگر مصداق قرآن ناطق، امام عصر نیست؟

مگر نه این است که این زمان همه فرشتگان و روح خدمت امام مهدی عج می‌آیند؟

مگر نه این است که اگر ولایت نباشد و همه چیز باشد هیچ چیز نیست؟

آیا ولی خدا و اهتمام به او هم‌سنگ مسائل دیگر است؟

مگر نه این است که کانال اجابت دعا و افاضه بر عالم تنها امام هر عصر است؟

مگر نه این است که تنها مصداق مشترک و موجود عترت و سنت حضرت مهدی عج است؟

مگر نه این که حتی اگر به قرآن اهتمام گذاشتیم و از حضرت مهدی - تنها مصداق موجود عترت - غفلت ورزیدیم میان قرآن و عترت افتراق شده است؟

مگر نه این است که اگر به همه ائمه اهتمام داشته باشیم و به حضرت مهدی نپردازیم باز حق عترت را به جا نیاورده‌ایم و امامتمان باطل است؟

۱۱. آیا می‌دانید ما در هر موضوع صدها فیلم و داستان و رمان و قصه و... داریم؛ در مهدویت کمترین آثار بدیع و نو می‌بینیم؟



۱۲. آیا عدم شناخت و عدم تلاش برای امام و عدم فهم هدف و راه امام همین مساجد را به گمراهه نمی‌برد؟ آیا می‌دانید مهدویت هنوز اسیر بی‌سوادها، ضد انقلاب‌ها، تنبل‌ها و... است؟

۱۳. چه سخن خواجه نصیر و علامه حلی را بپذیریم که در غیبت حضرت ما مقصریم (عدمه منا) و چه نپذیریم. آیا ما برای ظهور، برای یاری او تلاشی داریم؟ آیا انصافاً تلاش‌های ما از ما رفع حجت می‌کند آیا عذر ما پذیرفته است؟

۱۴. آیا فقط یک روایت که امام فرمود «انی امان لاهل الارض» را به اهل ارض رسانده‌ایم؟

۱۵. در اینکه باید بجا نام حضرت را به کار برد شکی نیست اما آیا با تغییر مدیریت‌ها، باید نام و یاد امام زمان هم تحت الشعاع قرار گیرد؟

*

اگر شیطان توسط حضرت از بین می‌رود و تمام بافته‌های او نابود می‌شود و یاران حضرت و منتظران واقعی حضرت را شیطان دشمن می‌دارد پس طبیعی است که نتوانیم برای حضرت کاری کنیم و وسوسه‌ها و تسویف‌ها و تردیدها ما را از اختصاص و اهدا و وقف مالی و زمان و جانمان در این راه باز دارد یا هزینه‌هایمان را صرفاً در چراغانی‌ها و تزیین‌ها خرج شود

نه در ترویج و تعمیق و تبیین مهدویت (چاپ و نشر، تربیت استاد و متخصص و...) پس به همه وجود بایستی اعتراف کنیم که انا خاطئون. از خدا عذر بخواهیم که نسبت به ولی او کاری نکردیم! سال‌ها در غیبت است و هنوز بسیاری از جامعه شیعی ما از علل غیبت او هیچ نمی‌دانند.

چندین سال است وهابیت و بهائیت و سردمدان استکباری آنها انواع توهین‌ها و هجمات را به امام عزیز ما روا می‌دارند و هنوز بسیاری از حوزوی‌ها و دانشگاهی‌های ما از پاسخ آن بی‌خبرند.

شرمنده‌ایم که برخی از دانش‌آموزان و دیگر اقدشار جامعه ما از حضرت مهدی هراس دارند و آرزوی نیامدن او را حتی گاه به زبان می‌آورند.

شرمنده‌ایم که کودکان ما از ۴-۵ سالگی با منجیان و نجات‌بخشان اربابان رسانه و جنگ نرم نظیر بن‌تن، زورو و... به خوبی آشنایند و به آنان عشق می‌ورزند و از مهدی هیچ جز ترس و کشتار نمی‌دانند. شرمنده‌ایم که چپیس و پفک استاندارد دارد، اما درباره حضرت مهدی هر کس به خود اجازه می‌دهد هر چه بگوید یا بنویسد و یا بسازد و هیچ کس هم چیزی نمی‌تواند بگوید.

شرمنده‌ایم که سهم امام عصر از ما و جامعه ما، جز سالی یک بار، آن هم در شهرهای مذهبی، آن هم برخی خیابان‌ها، آن هم فقط چند چراغ و ریسه لامپ و شکلات و شربت چیزی نیست.

شرمنده‌ایم که سهم امام زمان و ولی نعمت ما در کتاب‌ها در حد چند صفحه، آن هم یک معرفی اجمالی چیزی است! شرمنده‌ایم که از امام زمان کسی نامی نمی‌برد و اگر کسی نامی ببرد انگشت‌نما می‌شود؛ حال اگر انتقادی به حق یا نابحق به سخن یا رفتار و عملکرد گوینده هم باشد، آنکه غریب‌تر می‌شود امام عصر است.

شرمنده‌ایم که دلسوزان دین برای هر امر البته لازم و بر زمین افتاده، فریاد و ناله می‌زنند ولی برای مهدویت کمتر آه می‌کشند؟

شرمنده‌ایم که نام امام زمان یا به تفتن برده می‌شود و یا برای توجیه عملکرد و یا عملکردها آنچه را غریب‌تر می‌کند نام حضرت است.

شرمنده‌ایم که برخی به هر دلیل درست یا غلطی، حتی در یاد و نام حضرت کوتاهی می‌کنند.

این نوشته هم ناله بود و هم گلایه؛ ولی هرگز زحمات و تلاش صورت گرفته در قرن‌ها توسط عالمان و دلسوزان و عاشقان حضرت فراموش نمی‌شود؛ اما انصاف بدهیم همان گونه که نسبت به قرآن کوتاهی کرده‌ایم نسبت به عدل آن یعنی عترت و امام عصر نیز کوتاهی کرده‌ایم. قالوا تالله لقد آثرک الله علینا و ان کنا لخاصّین.

حفظ مرام علی علیه السلام



ما که امیدواریم که یک جلوه ولو بسیار ناقصی از ولایت، ولایت علی علیه السلام در کشور ما شده باشد، ما باید توجه بکنیم، کافی ندانیم اینکه ما تظاهر می‌کنیم و شعار می‌دهیم و چه، اینها کافی نیست. دولت واقعا باید با تمام قدرت آن طوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می‌سوزاند، این هم با تمام قدرت دل بسوزاند برای محرومین، مثل یک پدری که بچه‌هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می‌رود که آنها را سیر بکند، یک دولت تابع امیرالمؤمنین باید این طور باشد. الحمد لله هستند، البته من نمی‌گویم که کسی می‌تواند مثل حضرت امیر باشد. خود او هم گفت که شما نمی‌توانید، نمی‌توانیم هم واقعا، اما اعانت کنیم ما او را به ورع و تقوا، اعانت کنیم به اینکه تا آن اندازه که می‌توانیم.

... جمعیت ایران یک قدرت اسلامی بزرگ است که ان شاء الله اگر با همین وضع باقی باشد، به همین انسجام باقی باشد، طرفداری از دولتشان بکنند، طرفداری از مجلس‌شان بکنند و پشتیبان باشند برای جنگ‌هایی که در این کشور به بار آورده‌اند، اگر اینها به همین حال باشند، آن وقت یک پرده‌ای از مقام ولایت در این کشور جلوه پیدا کرده است. کوشش کنید بر اینکه، کوشش بکنند همه جمعیت‌ها و ارگان‌ها و همه نهادهای اسلامی در اینکه این تبعیت از مرام علی علیه السلام را حفظ کنند و به پیش ببرند.^۱

همه توجه به این داشته باشید که دنبال اختلاف نروید. فردا ممکن است که انتخابات پیش بیاید، خوب، در موقع انتخابات البته صحبت‌ها خواهد شد، دنبال این نروید که به هوای نفسانی خودتان برای خودتان درست کنید. می‌خواهد یک قضیه‌ای واقع بشود در ایران، دنبال این نباشید که به نفع من باشد، آن یکی بگوید به نفع من باشد، این مبدأ اختلاف است. انبیا و اولیا و کسانی که وارسته از دنیا هستند، این معانی را ندارند. شما هم اگر تبعیت از انبیا دارید، تبعیت از امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - دارید، باید این معنا را نداشته باشید. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - تمام دنیا پیشش هیچ بوده.^۲

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۵۹.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۲۲۷.



چلچراغ مهدوی

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ وَ الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ. قَالَ الْحُسَيْنُ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنْ؟ فَقَالَ إِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنَّبُوءَةِ وَ اصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَ لَكِنْ بَعْدَ غَيْبَةٍ وَ حَيْرَةٍ فَلَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای حسین! نهمین از فرزندان تو همان قائم به حق است؛ کسی که دین را آشکار و عدالت را گسترش دهد؛ امام حسین علیه السلام گوید: گفتم یا امیرالمؤمنین! آیا آن واقع خواهد شد؟ فرمود: سوگند به خدایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث کرد و او را بر جمیع خلایق برگزید آن امر واقع خواهد شد ولیکن پس از غیبت و حیرتی که جز مخلصین، کسی در آن استوار نمی ماند، کسانی که اهل یقین هستند و خداوند پیمان ولایت ما را از آنها گرفته و ایمان را در قلوبشان نگاشته و آنان را به واسطه روحی از جانب خود، مؤید داشته است.

کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۴.

برکات زمین در دست

گفتاری از آیت الله العظمی جعفر سبحانی



است؛ امام زمان خزینه خداست. امام زمان یکی از برکات جهان شمولی است که خداوند متعال، عالم برزخ و بهشت و تمام عوالم را از این خزینه اش خرج کرده است و خزینه هم، دست نخورده باقی مانده است.

زیارت جامعه کبیره، همه امامان ما را یک حقیقت معرفی می کند: «أَنْ أُرَوِّحَكُمْ وَ نُرِّقُمْ وَ طَيِّبَتُكُمْ وَاجِدَةً طَابَتْ وَ طَهَّرْتُ، بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ». همانا روح های شما و نور شما و طیب شما، واحد است. اینها یک حقیقت

هستند. یک خزینه از خزائن الهی هستند؛ اما جلوه های مختلف هستند. آینه ها و نمودهای مختلف هستند و گر نه یک حقیقت هستند؛ نه کم می شوند و نه زیاد. انبیا از این خزینه استفاده کردند؛ اولیای الهی از این خزینه برگرفتند؛ اشقیای هم از این خزینه برگرفتند. تمام موجودات عالم، همه جلوه های حضرت مهدی هستند؛ همه پیاده شده های این خزینه هستند؛ همه حرف هستند و همه این کلمات و کتابات معین شده، همه از آن روح و آن علم و آن وجود نازنین امام زمان پیاده شده است. این یک حقیقت عالی عرفانی است که اگر شما متوجه بشوید که

آنچه خدا به عنوان خزائن مطرح می کند، در زبان قرآن و عرفان، ولایت مطلقه است. آن خزینه ای که عالم از آن خزینه خرج می شود و تمام هم نمی شود، امامت و ولایت است. تمام اشیا و موجودات عالم از وجود نازنین امام زمان ناشی شده

هستید، آن وقت وابستگی دائمی خود را به امام زمان درک خواهید کرد. دل پاک می خواهد که این حرف ها را متوجه بشود؛ به علم نیست؛ به نورانیت است. متوجه خواهید شد که دم به دم وجود ما تازه می شود؛ هر لحظه ما یک حرف از حروف خدا هستیم.

ما دائما از خدا وجود می گیریم؛ دائما از وجود امام زمان خیر و برکت دریافت می کنیم. اگر می بینیم، به اذن امام زمان می بینیم؛ اگر می شنویم، به اذن امام زمان می شنویم؛ اگر قیام می کنیم، با نیروی امام زمان قیام می کنیم؛ اگر می نشینیم، با نیروی امام زمان می نشینیم؛ لذا انفکاک [و جدایی] بین انسان و انسان کامل که حضرت حجت است، یک لحظه هم محال است. امام زمان از هیچ موجودی جدایی ندارد؛ لذا فرمود: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»؛ خداوند متعال، زمین را به نور رب روشن کرد، این نور ربی که تمام زمین، تحت الشعاع و در پرتو آن است؛ ائمه فرموده اند که این نور، وجود نازنین امام عصر است.

برکات زمین به دست امام زمان است. تأثیر و تأثر در فعل و انفعالات همه امور زمین، همه با عنایت امام زمان است. لذا شما در زیارت جامعه کبیره می گوید: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفُسُ الْهَمَّ وَ يَكْشِفُ الْفُتْرَ» خدا عالم وجود را با شما آغاز کرد و با شما به پایان می برد و به وجود شما، باران را نازل می کند و به خاطر



شما، غم و اندوه را می‌گشاید و سختی و گرفتاری را برطرف می‌کند.

«يُيَمِّنُهُ شَرِيقَ الْوَسْطَى»^۱ الْوَزَى؛ یعنی ما سَوَى الله، تمام موجودات غیر از خدا، به یَمْن وجود امام زمان علیه السلام روزی داده می‌شوند؛ یعنی عالم امکان، سفره وجود امام عصر علیه السلام است. او کل است؛ این سفره که باز شد، رشحات وجودش، زمین و زمان است و علی الدوام متعلق به وجود نازنین حضرت حجت علیه السلام است. هر نفسی که می‌کشی، به امام زمان علیه السلام وابسته هستی؛ هر بازدمی که داری، به امام زمان علیه السلام وابسته هستی. وجود ما، هم در بُعد ظاهری و هم در بُعد معنوی و روحی، در تمام لحظات وابسته به اوست. وقتی که ما به یاد خدا هستیم؛ نماز که می‌خوانیم؛ سفره نماز ما را امام زمان علیه السلام پهن می‌کند. جمکران که آمدید، به وجود خودش قسم، ایشان عنایت داشته است؛ وگرنه کسی بدون عنایت حضرت، اهل جمکران نیست. بعضی‌ها اصلاً اعتقاد به جمکران ندارند، امام زمان علیه السلام این در را اصلاً به رویشان باز نمی‌کند. کسی از حضرت آیت الله بهجت علیه السلام سوال کرد: این سند مسجد جمکران درست است؟ اینکه می‌گویند در خواب بوده است؟! حضرت آیت الله بهجت علیه السلام فرمودند: «اولاً خواب نبوده است، بلکه در بیداری حسن مثله جمکرانی آمد و علایمی را که امام زمان علیه السلام علامت‌گذاری کرده بودند دید و با حضرت حرف زد؛ ثانیاً این قدر در این مسجد جمکران شفا حاصل شده و حاجت روا شده که از حد توانر هم گذشته است».

وجود نازنین امام زمان علیه السلام، همه درهای توفیق

را باز می‌کند؛ هم رزق ظاهری و هم رزق معنوی و باطنی ما، به یَمْن قدوم امام عصر علیه السلام است و هم به وجود امام زمان علیه السلام، آسمان و زمین تثبیت می‌شود. وجود امام زمان علیه السلام لطف خداست. اگر امام زمان علیه السلام نبود هیچ موجود دیگری نبود. این لطف الهی است که به وجود آمده است و این وجود نازنینی که منشأ تمام موجودات است، وجود حضرت امام زمان علیه السلام است «وَجُوهٌ لُّطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخَرٌ» [وجودش لطف است و تصرفاتش لطفی دیگر].

اگر ما ذوب در امام زمان علیه السلام بشویم و مجذوب جذبه‌های ولایی او بشویم و قطره وجودمان را به دریای وجود امام زمان علیه السلام متصل کنیم، آنگاه ما هم در کرسی «كُنْ قَيْكُونُ» قرار می‌گیریم. یک قطره، نه تشنه را سیراب می‌کند، نه گلی را می‌رویاند و نه جایی را آباد می‌کند. آدمی وقتی وجودش یک قطره باشد، یک قطره که کاری نمی‌کند، اما این یک قطره وقتی به دریا ریخت، کارخانه‌های برق را راه می‌اندازد، کشتی‌ها را حرکت می‌دهد و این همه موجودات را در دل خودش روزی می‌دهد. اینکه خداوند فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۲ چون عشق است که آدم را با معشوق یکی می‌کند؛ وقتی عاشق امام زمان علیه السلام بشوی و در به در و کوه به کوه، دنبال آقا جانت، سرگردان باشی و به عشق دیدارش به جمکران بیایی، اگر دلت واقعا «صاحب الزمان علیه السلام» بگویی و با حضرت جوش بخورد، شما هم مثل مرحوم شیخ حسن علی نخودکی اصفهانی رحمه الله می‌شوی، شما هم می‌توانی مثل

ملاحیبب الله گلپایگانی رحمه الله بشوی. مامی خواهیم پاک‌زندگی کنیم، توبه هم می‌کنیم؛ ولی دوباره گرفتار و آلوده می‌شویم. اوست که این دل گل من را طلا می‌کند: «تَطَهَّرْهُمْ وَ تَرْكِبْهُمْ بِهَا» تو پاکشان می‌کنی و تو آنها را تزکیه می‌کنی و به آنها رشد و نمو می‌دهی.

آنها را شجره طیبه می‌کنی تا سرشان از عرش بالا بیاید و نور الهی بشوند و مثل ستارگان عرش الهی، مقام «عند ربهم» پیدا کنند. هر کسی در باب خوبی، بندگی، طهارت، توبه و امور خیر، به جایی می‌رسد به واسطه این نگاه ولایی است.

بنابراین، وجود مبارک حضرت حجت (ارواحنا فداء) علاوه بر این که یَمْن قدومشان همه عالم و همه انسان‌ها را اداره می‌کند برای معراج دل‌های اهل دل این کم‌ها را از ما قبول می‌کند و سلیمان وار از کرامت بارگاه سلیمانی‌اش به همه خاتم بخشی می‌کند. ■

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۶۱۳

۲. زمر، آیه ۶۹. الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَيْبِهَا؛ الإرشاد، ج ۲، ص: ۳۸۱

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۶۱۵

۴. زاد المعاد، ص: ۴۲۳

۵. بگو من از شما برای این (رسالت) مزد و پاداشی در خواست نمی‌کنم، مگر دوست داشتن نزدیکان و اهل

بیتم. شوری، آیه ۲۳

۶. منبع مقاله: www.jmcu.ir



سخنان مهدوی مراجع معظم تقلید

حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی

امام زمان ناظر اعمال ما

امام زمان علیه السلام همه اعمال را می‌بیند و هفته‌ای دو بار هم همه اعمال را به حضورش گزارش می‌دهند این دو آیه‌ای که در سوره مبارکه توبه است که «سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ» و «قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ» یعنی او می‌بیند. این برای ما خیلی اثر دارد. ما برای اینکه مواظب حرف‌هایمان باشیم لازم است متوجه این امر باشیم؛ مثلاً الآن به ما گفتند وجود مبارک امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام آمده بروید حضورش، ما چطور می‌رویم؟ همین طور می‌رویم یا خودمان را جمع و جور می‌کنیم؟ ما باید باور کنیم که حضرت می‌بیند. حالا هفته‌ای دو بار گزارش‌های عمومی دارد. هیچ کاری نیست مگر اینکه او می‌بیند. جریان عرض اعمال یک امر جدی است و ما را که به این معتقدیم واقعاً می‌لرزاند. خجالتی حیایی شرمی باید باشد! در کنار سفره او نشستیم که در دعای عدیله دارد «بِیَمِينِهِ رِزْقُ الْوَرَى» آن وقت در حضور او داریم هر حرفی را می‌زنیم!



حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای

توسل به حضرت مهدی علیه السلام

توسلاتی که در زیارات مختلف وجود دارد و بعضی از آنها هم سندهای معتبری دارد، بسیار بالارش است. توسل، توجه و انس با آن بزرگوار از دور است. این انس به معنای این نیست که کسی ادعا کند من خدمت حضرت می‌رسم یا صدای ایشان را می‌شنوم؛ ابداً این طور نیست. غالب آنچه در این زمینه گفته می‌شود، ادعاهایی است که یا دروغ است، یا تصور و تخیل آنها آدم‌های دروغگویی نبودند، اما خیال می‌کردند، تصور می‌کردند و تخیلات خودشان را به عنوان واقعیت برای این و آن نقل می‌کردند! نایبستی تسلیم این‌ها شد. راه درست و منطقی آن توسل از دور است؛ توسلی که امام آن را از ما می‌شنود و ان شاء الله می‌پذیرد؛ ولو اینکه ما با مخاطب خودمان از دور داریم حرف می‌زنیم؛ اشکالی ندارد. خدای متعال سلام سلام‌دهندگان و پیام‌دهندگان را به آن بزرگوار می‌رساند. این توسلات و این انس معنوی بسیار خوب و لازم است.^۱



حضرت آیت الله محمد تقی بهجت

مهم‌تر از دعا برای فرج

مهم‌تر از دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی علیه السلام، دعا برای بقای ایمان، ثبات قدم در عقیده و انکار نکردن حضرت تا ظهور او است.^۲ تا رابطه ما با ولی امر، امام زمان علیه السلام قوی نشود، کار ما درست نخواهد شد و قوت رابطه ما با ولی امر علیه السلام هم در اصلاح نفس است.^۳



حضرت آیت الله حسین وحید خراسانی

امام زمان علیه السلام رحمه للعالمین

امام زمان علیه السلام وقتی می‌آید تجسم پیغمبر خاتم است. پیغمبر خاتم که بود؟ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». وجود امام زمان علیه السلام، رحمه للعالمین است؛ بعضی از نادان‌ها تصور می‌کنند می‌آید قلع و قمع می‌کند؛ بعد فکر می‌کنند وقتی ما را می‌کشد پس چرا در انتظارش باشیم؟! اینقدر شعور نیست که درک کنند...؛ باغ را دیده‌ای؟ باغبان می‌آید در باغ خارها را از زمین می‌کشد. باید بکشد یا نه؟! باغ برای پرورش گل است، نه برای خار. همان‌طوری که باغبان از باغ خارها را درو می‌کند، امام زمان علیه السلام هم خارهای باغ انسانیت را درو می‌کند. اگر گل بشوی پرورش می‌دهد. همه باید دعای فرج را بخوانید. در طول سال هم این برنامه را ترک نکنید.^۴



حضرت آیت الله سید علی سیستانی

توقیت و تطبیق، بازی با عقائد مردم

توقیت‌ها و تطبیق‌ها برای نزدیک بودن ظهور حضرت حجت علیه السلام بسیار نگران‌کننده است و این مطالب عقاید مردم را هدف گرفته و باعث تضعیف اعتقادات جامعه می‌شود. چنین جریاناتی نباید در کشوری مانند ایران شکل بگیرد. یک روز شعیب بن صالح را به یک فرد و بار دیگر به فرد دیگری تطبیق می‌کنند، این مسائل نگران‌کننده است. مردم از این جریانات پرهیز کنند و مراقب باشند، چون این مطالب با عقاید آنها بازی می‌کند و باعث تضعیف معتقداتشان می‌شود.^۴





حضرت آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

عصر غیبت، عصر امتحان و وظیفه ما

فرق ایمان به غیب در عصر غیبت با اعصار دیگر این است که مؤمنین تخلیص [خالص] و تمحیص [آزمودن] می شوند؛ امتحانات شدید برایشان پیش می آید که بسیاری در این امتحانات ساقط می شوند. زن ها، مرد ها، جوان ها و حکام و مسئولین حتی علماء همه امتحانات خاص دارند. از جهت ظهور بدعت ها، از جهت اصرار بر ملاهی [به آلات لهو و لعب پرداختن] و مناهی [گناهان] و ترویج منکرات و ترک امر به معروف، و نفی سنت ها مسائلی پیش می آید که فتنه و فساد و اعراض از حق، ظاهر و بلکه مورد افتخار و اعطاء جوایز می شود. در این شرایط دشوار و مسئولیت های سنگین، افراد شجاع و دلسوز و با ایمان باید به یاری اسلام بشتابند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند. برنامه ها و روش های غیر اسلامی را محکوم و به مردم معرفی نمایند، و بر حفظ هویت اسلامی پافشاری کنند و فداکاری نمایند.^۶



حضرت آیت الله حسین نوری همدانی

ویژگی های منحصر به فرد حضرت مهدی

تمام نعمت هایی که خداوند امروز به ما عطا می کند به واسطه وجود حضرت مهدی علیه السلام است. خداوند ویژگی های برجسته ای به حضرت مهدی علیه السلام داده که به هیچ یک از امامان معصوم علیهم السلام عطا نکرده است. تمام صفات پیغمبران از حضرت نوح علیه السلام تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در حضرت مهدی علیه السلام جمع شده است. حضرت ولی عصر علیه السلام طول عمر و بردباری را از نوح علیه السلام بت شکنی را از ابراهیم علیه السلام قیام در مقابل جبار را از موسی علیه السلام قضاوت را از سلیمان علیه السلام جمال و ملک داری را از یوسف علیه السلام معجزات روشن را از عیسی علیه السلام و قیام و انقلاب جهانی را از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به ارث برده اند. تمام فرشتگانی که در رکاب آن حضرت بودند و حتی فرشتگان جنگ بدر و احد به علاوه ۳۱۳ نفر از نخبگان مخصوص از سراسر شهرهای اسلامی در خدمت ایشان خواهند بود. این ها تحولاتی بزرگ است که زمینه سازی می خواهد. تمام این زمینه ها باید توسط مسلمانان و شیعیان به وجود بیاید و از همه مهم تر مردم آمادگی پذیرفتن فرمایشات ایشان را داشته باشند.^۸



حضرت آیت الله سید محمدعلی علوی گرگانی

برای تحکیم عقیده مهدویت، تلاش کنیم
شبیه افکنان امروز تلاش می کنند تا مردم را از

فرهنگ مهدویت دور کنند و با ایجاد شبهه های فراوان به دنبال نفی اصل ظهور و مهدویت هستند. تلاش کنیم تا اعتقادات مردم هر روز محکم تر و ایمان آنان به وجود مقدس امام زمان علیه السلام بیشتر شود. هرچه اعتقاد به وجود مقدس امام زمان علیه السلام در احاد جامعه بیشتر شود، انگیزه بیشتری برای مبارزه با انحرافات به وجود می آید.

آنچه از آیات و روایات به دست می آید این است که ائمه اطهار علیهم السلام همگی دست به دست هم داده اند تا مردم به وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام اعتقاد و به ظهور وی امید داشته باشند و از دایره امید خارج نشوند. ما هم باید این گونه عمل کنیم. باید برای حل مشکلات کشور دست به دامن اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام زمان علیه السلام شویم.^۹



حضرت آیت الله حسین مظاهری

وعده تخلف ناپذیر خدا

از نظر روایات ما و نیز آیات شریفه، حکومت مهدی روحی فدا، حکومتی مبارک، پربرکت، با رأفت، با فضیلت و سرانجام یک حکومت صددرصد مطلوب رأی انسان ها است. انسان با فضیلت می تواند سه آرزو داشته باشد: تسلط او بر جهان، انتشار حقیقت و فضیلت در جهان و رفع هر گونه نارسایی از آن. قرآن می فرماید: حکومت مهدی علیه السلام، چنین است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»^{۱۰} خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده کرده که شما را در این سرزمین جانشین دیگران کند، آنچنان که اسلاف و گذشتگان آنان را جانشین کرد و نیز دینشان را آن دینی که برای ایشان پسندیده استقرار دهد و از پی ترسی که داشتند امنیت روزیشان فرماید.

این وعده خدا است و تخلف ندارد. این وعده خدا است برای مهدی علیه السلام و یارانش. این وعده خدا است برای شیعه، برای افراد شایسته، برای افراد منتظر فرج.^{۱۰}

۱. بیانات معظم له در دیدار اساتید و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۴/۱۸.
۲. در محضر بهجت: ج ۲، ص ۱۰۱.
۳. فیضی از ورای سکوت، ص ۶۵.
۴. به نقل از آیت الله نجم الدین طبسی.
۵. سایت تبیان.
۶. سایت اسرار.
۷. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی.
۸. پایگاه اطلاع رسانی حوزه.
۹. دیدار معظم له با اعضای هیأت علمی و مدیران مؤسسه آینده روشن و اعضای دبیرخانه همایش بین المللی دگرترین مهدویت.
۱۰. سایت حضرت آیت الله مظاهری.

دعای عهد دعایی جهت برقراری ارتباط بین ما و حضرت مهدی عج است. در این دعا با آن حضرت عهد و پیمان می‌بندیم، قول و قرار می‌گذاریم که یکسری کارهایی را انجام دهیم و در جهت تشکیل حکومت عدل مهدوی زمینه‌سازی کنیم. این دعا تابلوی روشن را فرا روی فعالیت‌های ما قرار می‌دهد.

پای کلام دلنشین استاد حجت الاسلام و المسلمین قرائتی درنگی می‌کنیم تا با مروری بر این دعای شریف، درسهای نهفته در آن را بیاموزیم. این دعا به ما می‌گوید که:

۱. علاقه به امام زمان عج باید جمعی باشد.

در دعای عهد داریم که: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْمُتَهَيَّئِ الْقَائِمَ بِأَمْرِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ»، به امام زمان ابلاغ کن، از طرف چه کسی؟ «عَنْ جَمِيعٍ» از طرف همه مؤمنین و مؤمنات «عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» این خودش یک مطلب مهمی است

۲. امام جهانی باید مریدش هم جهانی فکر کند

وقتی زیارت می‌رویم بگوییم که این زیارت به نیابت از همه‌ی مؤمنین و مؤمنات، صدقه می‌دهیم بگوییم: دفع بلا از همه‌ی مؤمنین و مؤمنات بشود. نگوییم: خدایا، مؤمنینی که در این مسجد نماز خواندند بیامرز. حالا مؤمنینی که در مسجد دیگر نماز خواندند چه؟ همه را بگو. چرا می‌گوی: خدایا کسانی که در این هیأت سینه زده‌اند. چقدر تنگ نظر هستی! چقدر فکر کوچک است. مگر تو منتظر امام بین المللی نیستی؟ امام جهانی باید مریدش هم جهانی فکر کند. کسی که منتظر اصلاح عمومی است، باید خودش هم عمومی فکر کند. خودم

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

و بچهام و هیأت‌ام و مسجدم و برایش هیچ فرقی نکند. «عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ».

۳. علاقه به امام زمان عج بدون مرز است

این علاقه بدون مرز، از کجای دعای عهد فهمیده می‌شود؟ این جمله که می‌گوید: «فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا» در مشرق‌ها و مغرب‌ها، «وَ سَهْلَهَا وَ جَبَلَهَا» زمین‌های هموار و کوهستانی، «وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا» دریا و خشکی، ببینید این دعا چقدر سازنده است. چه اصراری داریم که بگوییم من چه هستم و من چه هستم؟ همه، دریا و خشکی. سطحی و کوهستانی، مشرق و مغرب، علاقه بدون مرز، خیلی قشنگ است.

۴. شریک کردن والدین در دعا و زیارت برای امام زمان عج

در دعای عهد می‌گوی: ای امام زمان عج سلام می‌کنم از طرف خودم، و از طرف «وَالِدَيَّ» پدر و مادر و «وُلْدِي» فرزندانم؛ یعنی هم نسل گذشته، هم نسل آینده را در نظر می‌گیری.

۵. چه مقدار به امام زمان عج صلوات بفرستیم؟ این دعا می‌گوید که: «وَ زَنَّةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ» به مقدار وزن عرش خدا و به مقدار کلمات الهی، «وَ مُنْتَهَى رِضَاهُ» به اندازه آخرین درجه‌ی رضایت او، «وَ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ» به عدد آنچه کتاب شمارش کرده، «وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ» به عدد علمت،

یعنی مهدی جان عج ای امام زمان عج، سلام بر تو به عدد وزن عرش، به عدد هرچه که نوشته شده، به عدد هرچه خدا بر آن علم دارد... به تو سلام و درود می‌فرستم.

۶. اعلام هر روزه علاقه به امام زمان عج

یک کسی هرروز زنگ می‌زند که آقا دوست دارم. می‌گوید: «اللَّهُمَّ أَجِدُدْ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ» مهدی جان، امروز و هر روز، «أَجِدُدْ» یعنی بیعتم را تجدید می‌کنم.

۷. علاقه رو به رشد

علاقه‌ی رو به رشد، یعنی چه؟ می‌گوید: «عَهْدًا» بعد از عهدا می‌گوید «وَ عَهْدًا» بعد از عهدا می‌گوید «وَ يَتَعَهَّدُ» الله اکبر! چه خبر است؟ مهندسی‌اش را می‌بینید.

عهد یعنی تعهد، در دعای عهد می‌گوییم: ای امام زمان عج سلام و صلوات بر تو، این سلام من عهد است. یعنی با تو تعهد می‌کنم. تعهد می‌کنم یعنی قرار می‌گذارم بین خودم و خدا، بعد می‌گوید: «عهد» کم است. پیرنگش کن، «عقد». دو نفر ممکن است با هم عهد ببندند، وعده داشته باشند، اما به هم گره نخورند. «عقد» یعنی گره. ممکن است عهد باشد، عقد هم باشد، اما تسلیم نباشد. می‌گوید: «وَ يَتَعَهَّدُ»، تسلیم است. یعنی باز هم پیرنگش می‌کند. «عهد» تعهد با حضرت مهدی عج، «عقد» عقد با امام زمان عج، «وَ يَتَعَهَّدُ» بیعت کنید با او و تسلیم شوید.

۸. علاقه افتخار آمیز

چقدر خوب است این تابلو شود. علاقه حتمی، می‌گوید: «فِي رَقَبَتِي» یعنی به گردن من، «رَقَبَ» یعنی گردن. ممکن است کسی علاقه داشته باشد ولی افتخار نکند. می‌گوید: نه، علاقه افتخار آمیز.

۹. علاقه همراه با همه مراحل

در دعای عهد می‌گوید: «وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ الدَّائِمِينَ عَنْهُ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَشَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ» تمام مراحل حضور را داشته باشم. آخر گاهی وقت‌ها انسان یک کسی را دوست دارد در حدی که مثلاً یک میلیون به او وام بدهد. ولی می‌گوید: همسفر باشم، می‌گوید: نه، همسفر نه، بابا این پول را بگیر و خودت برو. عقب ما نیا. گاهی یک کسی می‌گوید: عقب من بیا، پولت نمی‌دهم اما می‌خواهی بیایی در ماشین سوار شو تو را ببریم. یعنی از یک جهت یک جایی پیرنگ است، یک جایی کمرنگ است. دعا می‌گوید: خدایا

یازده نکته از دعای عهد



قرار بده مرا «أَنْصَارِهِ»، «وَأَشْيَاعِهِ» شیعہ یعنی دنبالہ رو یعنی من دنبال تو هستم، «انصار» و نصرت در جایی است کہ نیاز بہ کمک هست. «وَالَّذِينَ عَنْهُ» از تو دفاع می‌کنم. اگر کسی بگوید بالای چشم‌ت ابرو است، برخورد می‌کنم. «وَالَّذِينَ عَنْهُ» ما اجازه نمی‌دهیم کہ کسی جسارت کند. غیرت دینی داریم. تعصب داریم و افتخار ہم می‌کنیم. اینکه می‌گویند: تعصب بد است. آدم متعصبی است، تعصب در کار شخصی بد است. تعصب روی لهجه، فارس از فارس، ترک از ترک، لر از لر، عرب از عرب، عجم از عجم، این تعصب‌ها بد است. یعنی بہ خاطر لهجه کمکش می‌کنم. بہ خاطر همشهری گری تعصب می‌کنم. در انتخابات می‌گویم چون این همشهری من است. فامیل من است. همسایه من است. این تعصب‌ها بد است. اما اگر فهمیدی یک چیزی حق است، دیگر، باقی‌ها باطل است. آنجا کہ حق است باید تعصب داشته باشی. انحصار طلبی در حق خوب است. اولین انحصار طلب، خود خداست. چون می‌گوید: «لا اله» هیچکس را قبول ندارم، «الا اله»! جز خدا، باقی‌ها را دور بریز.

۱۰. علاقه عاشقانه

در دعا می‌گویی: «طَائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ» یعنی مهدی جان ﷺ، من کہ در دعای عهد با تو سلام می‌کنم، از روی عشق زیارت می‌کنم نہ روی اکراه!

۱۱. علاقه و عمل در خط رضایت او

«عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ» یعنی مهدی جان ﷺ من را از شیعیان قرار بده، منتها طبق آن چیزی کہ تو گفتی. هر استقامتی مهم نیست. استقامتی مهم است کہ «قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت/۳۰) استقامت براساس الله باشد. این مهم است. «گما اُمِرْتُ» (هود/۱۱۲) یعنی همانطور کہ مأمور هستی. یعنی طبق امر ما استقامت کن نہ طبق یک دندگی و لجبازی و سلیقه. اگر کسی یک سلیقه‌ای داشت و روی سلیقه‌اش هم استقامت کرد، این استقامت نیست، یک دندگی است. استقامتی ارزش دارد «گما اُمِرْتُ» کہ طبق مأموریت باشد. استقامتی ارزش دارد کہ در خط خدا و رسول خدا ﷺ و ولی خدا باشد: «عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ».

مقدمه

یکی از افتخارات شیعه داشتن گنجینه‌ای از نیایش‌ها و مناجات است که از امام سجاده (ع) چهارمین پیشوای شیعیان، بر جای مانده است.

مجموعه با عظمت صحیفه سجادیه دارای سلسله مفاهیم بلند و معارف ناب دینی است که در قالب دعا و نیایش به طرز خارق‌العاده‌ای بیان شده است. این ساختار در حالی که قالب نیایش را حفظ کرده، مجموعه‌ای وسیع از مباحث اعتقادی شیعی را شامل مباحث عرفانی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی، آموزش داده، یا تقویت می‌کند. بی‌شک خلق چنین اثری جز از طریق ارتباط با مصدر لایتنهای الهی ممکن نیست و بدون تردید این خود از مصادیق حقایق و شایستگی بی‌بدیل صاحب این سخنان حکایت دارد.

در ماه‌های با عظمت رجب، شعبان و رمضان مناسب‌تر است که با نگاهی به صحیفه سجادیه دل و جان خودمان را از این معدن پر فیض بهره‌مند کنیم.

امام زمان (عج) در صحیفه سجادیه

مهدویت در نگاهی به زبور آل محمد (ص)

امید چوبانی



از میان پنجاه و چهار دعای این کتاب شریف، دعای ۴۷ و ۴۸، اشاره‌ای به مهدویت و مباحث مرتبط به زمانه ظهور و موضوع انتظار دارد که در ذیل به آن اشاره شده است:

“

۱. در باب وجود امام و حجت الهی در هر

زمان و روزگاری

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَثَدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَ جَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَ حَذَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَ أَمَرْتَ بِامْتِنَالِ أَوَامِرِهِ، وَ الْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَ مَتَقَدِّمٌ، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصْمَةُ الْأَلْبَانِ، وَ كَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءُ الْعَالَمِينَ:

بار خدایا تو دین خود (اسلام) را در هر زمان و روزگاری بوسیله امام و پیشوایی (یکی از ائمه معصومین (ع)) که او را برای (گمراهان) بندگان علامت (راهنما) و در شهرها و نشانه (راه حق) بر پا داشته‌ای، تأیید و کمک کرده‌ای پس از آنکه پیمان (دوستی) آن امام را به پیمان (بدوستی) خود پیوسته، و او را سبب خوشنودی (افاضه رحمت) خویش گردانیده‌ای، و طاعت و فرمانبری از او را واجب نموده، و از فرمان نبردن از او ترسانیده‌ای، و فرمانبری فرمان‌هایش، و باز ایستادن از نهی و باز داشتنش، و به این که کسی از او پیشی نگیرد (جز پیروی از فرمان او از پیش خود کاری نکند) و از او واپس نماند (خلاف فرمانش قدمی بر ندارد) فرمان داده‌ای، پس او است نگهدار پناهندگان (بخود از واقع شدن در یکی از دو طرف افراط و تفریط) و پناه اهل ایمان (در رهایی از تاریکی‌های نادانی و شبهات) و دستاویز جنگ زدگان (از کفرها) و جمال و نیکویی جهانیان (زیرا به راهنمایی و روش او ترازوی عدل و داد در بین مردم برابر می‌گردد)».

“

۲. اشاره به یاوران ولی عصر (عج) و دعا

برای ایشان...

«اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ آتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ



اَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاعْنَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزَّ، وَاشْدُدْ أَزْرَهُ، وَقُوْ عَضْدَهُ، وَزَاعِهِ بَعِيْنَهُ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ وَانْصُرْهُ بِمَلَانِكَيْتِكَ، وَامْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ:

بار خدایا پس (چون برای تو در هر روزگاری پیشوائی است به این صفات) بولی (اولی) بتصرف در امور مؤمنین) خود (که امام این زمان است) شکر و سپاس آنچه را بر او نعمت داده‌ای الهام نما (این جمله دعاء است برای امام هر زمان، و بیان امام علیه السلام در اینجا در زمان امامتش اشاره به خود بوده سپس امام هر زمانی، و مقصود تعلیم و یاد دادن به شیعیان است) و مانند آن شکر و سپاس را (بر آنچه بما نعمت داده‌ای) بسبب آن حضرت بما الهام کن، و او را از جانب خود سلطنت و توانایی (یا حجت و برهان آشکاری) که (او و شیعیانش را) یاری دهنده است عطا فرما، و برای او (هر مشکل و بسته شده‌ای را) بگشای گشودن آسانی (که رنج در آن نباشد) و او را به تواناترین تکیه‌گاه خود یاری ده، و توانایش (یا پشتش) را محکم و استوار گردان، و بازویش را توانایی بخش (او) را کمک فرما) و به دیده (مراقبت) خود رعایت و حفظش کن، و به نگهداریت نگهدارش، و به فرشتگانت (در هر زمان یا هنگام جهاد چنان که جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله را در جنگ بدر یاری کردند) یاریش نما، و به لشکر و سپاهت (مؤمنین و جهاد کنندگان در راهت) که غلبه کننده‌ترین (لشگرها) اند کمکش فرما».

۳. اشاره به دستاوردها و نعمت‌های عصر ظهور

«وَأَقِمَّ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَ سُنَنَ رَسُولِكَ، - صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ -، وَ أَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَ أَجَلْ بِهِ صَدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَ أَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَ أَرِزْ بِهِ الثَّائِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَ امْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عَوْجًا:

و کتاب خود (محکم، متشابه، مجمل، مفصل، ناسخ و منسوخ قرآن و خواندن آن را چنان که فرود آمده و نگهدارش را از فساد و تباهی) و احکام و راه‌های هدایت و رستگاریت و روش‌های پیغمبرت را - درودهایت بار خدایا بر او و آل او باد - به وسیله او بپا دار (آشکار ساز) و آنچه از نشانه‌های دینت (احکام و دستورهایت)

را که ستمکاران می‌رانده‌اند (پشت سر انداخته طبق آنها رفتار نمی‌کنند) بسبب او زنده گردان (هویدا ساز) و زنگ (فساد و تباهکاری) ستم (ستمکاران) را از طریق و راهت (و نیت) به او بزدای، و به وسیله او سختی را از راهت (توانا) نبودن به هدایت و راهنمایی مردم را به سوی آن که بواسطه تسلط و غلبه ستمکاران رخ داده) دور ساز، و به سبب او عدول کنندگان از راه خود (اسلام) را از میان بردار، و به او آنان را که برای راه راست تو اعوجاج و کجی می‌طلبند (در میان مردم شبهات و تأویلات باطله القاء می‌نمایند تا آنها را گمراه نمایند) نیست و نابود گردان».

۴. اشاره به اطاعت از ولی عصر علیه السلام

«وَأَلِّنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَانِكَ، وَ ابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَغْدَائِكَ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ - صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ: و ولی خود (امام زمان علیه السلام) را برای دوستانت نرم (بردبار) گردان، و دستش را بر دشمنانت بگشا (او را بر ایشان مسلط فرما) و رحمت و مهربانی و عطا و شفقت او را بما ببخش (او را در باره ما مهربان ساز) و ما را برای او شنوندگان فرمانبرندگان و در (بدست آوردن) رضا و خوشنودیش کوشش کنندگان و در یاری نمودن و دفاع و پشتیبانی از او یاری کنندگان و بوسیله آنچه درخواست شد به سوی تو و پیغمبرت - درودهایت ای خدا بر او و آل او باد - تقرب جویان نما».

۵. بیان و تصویری از اوصاف منتظران و شیعیان حضرت علیه السلام

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمُ الْمُتَقَرِّبِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُتَّقِيْنَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنَتِّزِينَ أَيْامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَغْنِيَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّكَائِبَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ: بار خدایا درود فرست بر دوستان ایشان که به

مقام و مرتبه آنان (خلافت و ریاست عامه و فضیلت و برتریشان بر همه مردم که تو قرار داده‌ای) اقرار دارند، راه روششان را پیروی می‌نمایند (طبق دستورشان رفتار می‌کنند) دنبال آثار و نشانه‌هاشان می‌روند، بدست‌آویز (بدین و راهنمایی) شان چنگ می‌زنند، به دوستی‌شان تمسک می‌جویند (به وجوب طاعتشان اعتقاد دارند) به امامت و پیشوایی‌شان اقتدا می‌نمایند، برای امر و فرمانشان تسلیم و فرمانبراند، در طاعت و پیرویشان می‌کوشند، ایام روزگار (دولت و ظهور خلافت) ایشان (ایام حضرت صاحب الامر، المهدی المنتظر علیه السلام) که دولت او دولت ایشان است) را انتظار دارند و چشم‌هاشان به سوی آنان دوخته‌اند (همیشه چشم بر راه ظهور دولت ایشانند) دروهای با برکت و نیکی و پاکیزه و فزاینده هنگام بامدادان و شبانگاهان».

دل (امام زمان علیه السلام) را برای دوستانت نرم (بردبار) گردان، و دستش را بر دشمنانت بگشا (او را بر ایشان مسلط فرما) و رحمت و مهربانی و عطا و شفقت او را بما ببخش

۶. دعا برای فرج ضمن دعای چهل و هشتم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ خَمِيدٌ مَجِيدٌ، كَصَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ تَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَانِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَ عَجَلِ الْفَرَجَ وَ الرُّوْحَ وَ النُّصْرَةَ وَ التَّمَكِّيْنَ وَ التَّأْيِيدَ لَهُمْ:

بار خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، زیرا تو (در همه افعال و کردارت) ستوده شده بزرگواری (دارای احسان و نیکی بسیاری، درودی) مانند رحمت‌ها و نیکی‌ها و درودهای تو برگزیدگانست: ابراهیم و آل ابراهیم، و بگشایش و دور شدن غم و اندوه و آسایش و یاری کردن و تسلط دادن و کمک کردن ایشان تعجیل و شتاب فرما».

برای خاطر آیه‌ها

(سبک زندگی قرآنی امام حسین علیه السلام)

حمیده رضایی

دنیا رفت، غیبت در نهمین فرزند تو رخ می‌دهد و این نه امام از نسل تو هستند؛ خدا به آنها دانش و فهم مرا عطا فرموده و سرشت آنان از سرشت من است.» (کفایت الاثر، ص ۱۷۵)

او «قل هو الله احد» را به من آموخت از امام حسین علیه السلام پرسیدند از رسول خدا علیه السلام چه شنیده‌ای؟ فرمود: شنیدم که می‌فرمود: «خداوند کارهای مهم و بزرگ را دوست می‌دارد و کارهای پست و حقیر را نمی‌پسندد.» او «قل هو الله احد» و نمازهای پنج گانه را به من آموخت و شنیدم که می‌فرمود: «هر که خدا را اطاعت کند، خدا او را بالا می‌برد و هر که نیت خود را برای خدا خالص کند خدا او را نیکو سازد و بیاراید و هر که به آنچه نزد خداست اطمینان کند خدا او را بی‌نیاز کند و هر که بر خدا بزرگی کند خدا او را خوار سازد.» (فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۳۱)

منظور شماست

هنگامی که آیه «و اولوالارحام بعضهم اولى بعض فی کتاب الله: و خویشاوندان در کتاب خدا بعضی مقدم بر بعضی دیگرند» نازل شد، امام حسین علیه السلام تأویل این آیه شریفه را از پیامبر علیه السلام پرسید. حضرت در پاسخ فرمودند: «سوگند به خدا که منظور در این آیه جز شما نیستید و اولوالارحام شماست. پس اگر من از دنیا رفته‌م پدرت علی از هر کس به جانشینی من شایسته‌تر است و هرگاه پدرت علی درگذشت، برادرت حسن به جانشینی او سزاوارتر است و هرگاه حسن از دنیا رفت، تو به جانشینی او لایق‌تری.» حضرت بار دیگر سؤال کرد: «ای رسول خدا چه کسی پس از من به جانشینی من سزاوارتر است؟» فرمود: «فرزندت علی، پس فرزندش محمد، پس فرزندش جعفر، پس فرزندش موسی، پس فرزندش علی، پس فرزندش محمد، پس فرزندش علی، پس فرزندش حسن، پس هرگاه حسن از

امام حسین علیه السلام در خانه وحی و قرآن متولد شد؛ آیات بسیاری از قرآن در خانه‌شان بر رسول خدا علیه السلام نازل شد. اثر قرآن بر روح و جان ایشان چنان عمیق بود که رد پای آن در تمام زوایای زندگی پربارشان قابل مشاهده است. این تنها گوشه‌ای از سلوک قرآنی آن حضرت است که در تاریخ به ثبت رسیده است.



شیرینی ویژه

امام صادق (ع) می‌فرماید: پدرم برایم نقل فرمود که علی بن ابیطالب (ع) در حالی که امام حسن و امام حسین (ع) در محضر مبارک او بودند، سوره مبارکه «اننا انزلناه فی لیلۃ القدر» را قرائت کرد. امام حسین (ع) عرض کرد: پدرجان! گویا شنیدن این سوره از دهان مبارک شما، شیرینی ویژه‌ای دارد! امام علی (ع) در پاسخ فرمود: «ای فرزند رسول خدا و ای فرزند من! من از این سوره خاطره‌ای دارم که تو از آن خبر نداری؛ چون این سوره نازل شد، جدت پیامبر خدا (ص) مرا به حضور طلبید و آن را برای من قرائت کرد، پس دست بر شانه من زد و فرمود: ای برادر و وصی من و ای سرپرست امت من پس از من، و ای ستیزگر با دشمنان من تا روزی که برانگیخته شوند! این سوره پس از من برای توست و پس در شأن فرزندان تو. همانا برادرم جبرئیل رویدادهای اتمم را برایم بازگو کرد و او آنها را همانند حوادث نبوت برای تو بازگو می‌کند. این سوره در قلب تو و اوصیای تو تا هنگام طلوع فجر قائم آل محمد (ص) نوری درخشان دارد.

(فرهنگ جامع امام حسین (ع) ص ۶۳۷)



از امام حسین (ع) پرسیدند از رسول خدا چه شنیده‌ای؟ فرمود: شنیدم که می‌فرمود: «خداوند کارهای مهم و بزرگ را دوست می‌دارد و کارهای پست و حقیر را نمی‌پسندد.»

قرآن در بیابان

ابن عساکر از شخصی که با امام حسین (ع) گفت‌وگو داشته نقل کرده است: در منزل ثعلبیه چشمم به چادرهایی افتاد که در بیابان برپا شده بود. پرسیدم این چادرها از آن کیست؟ گفتند: امام حسین (ع) پس به نزد او آمدم؛ او مشغول تلاوت قرآن بود و اشک از چشمانش بر گونه‌ها و محاسنش سرازیر بود. عرض کردم فدایت ای فرزند رسول خدا! برای چه به این‌جا آمدی؟ در این بیابان که هیچ کس در آن یافت نمی‌شود، چه می‌کنی؟ فرمود: «این نامه‌های اهل کوفه است که به من نوشته‌اند و نمی‌بینم مگر آن که همان‌ها قاتل من هستند.

پس هیچ حرمتی برای خدا نبوده، مگر آن که دریده باشند و خداوند در برابر این همه بی حرمتی از آنها کسی را بر آنان مسلط خواهد کرد که خوار و ذلیلشان کند.»

(قصه کربلا، ص ۲۴۳)

به خاطر آیه

روزی یکی از خدمتگذاران حضرت، جنایتی که موجب تنبیه بود انجام داد. حضرت دستور داد تا او را تادیب کنند. او گفت: ای آقای من! «والکاظمین الغیظ» امام فرمود: رهایش کنید. بار دیگر گفت: ای مولای من! «والعافین عن الناس» حضرت فرمود: از تو گذشتم. برای بار سوم گفت: ای مولای من! «والله یحب المحسنین» حضرت فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی و از این پس حقوق تو دو برابر آن چه که پیش از این به تو می‌دادم خواهد بود.

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵)

شفا به برکت سوره حمد

وقتی امام حسین (ع) بیمار شد و مادرش فاطمه (ع) او را نزد پیامبر (ص) برد و عرض کرد: «یا رسول الله! دعا کن خداوند به پسر شفا عنایت فرماید.» رسول خدا (ص) فرمود: «دخترم! خداوند متعال همان کسی است که او را به تو هبه کرد و او قادر است که پسرش را شفا دهد.» در همان وقت جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «یا محمد! ظرف آبی طلب کن و بر آن چهل مرتبه سوره حمد را بخوان، پس آن آب را بر حسین (ع) بپاش که خداوند در اثر چنین کاری، به حسین (ع) شفا خواهد داد.» پیامبر (ص) چنین کرد و امام حسین (ع) عافیت یافت.

(بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۱)

تلاوت کتاب او را دوست دارم

عصر عاشورا، عمر بن سعد با دریافت پیام و دستور جدید از عبیدالله بن زیاد، به محل استقرار امام و یاران باوفایش نزدیک شد، چون امام از هدف او آگاه شد، به برادر خود قمر بنی هاشم (ع) فرمود: «اگر می‌توانی آنها را متقاعد کن که جنگ را تا فردا به تأخیر بیندازند و امشب را مهلت دهند تا ما با خدای خود راز و

نیاز کنیم و به درگاهش نماز بگذاریم. خدای متعال می‌داند که من به خاطر او، نماز و تلاوت کتاب او را دوست دارم.»

(الارشاد مفید، ص ۲۱۴)

تنها برای یک سوره

ابن شهر آشوب روایت می‌کند که عبدالرحمن سلمی به یکی از فرزندان امام حسین (ع) سوره حمد را آموزش داد. وقتی فرزند امام آن را نزد پدر خواند، امام حسین (ع) به آن آموزگار هزار دینار و لباس عطا کرد و دهان او را پر از جواهرات کرد! به حضرت اعتراض کردند که آموزش یک سوره این همه عطا و تشویق لازم نداشت. امام در پاسخ فرمود: «این عطا و بخشش چگونه می‌تواند با تعلیمی که او می‌دهد برابری کند؟!»

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹)

میهمان سفره بینوایان

روزی امام حسین (ع) از کنار فقرا می‌گذشت. آنان که سفره خود را پهن کرده و تکه‌های نان خشک را در آن قرار داده بودند، از امام خواستند تا با آنان هم غذا شود. حضرت به درخواست آنها پاسخ مثبت داد و در کنار آنها نشست و با آنان هم غذا شد و این آیه را تلاوت کرد: «ان الله لا یحب المتکبرین» پس فرمود: «من دعوت شما را پذیرفتم شما نیز به دعوت من پاسخ گویید.» عرض کردند: «ای فرزند رسول خدا (ص)! چنین می‌کنیم.» پس همراه امام (ع) به سوی منزل روانه شدند. حضرت به کنیز خود فرمود: «هر چه در منزل گذاشته‌ای برای ما بیاورید.»

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵)



همانا برادرم جبرئیل رویدادهای امتم را برایم بازگو کرد و او آنها را همانند حوادث نبوت برای تو بازگو می‌کند. این سوره در قلب تو و اوصیای تو تا هنگام طلوع فجر قائم آل محمد (ص) نوری درخشان دارد.



سید مهدی هاشمی

لقب‌های هر کس، نشان دهنده شخصیت حقیقی اوست؛ مخصوصاً که درباره اهل بیت علیهم‌السلام این القاب بر اساس ویژگی‌های واقعی آنان به آنها داده می‌شد.

قمر بنی هاشم، باب الحوائج، طیار، عبد صالح، عبد صدیق، سقا، سپهسالار، قهرمان علقمه، ناصر ابن رسول الله، داعی الی سبیل الله، ولی الله، ناصح، مظلوم، المطیع لله و رسوله، صابر، مجاهد، محامی، دافع، المجیب، حبیب الله و... از جمله القاب حضرت عباس علیه‌السلام است.

شرح چند نمونه از این القاب:

باب الحوائج: حضرت عباس علیه‌السلام در دوران زندگانی امام مجتبی علیه‌السلام همواره در کنار آن حضرت بوده و به مددکاری مردم و بر آوردن نیازهایشان می‌پرداخت. این رویه در زمان امامت امام حسین علیه‌السلام و پیش از جریان عاشورا نیز ادامه داشت تا آن جا که هرگاه

نیازمندی برای کمک خواستن نزد این دو امام می‌آمد، حضرت عباس علیه‌السلام مأمور اجرای دستور امام خود می‌شد. حضرت، جایگاه بلندی نزد برادرش امام حسین علیه‌السلام داشت. نوشته‌اند: همان گونه که پدرش امیرمؤمنان علیه‌السلام جایگاه بلندی نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داشت و هرگاه مشکلی روی می‌داد، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ابتدا آن را با علی علیه‌السلام در میان می‌گذاشت؛ عباس علیه‌السلام نیز برای امام حسین علیه‌السلام چنین بود و آن حضرت با پیشامد هر مشکلی، آن را با برادرش در میان می‌گذاشت و از او می‌خواست آن را برطرف کند، از این روی ایشان را «باب الحوائج»؛ یعنی «برآورنده نیاز» می‌خوانند.

(ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ج ۴، ص ۴۰)

قمر بنی هاشم: حضرت عباس در میان خاندان بنی هاشم به قمر و ماه تشبیه می‌شد؛ چرا که چهره زیبا و نورانی‌اش مردم را به

شگفتی وا می‌داشت و بی‌شک بعد از امام معصوم، در بین بنی هاشم جوانی خوش سیما چون او نبود.

(خصائص العباسیه، ص ۱۳۱؛ مقاتل الطالبین، ص ۸۵)

طیار: این لقب اشاره به روایاتی دارد که امام علی علیه‌السلام در ضمن آن خاطر نشان می‌کند که خداوند به عباس مانند جعفر بن ابی طالب علیه‌السلام دو بال در بهشت برای پرواز می‌دهد که شهیدان به مقامش غبطه می‌خورند.

(ذخیره الدارین، ص ۱۳۳)

سقا: این لقب بیش از دیگر القاب مورد علاقه آن حضرت بود که در واقعه کربلا بیش از پیش بروز داشت؛ چنانکه پس از بستن راه آب به روی اهل بیت، عباس علیه‌السلام بارها و بارها صفوف دشمن را شکافت و خود را به فرات رساند که سرانجام منجر به شهادتش نیز شد.

(زندگانی ابوالفضل العباس، شریف قرشی، ص ۳۳)



سرمایه گذاری در شادی

حجت الاسلام حبیب الله فرحزاد



اطعام می‌دهیم، خوب است برای سوم شعبان هم اطعام بدهیم و دل‌ها را شاد کنیم. چند روز جشن برای امام زمان علیه السلام کم است، ما می‌توانیم تا ماه رمضان جشن بگیریم. مثلاً برای امام حسین علیه السلام بیست روز جشن بگیریم. ما می‌توانیم کاری کنیم که دل امام حسین علیه السلام شاد شود و مهمترین آنها، این است که گره‌های مردم را باز کنیم؛ مثلاً گره‌ای را باز کنیم یا زندانی‌ای را آزاد کنیم یا قرضی را ادا کنیم یا افرادی را که تابه حال به زیارت امام حسین علیه السلام یا امام رضا علیه السلام مشرف نشده‌اند، به زیارت بفرستیم و خرج سفر آنها را بدهیم تا خودمان را در ثواب زیارت شریک کنیم، یا اینکه در این ایام مهمانی بدهیم. اطعام در ایام شادی یا عزاداری فرقی ندارد و ثوابش یکی است. البته دستگاه‌های دولتی هم می‌توانند در این جشن‌ها کمک کنند تا ایام شادی را مثل ایام عزاداری پاس بداریم.

یکی از نکاتی که دوستان اهل بیت باید به آن توجه داشته باشند این است که غم‌ها و عزاداری‌های ما با شادی‌های ما موازنه ندارند. این خوب است که ما در مراسم‌های عزاداری سرمایه می‌گذاریم، ولی باید در مراسم‌های شادی هم سرمایه گذاری کنیم؛ مثلاً ما در عزاداری امام حسین علیه السلام دو ماه عزاداری می‌کنیم، ولی برای تولد امام حسین علیه السلام یک روز جشن می‌گیریم. ماه شعبان تنها ماهی است که در آن وفات و شهادت نیست و تمام ماه جشن است، از ۲۷ رجب تا ۱۹ ماه رمضان شهادت و وفات نداریم.

در ایام شادی نباید روضه‌های زیاد خوانده بشود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شیعیان ما از سرشت و طینت گل ما خلق شده‌اند، آنها در شادی ما شاد و در غم ما غمگین هستند؛ بنابراین باید بین شادی و غم توازی باشد، همان‌طور که برای شهادت امام حسین علیه السلام

بصیرت و انتظار

جواد محدثی



چراغ بصیرت

پیمودن راه طولانی «انتظار تا ظهور» نیازمند «چراغ راه، است» تا منتظر راستین، پیچ و خمها، عقبه‌ها و پرتگاه‌ها را بشناسد و با سلامت به مقصد برسد.

این چراغ راه، «بصیرت» است، یعنی بینش عمیق در مسائل فکری و اجتماعی، تا انسان فریب نخورد، باطل را به جای حق نپذیرد، مورد سوء استفاده دشمنان قرار نگیرد، دچار فتنه‌های اجتماعی نشود و در خط صحیح اهل بیت باقی بماند. بدون این بصیرت که چراغ درونی است، از بصر و بینایی چشم، کاری ساخته نیست. امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: «نظر البصر لایجدي إذا عمیت البصيرة» نگاه چشم فایده ندارد، آنگاه که چشم بصیرت کور باشد.

بصیرت در دین، به ویژه در عصر غیبت ائمه که دسترسی به امام معصوم مهیا نیست و شیادان و رهنمایان فراوانند، لازم‌تر است و بدون آن، چه بسا افراد سطحی‌نگر و فاقد بصیرت، با کوچک‌ترین شبهه دچار انحراف شوند و با اغواگری منحرفان، به مذهب‌های ساختگی و فرقه‌های پوچ کشیده شوند و از مسلمانی فاصله بگیرند. از شاخص‌های این بصیرت، امام‌شناسی و جهت‌شناسی است، چه در عصر حضور، چه در عصر غیبت. از این رو در یکی از

دعاهای عصر غیبت «حجت، شناسی» را از خدا می‌طلبیم: «اللهم عرفنی حجتک»، چرا که اگر حجت خدا را نشناسیم، گرفتار گمراهی می‌شویم: «انک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی»^۱

این بصیرت دینی، تنها در مسائل فقهی و حلال و حرام و واجبات شرع نیست، در امور اجتماعی و سیاسی هم مؤمن باید هوشیار و با بصیر باشد تا ملعبه دیگران نگردد و دچار امواج انحرافی نشود و به استخدام افراد فاسد و دستگاه‌های جبار و قدرت‌های ستمگر در نیاید.

دستبرد به باورها

در عرصه مسائل اعتقادی هم فریب و اغوا وجود دارد.

کسانی که با سوء استفاده از باورهای دینی مردم، به هدف‌های شوم خود می‌رسند. در طول تاریخ، افراد بسیاری بوده‌اند که ادعای پیغمبری کرده و جمعی را به گمراهی کشیده‌اند، یا با روش‌های فریبکارانه، پیروان یک پیامبر را دچار انحراف و تزلزل ساخته‌اند، نمونه‌اش سامری و ترویج گوساله‌پرستی در امت موسی. افرادی هم بوده‌اند که ادعای امام زمانی یا ارتباط با امام زمان داشته‌اند و عده‌ای سطحی‌نگر و ساده‌لوح و خوش‌باور را مرید خود ساخته‌اند و فرقه‌سازی کرده‌اند؛ نمونه‌اش پیدایش فرقه گمراه بهایی‌گری در قرن اخیر.



کشورهای استعمارگر، مثلاً دولت انگلیس، در پشت سر جریان انحرافی بهایی‌گری بوده و امروز هم امریکا و اسرائیل، از حامیان عمدهٔ بهائیان‌اند، چگونه کسانی ساده‌لوح، به بهائیت به عنوان یک دین نگاه می‌کنند و به آن می‌گروند و دست از اسلام می‌کشند.

البته گاهی هم به سبب فقر مادی و برای کسب مال و عنوان و شغل، یا رسیدن به غرایز جنسی و آزادی‌ها و بی‌بند و باری‌های شیطانی، سراغ این فرقه می‌روند، ولی به هر حال، عده‌ای هم به خاطر ضعف بینش دینی فریب می‌خورند و جذب می‌شوند.

امروز شاهدیم که در گوشه و کنار، کسانی مدعی ارتباط با امام زمان (عج) می‌شوند و از این راه، به شهرت و ثروت می‌رسند و با تظاهر و ریاکاری و با انگیزه‌های دنیوی و ریاست‌طلبانه، مردم را دور خود جمع می‌کنند و به اخاذی و حتی فسادهای اخلاقی و ارتباط‌های نامشروع می‌پردازند و پس از چندی، دروغ و فساد آنان آشکار می‌شود و دستگیر می‌شوند و از این راه، ضربه به اعتقادات مردم علاقه‌مند به حضرت صاحب‌الزمان (عج) وارد می‌شود.

پس باید بصیر و بینا و دین‌شناس بود، تا حرف‌هایی بر خلاف دین و بر خلاف اعتقادات صحیح شیعی را به نام دین نپذیرفت و به دروغ‌پردازان به عنوان کسانی که با حضرت حجت (عج) مرتبط‌اند و از او دستور می‌گیرند و... نگاه نکرد.

«مدعیان دیدار»

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند

دربارهٔ دیدار حضرت مهدی (عج) و تشرف به حضور آن حضرت، بسیار گفته و نوشته‌اند. اصل امکان دیدار را نمی‌توان انکار کرد، ولی چنین نیست که هر کس هم مدعی دیدار و ارتباط شد راست می‌گوید. بیشتر کسانی که ساده‌لوحانه فریب می‌خورند، آنان‌اند که با علمای دین و مرجعیت رابطه‌ای ندارند و گرفتار شیادان می‌شوند

و مانند گوسفندی که از چوپان خود فاصله بگیرد. گرفتار گرگ‌های اعتقادی می‌گردند. اگر به جای ساده‌لوحی و سطحی‌نگری، بصیرت و بینش دینی باشد. «انتظار فرج» این امر مقدسی که از برترین عبادت‌ها به شمار آمده است، نتیجه به خرافات و آلوده به انحرافات نمی‌شود و می‌دبازان شیاد نمی‌توانند با ادعاهای دروغ و خواب‌های بی‌اساس و کشف و کرامات ساختگی، از باور دینی مردم سوءاستفاده کنند عمدهٔ فریب‌خوردگان، افراد کم‌سواد یا بی‌سواد و بی‌بصیرت‌اند.

در حدیثی که از امام عصر (عج) روایت شده است می‌خوانیم: «سایانی شیعتی من یعدی المشاهدة، الا فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة فهو کاذب مفتر»^۱

بزودی بر شیعیان من خواهد آمد که کسی مدعی مشاهده و دیدار شود. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه (که دو نشان از علائم ظهور است) ادعای مشاهده کند، دروغگو و اهل افترا است. این سخن می‌خواهد دکان کسانی را ببندد که با ادعای مشاهده و دیدار، در پی مرید جمع کردن و اغوای مردم‌اند و هشدار می‌دهد است تا پیروان حضرت، دچار بی‌بصیرتی و غفلت نشوند. وگرنه نمونه‌های صریح و مستند و درست از عالمانی که در عصر غیبت، توفیق شرفیابی داشته‌اند، کم نیست. به آنان که جار می‌زنند و مدعی دیداراند. باید به دیدهٔ تردید نگریست. چرا که: آن را که خبر شد، خبری باز نیاورد...!

بصیرت، عنصر مکمل انتظار است. منتظران هم باید عمق بینش داشته باشند و راه انتظار را با چراغ بصیرت طی کنند. طی این مرحله بسی همراهی خضر مکن ظلمات است، بترس از خطر گمراهی^۲

۱. غررالحکم، حدیث ۹۹۷۲.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ مفاتیح‌الجنان، دعا در غیبت امام زمان (عج).

۳. الحیة، محمدرضا حکیمی، ج ۱، ص ۵۴، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۴.

۴. اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۵. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۱۶.

۶. حافظ.

آن‌چه انسان را در مقابل اینگونه ادعاها و دروغ‌ها مسلح می‌کند و مصونیت می‌بخشد، داشتن بصیرت و بینش است. کسی که این خود را عمیقاً بشناسد و اعتقادات شیعی را خوب بداند و در مسائل دینی، دیدگاه‌های علمای دین را محور قرار دهد، فریب نمی‌خورد و به انحراف کشیده نمی‌شود و در دام شیادان گرفتار نمی‌شود. این که امام صادق (عج) می‌فرماید: «اگر جوانی از جوانان شیعه را نزد من آورند که دین‌شناس نباشد، او را ادب می‌کنم»^۳ اهمیت این ژرف‌نگری در دین و رهایی از عوامی‌گری را می‌رساند.

حضرت باقر (عج) به یکی از اصحابش فرمود: «ای ابا حمزه! هرگاه یکی از شما چند فرسخ بیرون می‌روید، برای خودتان «راهنما» انتخاب می‌کنید. شما به راه‌های آسمان ناآشناتر از راه‌های زمین هستید. پس برای خودت دلیل و راهنما بطلب.»^۴ این راهنمایی در راه آسمانی دین‌داری، برای مصون ماندن از هجوم غارتگران عقاید است.

«کمین‌گاه‌ها»

هر که گام در راهی می‌نهد، باید خطرهای و کمین‌گاه‌های آن را بشناسد و با آمادگی قدم در آن راه بگذارد. «راه انتظار» هم خالی از کمین نیست. مایهٔ بسی شگفتی است که با این که

انسان، بی امام زمان عیسی مکار می شود!

حجت الاسلام محمد مهدی ماندگاری

برنامه سمت خدا از پر مخاطب ترین برنامه های شبکه سه سیماست که با دعوت از اساتید و اندیشمندان موضوع های دینی را با زبان ساده و جذاب در اختیار بینندگان خود قرار می دهد. آقای ماندگاری در برخی از برنامه های آن به طرح مباحث دینی از جمله مهدویت می پردازد. پرسش «آیا امام زمان عیسی مکار می شود که ما زندگی را به بندگی تبدیل کنیم؟» در یکی از این برنامه ها و در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱۳ مطرح شده است و پاسخ ذیل را از ایشان می خوانیم.

امام زمان عیسی جز تبدیل زندگی به بندگی از ما چیزی نمی خواهد. امام می خواهد سه پیام را به مردم بدهد: یکی اینکه همه در این عالم می خواهیم بندگی کنیم. خدا برای انسان ها شرط گذاشته است که اگر انسان ها بندگی کنند، خدا همه مخلوقات را مسخر آنها قرار دهد. پس تا انسان بنده خدا نشود عالم بنده انسان نمی شود، یکی اینکه برای بندگی نیاز به نعمت داریم؛ یعنی باید امکاناتی داشته باشیم تا بتوانیم زندگی کنیم مثل نعمت آب، هوا، خاک، نور و... این امکانات می تواند دو خاصیت داشته باشد: حیات دهنده و حیات کشنده. مثل چاقو که اگر در دست جراح باشد بیماری را نجات می دهد و اگر در دست بچه باشد فردی را زخمی می کند. امکاناتی که خدا برای زندگی ما گذاشته است نیز دو پهلوی است، دیگر اینکه اگر ما بخواهیم از این امکانات برای حیات واقعی استفاده کنیم نیاز به راهنما و نقشه داریم؛ راهنما، پیامبر و نقشه، دین است. امام می گوید که شما آمده اید که در این دنیا زندگی و بندگی کنید، زندگی یعنی استفاده از امکانات و ابزارهای حیات که دو پهلوی است. صداقت، شرط همراهی با امام زمان عیسی است. جوانی به حضرت عیسی ع گفت که من می خواهم همراه تو باشم. حضرت

عیسی ع می خواست جوان را امتحان کند و به او پولی داد تا نان بخرد. او سه قرص نان خرید، یکی را در راه خورد و به حضرت گفت که من دو قرص نان خریده ام یعنی به حضرت دروغ گفتم. او با این کار شرط حضور در محضر حجت خدا را از دست داد. حضرت عیسی ع در راه، معجزه های به او نشان داد و باز سؤال کرد که چند قرص نان خریدی؛ او گفت: دو تا. حضرت این کار را تکرار کردند. آنها به محلی رسیدند که حضرت از زیر خاک سه تکه طلا بیرون آورد. حضرت خواست که تکه های طلا را به او بدهد؛ از او پرسید: چند تا نان خریدی؟ گفت: سه تا. حضرت فرمود که تو برای همراهی با ما راست نگفتی ولی برای بدست آوردن طلاها راست گفتی و طلاها را به او داد. این طلا، همان داستان چاقو است که اگر بدون حجت خدا باشد، برای انسان خطرناک است. حضرت از جوان خداحافظی کرد و رفت. او برای نگهداری طلاها دو تا دوست پیدا کرد. این سه نفر فکر کردند که با این سه تکه طلا چکار کنند، بعد از مدتی گرسنه شان شد و قرار شد که یکی به بازار برود و دو نفر دیگر از طلاها نگهداری کنند. کسی که به بازار رفت مکر کرد، انسان بی امام مکار می شود. او گفت که غذاها را مسموم می کنم و به دوستانم می دهم تا بمیرند و طلاها را برمی دارم. از طرفی دو نفر دیگر هم مکر کردند که او را بکشند تا طلای بیشتری بدست بیاورند. ما فکر می کنیم که فقط خودمان می توانیم سر دیگران را کلاه بگذاریم ولی غافل هستیم که دست بالای دست بسیار است. ما گاهی می خواهیم سر خدا را هم کلاه بگذاریم. آن دو نفر، کسی را که غذا آورد کشتند و بعد غذاهای مسموم او را خوردند و سه نفر با هم مردند و سه جنازه با سه تکه طلا باقی ماند. مدت ها بعد حضرت عیسی ع با یارانشان از آنجا گذشتند و حضرت این داستان را برای آنها تعریف کرد و تکه های طلا را هم زیر خاک کرد. اصلی ترین عنصر تبدیل زندگی به بندگی، راهنما است. نعمت ولایت نور است. اگر ما

امکانات زیادی داشته باشیم ولی این نور را نداشته باشیم بیشتر به زمین می خوریم. الان دنیا امکانات زیادی دارد ولی چون نور امام زمان ع را ندارد مشکلات زیادی دارد. تا امام خودش را در زندگی ما نشان ندهد، زندگی ما تبدیل به بندگی نمی شود. امام صامت قرآن است و امام ناطق هم، امام زمان ع است. آیا ما قرار گذاشته ایم که با این قرآن و امام، زندگی خودمان را قانونمند کنیم؟ به تعبیری زندگی خودمان را محدود کنیم تا از وعده های خدا محروم نشویم؟ در آستانه نیمه شعبان خوب است که همه دستورات اسلام را به دل خودمان عرضه کنیم و ببینیم که چقدر پذیرنده و تشنه حکم خدا هستیم، چقدر تسلیم حکم خدا هستیم، چقدر دوست داریم که در عمل این حکم را انجام دهیم، چقدر دوست داریم که این اعمال را ادامه دهیم. خیلی از مسلمان ها در ماه رجب و شعبان و رمضان اعمال را انجام می دهیم ولی آنها را ادامه نمی دهند. اگر من نه اهل تسلیم، نه اهل عمل، نه اهل تداوم و نه اهل دفاع از حکم خدا هستم، کجای وجود من منتظر امام زمان ع است؟ بیایم افکارمان را قانونمند کنیم. اگر ما فقط به ظاهر و زیبایی جسم مان توجه کنیم، کشورمان از نظر جراحی زیبایی رتبه اول را در دنیا بدست می آورد ولی به گفته رهبر، از لحاظ اخلاق و معنویت به اندازه صنعت پیشرفت نمی کنیم. همه در مادیات رشد می کنند ولی به همان اندازه در معنویات رشد نمی کنند. علت این است که هنوز فکر ما قانونمند نشده است و فقط ظاهر را می بینیم و باطن را نمی بینیم. اگر ما باطن فکر را نبینیم عملیات فکر ما ناقص می شود.

راه تبدیل زندگی به بندگی برای تبدیل زندگی به بندگی، اول باید محدودیت و قانونمندی دین و ولایت را در عرصه فکرمان بپذیریم؛ یعنی فقط ظاهر و مادیات را نبینیم. فکری منتظر امام زمان ع است که نزدیک به فکر امام زمان ع باشد. باید فکرمان را به امام نزدیک کنیم. هنوز نگاه ما ظاهری است؛ حتی در جشن امام زمان ع، گاهی فکر می کنیم



و عترت انجام بدهیم. هر حرکتی هدفمند نیست. تعریف حرکت را باید در قرآن و عترت جست. دعا تنبل‌پروری و جری کردن انسان‌ها برای گناه نیست. در آیه ۸۰ سوره توبه داریم: ای پیامبر، اگر تو هفتاد بار استغفار کنی من آنها را نمی‌بخشم و این سنت الهی است. خدا به کاسبی که ربا می‌خورد، برکت نمی‌دهد؛ زیرا این جزو سنت خدا نیست. حالا اگر ما نماز خواندیم، روزه گرفتیم، جهاد کردیم و به پدر و مادر خدمت کردیم ولی کارهایمان کامل هم نبود، خدا آن را تکمیل می‌کند.

دعا، نامه نوشتن به نشانی خداست. ما دو اشکال در دعاها داریم: یکی اینکه کاغذ سفید به خدا می‌دهیم و دیگر اینکه نشانی خدا را هم نمی‌دانیم و آن را به جای دیگری می‌فرستیم، بعد خدا را محاکمه می‌کنیم. شما باید مشکلاتتان را به خدا بگویید نه بنده خدا. در بعضی از ایام، خدا دعاها را مستجاب می‌کند به برکت زمان و مکان و واسطه. دعا در زمان‌های دیگر باید بررسی شود که شرایط آن وجود دارد یا خیر، ولی در نیمه شعبان این طور نیست. کافی است که شما با خدا صحبت کنید و بخواهید. اگر شما زیر قبه امام حسین (علیه السلام) دعا کنید خدا در آنجا امضا کرده است که این دعا مستجاب بشود. پس دعا قرارداد بین من و خداست و یک کارهایی هم سهم من است که باید انجام بدهم. دعا، نامه نوشتن است و خدا هیچ نامه‌ای را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. خدا هیچ پاکتی را خالی بر نمی‌گرداند. اگر خدا دعای من را برآورده نکند حتماً بهتر از آن را برای من می‌فرستد. در مناجات ماه شعبان داریم: خدایا من نمی‌توانم خودم را از معصیت جدا کنم، تو به من کمک کن. آقای گفت که من سیگاری بودم و نمی‌توانستم آن را ترک کنم. وقتی به کربلا رفتم به گنبد ابوالفضل نگاه کردم و گفتم که من نمی‌توانم این سیگار را ترک کنم، تو خودت محبت آن را از دل من بگیر و جای آن نفرت بگذار. یک لحظه تمام نفرت در وجود من جمع شد. این دعا است و واسطه آن ابوالفضل است و این فرد تلاش هم نکرده ولی حضرت به او عنایت کرد.

شاید فرج امام زمان (علیه السلام) مشروط به بیرون آمدن ما از گناه باشد. پس در نیمه شعبان از خدا بخواهیم که ما را پاک کند تا مقدمه ظهور آقا باشد.

جایی که شریعت بهتر بدهند یا سکه بدهند خیلی خوب است. باید بگوییم: مجلس آنقدر معنوی بود که عطر امام را در آنجا استشمام کردیم. این فکر به امام زمان (علیه السلام) نزدیک می‌شود. این انسان می‌خواهد بنده بشود و پشت سر قانونمندی اسلام و عترت حرکت بکند. قانونمندی فکر، اعتقادات ماست و قانونمندی دل، اخلاقیات ماست و قانونمندی اعضا و جوارح احکام ماست. همه امام زمان (علیه السلام) را دوست دارند ولی باید ببینیم که چقدر در اعتقاداتشان محکم هستند، در حب و بغضشان به امام زمان (علیه السلام) نزدیک هستند. کسی که امام را دوست دارد محبوب حرام را دوست ندارد. در شب نیمه شعبان همه با هم دعا کنیم. خدا به عزت و جلالش قسم خورده است که در این شب دعای سائلی را رد نکند. در دعا کردن باید چند نکته یادمان باشد. خدا بعضی از کارها را انجام می‌دهد و ارتباطی به دعا کردن یا نکردن ما ندارد. خدا یک سفره عمومی برای همه مخلوقاتش چیده است و ربطی به دعا کردن ندارد. خدا یکسری عنایت‌ها را برای کسانی گذاشته است که دعا می‌کنند. یک سری امکاناتی هست که اگر همه عالم دعا کنند خدا آنرا برآورده نمی‌کند؛ زیرا با تدبیر و حکمت خدا منافات دارد؛ یعنی این دعاها مستجاب نمی‌شود.

مردم دوست دارند با افراد دارای شهرت یا ثروت یا مقام ارتباط برقرار کنند. اگر انسان اهل ارتباط است و به دنبال کسی است که از همه بیشتر دارایی دارد آن خداست. دعا ارتباط با دارترین موجود است. این ارتباط باعث هویت ما می‌شود. شما دعا کنید تا بگویید که با بالاترین موجود هستی صحبت کرده‌ام. بعضی از دعاها فقط ارتباط است مثل دعاهای اهل بیت: الهی انت مولای... بالاترین افتخار من این است که من بنده تو هستم و تو مولای من هستی. پس دعا برای کسب هویت است. دیگر اینکه دعا ارتباط با خدا برای شارژ شدن است. در سوره مزمل داریم که ای پیامبر، با من حرف بزن و قرآن را بخوان بعد بار سنگین را بردار. دیگر اینکه دعا ارتباط با خداست برای تعلیم و تربیت. خدا می‌فرماید که تو دعا کن ما تو را اجابت می‌کنیم. دعا یعنی عقد قرارداد با خدا به شرط حرکت تو و برکت خدا. ما حرکت را باید با قانونمندی قرآن

“

اگر شما زیر قبه امام حسین (علیه السلام) دعا کنید خدا در آنجا امضا کرده است که این دعا مستجاب بشود. پس دعا قرارداد بین من و خداست و یک کارهایی هم سهم من است که باید انجام بدهم. دعا، نامه نوشتن است و خدا هیچ نامه‌ای را بی‌پاسخ نمی‌گذارد.



من منتظر م، منتظری از آفریقا...

گفت و گو با علی مصطفی، از نیجریه

به کوشش: مسلم عباسپور

■ شما و خانواده‌تان از اول شیعه بودید یا بعد شیعه شدید؟
 II خانواده ما اهل تسنن بودند، وقتی من بچه بودم، پدر و مادرم شیعه شدند و من از اول سن تکلیفم بحمدالله شیعه بودم.

■ چطور شد که خانواده شما شیعه شدند؟

II یک روحانی فعال به نام شیخ ابراهیم یعقوب الزکزی در کشور نیجریه، مذهب تشیع را تبلیغ می‌کند. او رهبر شیعیان نیجریه است. خانواده ما به وسیله تبلیغ او شیعه شدند. ایشان الان هم رهبر شیعیان هستند و تقریباً هر سال به قم می‌آیند و با مراجع و علمای دینی دیدار می‌کنند.

■ در کشور شما در نیمه شعبان چه کارها و برنامه‌هایی انجام می‌شود؟

II ما هر سال روز ۱۵ شعبان مراسم و محفل بزرگی داریم که شیعیان از نقاط مختلف کشور در یک منطقه جمع می‌شوند و برنامه‌ها و مراسم متنوع و با شکوهی برگزار می‌کنند؛ مثلاً سربازها رژه می‌روند و بعد رهبر شیعیان، شیخ ابراهیم یعقوب الزکزی سخنرانی می‌کند و گزارشی را از فعالیت‌های گوناگونی که در مورد اهل بیت (علیهم‌السلام) و نشر مکتب تشیع در کشور دارد بیان می‌کند.

■ آیا آماری از جمعیت شیعیان نیجریه در دست هست؟

علی مصطفی در سال ۱۹۸۶ میلادی در کشور نیجریه در شهر سکوتو به دنیا آمده است. تحصیلات کلاسیک را تا ۲۳ سالگی ادامه داده، ولی پس از چند ترم تحصیل، از دانشگاه انصراف داد و به دنبال گم گشته‌اش که همان علوم دینی و معنوی بود به ایران مهاجرت کرد. هم‌اکنون چهار سال است که در ایران زندگی می‌کند و در مدرسه امام خمینی (ره) قم در مقطع کارشناسی به فراگیری علوم دینی اشتغال دارد. در یک روز بهاری میهمان دفتر مجله امان شد و از حال و روز معنوی کشورش گفت. بخوانید.



۶۶

به نظر من مهم‌ترین کار ایران برای گسترش فرهنگ انتظار و مهدویت در نیجریه این است که علمای دینی را برای ترویج دین و تربیت طلاب به نیجریه بفرستند، تا آنها علوم دینی را به خوبی یاد بگیرند.



■ به نظر شما برای ظهور امام زمان عج باید چه کاری انجام دهیم؟
باید آماده باشیم؛ برای کسی که در انتظار امام زمان هست آمادگی لازم است. یعنی اعمالی را که برای انتظار امام زمان عج از معصومین ع به ما رسیده، باید انجام بدهیم.

■ آیا در کشور شما مراسم دعای ندبه برگزار می‌شود؟
بله، اما نه به طور منظم؛ ولی بعضی هستند که منظم می‌خوانند یعنی خودشان را مقید می‌کنند که هر هفته جمعه‌ها دعای ندبه بخوانند.

■ شما خودتان منتظر ظهور امام زمان عج هستید؟
امیدوارم یکی از منتظران باشم!

■ فکر می‌کنید وقتی امام زمان عج بیایند دنیا چه تغییری می‌کند؟
همین چیزهایی که در بیانات معصومان ع آمده که وقتی امام زمان عج ظهور می‌کنند، دنیا پر از عدل و داد می‌شود و ما اعتقاد داریم که چنین اتفاقی حتما خواهد افتاد و دنیا زیباتر خواهد شد و ظلم‌ها از بین می‌رود.

■ دوست دارید نیمه شعبان امسال ایران باشید یا نیجریه؟
دوست دارم در کشور خودم باشم کنار خانواده‌ام؛ البته همسرم اینجا هستند. ولی مادرم آنجا هستند و پدرم هم سال پیش به رحمت خدا رفتند.

■ مردم کشور شما اگر سوالی یا شبهه‌ای در مسائل دینی داشتند باشند جایی هست که بتوانند پاسخ بگیرند؟

■ بله البته شیخ ابراهیم الزکری به کمک بعضی از بزرگان شیعه، در یک مدرسه به افراد علاقه‌مند درس می‌دهند. آنها پس از یادگیری معارف اهل بیت ع به مناطق مختلف خود برمی‌گردند و تا حدی پاسخگوی نیازهای مذهبی مردم آنجا هستند.

■ چند کلمه می‌گوییم، یک جمله کوتاه در موردش بگویید:

■ امام مهدی عج: امید شیعیان

نیمه شعبان: روز میلاد نور

مسجد جمکران: عبادتگاه عاشقان امام زمان عج ایران: پناهگاه شیعیان کعبه: محل ظهور امام

■ خیلی دقیق مشخص نشده است، بعضی‌ها می‌گویند ۱۰ میلیون نفر شیعه در نیجریه هست؛ ولی بحمدالله روز به روز تعدادشان افزایش می‌یابد. چون مردم با تبلیغات شیعیان به حقانیت مکتب اهل بیت ع بیشتر پی می‌برند.

■ آیا در طول سال و غیر از نیمه شعبان، فعالیت‌هایی برای امام زمان عج انجام می‌شود؟

■ بله، یک حرکت اسلامی است که شیخ الزکری آن را هدایت می‌کند. آنها مجلات و روزنامه‌های متعددی دارند که مطالبشان مربوط به علوم اهل بیت ع است و درباره امام زمان عج هم در آنها نوشته می‌شود. مؤسسات گوناگونی هم هستند مؤسسه‌ای مربوط به شهدا است و مؤسسه‌ای مربوط به علوم دینی است ولی دقیقا یاد نمی‌آید که مؤسسه‌ای مخصوص به نام امام زمان عج باشد، یا من اطلاع ندارم. مؤسسات مذهبی فعال هستند و کارشان روز به روز گسترش پیدا می‌کند که می‌شود گفت آنها هم برنامه‌های مذهبی و مهدوی خوبی دارند.
شیخ ابراهیم یعقوب الزکری بسیار فعال هستند؛ آنقدر برای اهل بیت ع و امام زمان عج کار می‌کند که مردم روز به روز به تشیع تمایل بیشتری پیدا می‌کنند.

■ به نظر شما حوزه علمیه ما چه کاری می‌تواند انجام دهد که مهدویت در نیجریه گسترش بیشتری پیدا کند؟

■ به نظر من مهم‌ترین کار ایران برای گسترش فرهنگ انتظار و مهدویت در نیجریه این است که علمای دینی را برای ترویج دین و تربیت طلاب به نیجریه بفرستند، تا آنها علوم دینی را به خوبی یاد بگیرند. این روش می‌تواند خیلی مؤثر باشد، کار دیگری که به نظرم می‌رسد این است که بعضی کتاب‌هایی درباره مهدویت ترجمه شود و بفرستند و با تخفیف ویژه به مردم ما بدهند؛ این هم یک قدمی است در نشر مهدویت در نیجریه. فکر می‌کنم اگر انجام بشود خیلی خوب است.

■ آیا در کشور شما کسانی هستند که به دروغ ادعای مهدویت بکنند یا ادعای ارتباط با امام زمان عج داشته باشند؟

■ مردم ما چه اهل سنت و چه شیعه قبول دارند که امام زمان عج یک روز ظهور خواهد کرد، ولی آنها چنین ادعایی ندارند که یکی از خودشان صاحب‌الزمان هستند یا با امام زمان عج ارتباط دارند.

وقتی سراغ تنها مردی می‌روی که به تنهای، بسیار مرد است، چگونه می‌توان از او سخن گفت و او را وصف کرد؛ حتی کسانی که شب‌ها و روزها را با او تمام کرده‌اند، هنوز هم که هنوز است حرف‌هایشان درباره او ناتمام مانده است. چقدر سخت است پرده برداشتن از تمام مردانگی هایش. او عاشقی بود که با عشق امام زمان (عج) تمام زندگی‌اش را خرج نایب بر حقش می‌کند و به تمام منتظران درس دلدادگی می‌دهد، شخصیتی که توانست انتظار را به خوبی معنا کند. اگر انتظار برای برخی مفهومی است که درک آن مشکل است، می‌توان با او انتظار را برایشان معنا کرد، بدون آنکه نقطه ابهامی برجا بماند. چمران را می‌گوییم؛ مصطفایی که بزرگ بود و ساده زیست. خودش را وابسته به دنیا نمی‌دانست و چیزی به اسم ماندن، در آسمان دلش غیر قابل تصور بود. چمران در یکی از مناجات‌هایش می‌گوید: «ای حسین؛ من برای زنده ماندن تلاش نمی‌کنم، از مرگ نمی‌هراسم، بلکه به شهادت دل بسته‌ام واز همه چیز دست شسته‌ام، ولی نمی‌توانم بپذیرم که ارزش‌های الهی و حتی قداست انقلاب بازپچه دست سیاستمداران و تجار ماده پرست شده باشد. قبول شهادت مرا آزاد کرده است من آزادی خود را به هیچ چیز حتی به حیات خود نمی‌فروشم.» و خداوند هم خواسته حبیبش را در آخرین روز بهار در سال ۱۳۶۰ ه. ش عاشقانه اجابت کرد و روحش به ملکوت پر کشید. مناسب دیدیم گزیده‌ای از سخنان آن شهید گرامی، که به مناسبت نیمه شعبان در مسجد «الهادی» تهران. ۱۳۵۹/۴/۳۱ ایراد شده است را بیاوریم.

مهدی مهدوی



۱. یاران امام زمان

در احادیث شنیده‌اید که می‌گویند ۳۱۳ نفر از نیروهای کارگشته متقی و پرهیزکار لازم است به وجود آیند تا امام ظهور بفرماید. امام منتظر این ۳۱۳ نفر است. هر یک از این افراد باید فقیه و مجتهد باشند و در روزگار ما عده فقها خیلی بیش از این مقدار است. پس تنها فقیه و مجتهد بودن کافی نیست، باید کسانی باشند که در ضمن فقاقت، سیاستمدار و مدیر و مبارز باشند و بتوانند پراحتی کشوری را اداره کنند...

البته این ۳۱۳ نفر نیروهای اداره کننده هستند و این بدان معنا نیست که طرفداران او فقط همین عده‌اند؛ در آن روزگار همه مردم، محرومان و مستضعفان به درجه‌ای از رشد و آگاهی می‌رسند که نور وجود امام را لمس می‌کنند و مثل پروانه گرد شمع وجودش می‌گردند.

“

۲. خسته شدن مردم از نظام‌های موجود:

در آن هنگام دیگر مردم از تمام نظام‌های [ظالم] موجود خسته شده‌اند، از همه طاغوت‌ها بریده‌اند و آمادگی دارند که خود را در اختیار حجت حق قرار دهند و با تمام وجود در راهش فداکاری کنند؛ بجز عده‌ای قلیل که همان مستکبران باشند، بقیه جهانیان ندای او را لبیک می‌گویند و به دنبال او می‌روند.

“

۳. امام مهربانی‌ها:

امام زمان (عج) نمی‌آید که همه مردم را از دم تیغ بگذرانند. اگر قرار بر این بود که بلایی از آسمان نازل شود و تمام دشمنان خدا را نابود کند، در قدرت پروردگار بود که هر لحظه اراده بفرماید این کار را انجام دهد - همچنان که در زمان حضرت موسی و حضرت نوح انجام داد - اما اراده خداوند بر این نیست؛ خداوند می‌خواهد مردم را هدایت و ارشاد کند و تغییر و تحول در نفوس آنان به وجود آورد و همه این مبارزات و انقلاب‌ها هم برای همین صورت می‌گیرد؛ چرا که اگر قرار بود خداوند یا امام حجت (عج) همه مخالفان را نابود کند، آنگاه وظیفه ۳۱۳ نفر چه می‌شد؟ آنها کار بزرگی انجام نمی‌دادند.

“

۴. ایستادگی در برابر شیاطین:

در حال حاضر اگر در کشور ما یا در دنیای ما دشمنانی مثل ابرقدرتها و صهیونیست‌ها و طاغوت‌ها نبودند، انقلاب اسلامی ارزش چندانی نداشت. انقلاب ما آنگاه ارزش خود را نشان می‌دهد که در برابر عظیم‌ترین قدرت‌های شیاطانی می‌ایستد، با آنها مبارزه می‌کند و رسالت



فقط پ

(پای صحبت سخنان مه)



ک آرزو

سدوی شهید مصطفی چمران



اسلامی خود را به جهانیان ارایه می‌نماید. در این صورت است که فداکاری‌های ما ارزش پیدا می‌کند.

۵. بزرگترین اشتباه:

کسانی که فکر می‌کنند، باید گوشه ای بخوابند تا امام زمان (عج) ظهور بفرماید و جهان را از عدل و قسط پر کند، سخت در اشتباهند. مردم ما باید بیشتر بکوشند، بیشتر مبارزه کنند، و این تحول و تکامل نفسی را هر چه سریعتر در روح و قلب خود ایجاد نمایند تا باعث تسریع در ظهور حضرت شوند.

۶. حضرت ناراحت می‌شود:

باید بدانید که امام حاضر است و بر اعمالتان نظارت دارد. امام پیروان خود را رها نکرده و به دست هواها نسپرده، مراقب آنهاست اگر به آنها ناراحتی برسد، قلب مبارکش به درد می‌آید، اگر خونریزی ناحقی در جایی صورت بگیرد، حضرت ناراحت می‌شود. آن بزرگوار مراقب است و با تمام وجود می‌کوشد تا این تحول نفسی را در این امت و این مردم به وجود بیاورد.

۷. حرکت به سوی مدینه فاضله:

اگر جوانان ما در اعتقادشان به خود بقبولانند امام زمان در میان آنها زندگی می‌کند و شاهد اعمالشان است، رفتار و زندگی و فداکاری و مرگ و حیات آنان تغییر کیفی پیدا می‌کند و چه بسا جهش بزرگی در حرکت تکاملی جوانان ما به سوی مدینه فاضله ایجاد شود.

۸. اصلی ترین قدم:

آنها (جوانان ما) امام زمان (عج) را به صورت اسطوره‌ای در تاریخ به شمار می‌آورند. این اشتباه محض است. امام زمان حضور دارد و هر عملی را که ما انجام می‌دهیم می‌بیند و می‌شنود. روزی که مردم ما به این اعتقاد برسند و آن را لمس کنند، بزرگترین جهش‌ها در راه تکامل زندگیشان به وجود می‌آید؛ و این، قدم اصلی برای تسریع در ظهور حضرت است.

۹. آرزوی مقدس:

مکتب تشیع همواره یک آرزوی مقدسی را در قلب پیروان خود می‌پروراند و آن، آرزوی ظهور حضرت حجت (عج) و ریشه کن کردن ظلم و ستم و سیطره عدل

و داد بر این جهان است.

هر کسی در زندگی آرزویی دارد و بر اساس آرزوهایش می‌توان شخصیت او را شناسایی کرد. آرزو اساسی‌ترین محرک یک انسان در فعالیت‌های روزمره اوست. انسانی که آرزو و طلب و خواسته‌ای نداشته باشد، یک مرده متحرک است. افراد آرزوهای مختلفی دارند. مکتب تشیع به پیروان خود تعلیم می‌دهد که فقط یک آرزو داشته باشند و آن، ظهور امام زمان حضرت حجت (عج) است؛ چراکه شیعیان می‌دانند اگر او ظهور بفرماید همه مشکلاتشان رفع می‌شود.

تمام مشکلات وقتی حل می‌شود که مدینه فاضله آن بزرگوار به دست مبارکش پیاده شود. پس می‌بینید که تشیع بزرگترین آرزوها را در یک آرزوی واحد برای پیروان خود معین، و به آنها تلقین می‌کند و به آنان اطمینان می‌دهد که اگر این آرزو برآورده شود، تمام مشکلاتشان رفع خواهد شد. ۱۰. مهمترین وظیفه

در حال حاضر نیز، اگر مردم ما با این حقیقت روشن آگاه شوند که تنها یک آرزو دارند و آن، ظهور حضرت بقیةالله (عج) است؛ و بعد هم بدانند که او در میان آنان زندگی می‌کند، مراقب اوضاع آنهاست، دل او از این رنج‌ها و خونریزی‌ها خونین است، و خودش آرزو دارد که هرچه زودتر ظهور فرماید؛ به این نتیجه می‌رسند که وظیفه ماست تا برای تسریع در ظهور حضرتش هر چه شدیدتر و هر چه سریعتر در خود تحول ایجاد کنیم و خود را آماده سازیم و به آن درجه از رشد عقلی و ایمانی و اخلاقی برسانیم که توان تحمل آن وجود مبارک را داشته باشیم.

۱۱. انقلاب اسلامی

انقلاب مقدس اسلامی ما بزرگترین جهش تکاملی در مسیر این تغییر نفسی انسان‌ها بوده است، پس بزرگترین قدم در راه ظهور مهدی موعود (عج) است. بنابراین وظیفه دیگر ما پاسداری از دستاوردها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و ایثار و فداکاری در راه رسیدن به آرمان‌های آن است.

۱۲. از خدا می‌خواهم

از خدای بزرگ می‌خواهم که فرج آن حضرت را نزدیک فرماید. از خدای بزرگ می‌خواهم که به ما عرفانی دهد تا وجود او را در میان خود لمس کنیم. از خدای بزرگ می‌خواهم که انقلاب مقدس ما را به پیروزی نهایی برساند. از خدای بزرگ می‌خواهم که ابرقدرت‌ها و صهیونیست‌ها و توطئه‌گران را نابود کند.

آخرین سفارش

امید درویشی



هرچه بیشتر محو تماشايت می‌شوم، بیشتر در دریای شرم و خجالت غرق می‌شوم. خجالت از جسم پاکت که چه مظلومانه نقش بر زمین شده تا هموطنانت در آینده، زمین گیر نشوند. خجالت از دست خونی‌ات که قلم را عاشقانه در آغوش کشیده تا برای ما بنویسی که عشق بیگانگان را از دل بیرون کنیم. از زخم‌هایی خجالت می‌کشم که چون ستاره‌های درخشان بر تنت نشسته تا در تاریکی‌های زندگی راه را به ما نشان دهند که گم نشویم.

چه بزمی به پا کرده‌ای! نمی‌دانم در حال نوشتن آخرین سفارشت هستی، یا این که آن را نوشتی و در این لحظات نورانی میهمان آسمانیان شده‌ای. نه! انگار هنوز بزم میهمانی‌ات بر پا نشده، چون مقداری توان داری که قلم و کاغذ هنوز از دستت نیفتاده و هر دو را بر روی پاهای استوارت نهاده‌ای

تا برای ما سفارشی بنویسی که از پا نیفتیم. نمیدانم چه چیزی در فکرت می‌گذرد. ها کاش می‌دانستم به چه فکر می‌کنی که می‌خواهی آن را برای آینده گان به امانت بسپاری؟ نمی‌دانم چه سفارشی داری که می‌خواهی آن را به عنوان آخرین سفارش برایمان بنویسی؟ شاید مثل شهید قدمعلی رحیمی، سخنی با منتظران داشنه باشی.

آنجا که گفته است «می‌گویند باید امام زمان علیه السلام بیاید و کارها را درست کند ولی منتظران او باید بدانند که اول، امام زمان علیه السلام منتظر شماست.» و یا مثل شهید محمد رضا رحمتی که درس انتظار را این طور برای ما بیان می‌کند که «انتظار امام زمان علیه السلام جزء عبادات است. صلوات بر امام زمان علیه السلام انسان را آرامش می‌دهد. بر شما باد دعا به جان آن یار سفر کرده.» شاید هم مانند شهید نادعلی سیاوشی

می‌خواهی بنویسی که «مهدی فاطمه علیه السلام ناظر بر اعمال همه ماست و باید کوشش کنیم که شاید از سربازان آن قرار گیریم.» از کجا معلوم، شاید مانند شهید محمد رضا شفیعی نیک آبادی وصیت می‌کنی که از زمینه سازان ظهور مهدی فاطمه باشیم. آنجا که می‌نویسد «از افرادی باشید که همیشه سعی در زمینه سازی ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام دارند؛ بکوشید اول خود و بعد جامعه را پاکسازی کنید.» نمی‌دانم؟

اما هرچه می‌خواهی بنویس. تا به خواب رفته‌ها از خواب غفلت بیدار شوند. اما تو باز هم بیداری! بیدار بیدار! با قامتی بلند ایستاده‌ای و منتظر آمدن آخرین ذخیره الهی. که «الا انهم انصار المهدی»





ماه مهربان

(ماه شعبان در آئینه آیات و روایات)



باران رضایی



و نزدیک گردانند او را به کرامت خود در روز قیامت و بهشت را برای او واجب گردانند.»

بشنو از دل

(فضیلت ماه شعبان از نگاه معصومین (ع))

پیامبر خدا (ص) هر که شب عید (فطر و قربان) و شب نیمه شعبان را احیا کند، در آن روزی که دل‌ها می‌میرند، دل او نمیرد.^۱

امام رضا (ع) امیرالمؤمنین (ع) سه شب را نمی‌خواهید: شب بیست و سوم ماه رمضان، شب عید فطر و شب نیمه ماه شعبان؛ در این شب‌ها، روزی‌ها تقسیم و مدت عمر و هر آنچه در آن سال رخ خواهد داد، تعیین می‌شود.^۲

امام علی (ع) روزه گرفتن در سه روز از هر ماه - پنجشنبه اول و آخر ماه و چهارشنبه وسط آن و روزه ماه شعبان - وسواس سینه و پریشانی‌های دل را از بین می‌برد.^۳

امام صادق (ع) فرمود: روزه شعبان، ذخیره روز قیامت بنده است و هر بنده‌ای که در ماه شعبان زیاده روز بگیرد خداوند امر معیشت او را سامان بخشد و شر دشمن را از او دفع کند.^۴

که: پروردگارا! آن کس را که در این ایام روزه بدارد، ببخشای، و دعایش را اجابت فرمای. پس هر کس که در روز اول شعبان دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت آن یک مرتبه سوره حمد و یکصد مرتبه سوره توحید را بخواند و بعد از نماز نیز یکصد مرتبه صلوات بفرستد، خداوند تمامی حاجت‌های دینی و دنیایی او را اجابت می‌فرماید.»

و نیز، فضیلت این ماه شریف از امام جعفر صادق (ع) روایت است که چون ماه شعبان داخل می‌شود، امام زین العابدین (ع) اصحاب خود را جمع می‌کرد و می‌فرمود: «ای گروه اصحاب من، می‌دانید این چه ماهی است، این ماه شعبان است و حضرت رسول (ص) می‌فرمود: شعبان ماه من است، پس روزه بدارید در این ماه برای محبت پیغمبر خود، و برای تقرب به سوی پروردگار خود بحق آن خدایی که جان علی بن الحسین به دست قدرت اوست سوگند یاد می‌کنم که از پدرم حسین بن علی (ع) شنیدم که فرمود شنیدم از امیرالمؤمنین (ع) که هر که روزه دارد شعبان را برای محبت پیغمبر خدا و تقرب بسوی خدا، دوست دارد خدا او را

پیامبر (ص) ماه شعبان را ماه خود دانسته و فرموده: «شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه خدا. هر کس یک روز از ماه من را روزه بگیرد، من در قیامت شفیع او خواهم بود.» در روایت است که پیامبر اکرم (ص) در یکی از سال‌ها، هنگام آغاز این ماه، خطبه‌ای خواند تا مردم را متوجه بزرگی این ماه کند. قسمت‌هایی از این خطبه در بحارالانوار چنین آمده است:

«... شعبان ماه شریفی است و آن ماه من است. حاملان عرش آن را بزرگ می‌شمارند و حق آن را می‌شناسند. آن ماهی است که در آن همچون ماه رمضان، روزی بندگان زیاد می‌گردد و در آن بهشت آذین بسته می‌شود و این ماه را شعبان نامیده‌اند زیرا در آن ارزاق مومنان تقسیم می‌شود و آن ماهی است که عمل در آن چند برابر می‌شود و کار نیکو هفتاد برابر ثمره می‌دهد.»

و در حدیثی دیگر که در وسائل الشیعه به آن اشاره شده، می‌خوانیم: «شعبان ماهی است که در هر پنجشنبه آن، آسمان‌ها زینت بسته می‌شود، و فرشتگان به دعا می‌پردازند

پله پله تا ملاقات خدا

(اعمال ماه شعبان المعظم)

اعمال و عبادات زیادی برای این ماه پر برکت ذکر شده که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. هر روز هفتاد مرتبه ذکر «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ» گفته شود.

۲. هر روز هفتاد مرتبه ذکر «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ اُتُوْبُ اِلَيْهِ» گفته شود.

۳. صدقه دادن: از حضرت صادق (ع) نقل شده است که، هر کس در ماه شعبان صدقه دهد، خداوند آن صدقه را رشد دهد، همچنان که یکی از شما شتر تازه متولد شده‌ای را تربیت می‌کند، تا آن که در روز قیامت به صدقه دهند برسد در حالتی که به اندازه کوه اخد شده باشد.

۴. در کل این ماه هزار بار ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْاُمُشْرِكُونَ» گفته شود که ثواب بسیار دارد؛ از جمله آن که عبادت هزار ساله در نامه عملش نوشته شود.

۵. در هر پنجشنبه این ماه دو رکعت نماز اقامه شود؛ که در هر رکعت بعد از حمد، صد مرتبه سوره توحید و بعد از سلام صد بار صلوات فرستاده شود تا حق تعالی هر حاجتی که دارد را برآورد؛ چه در امور دنیوی و چه امور معنوی. ۶. روزه این ماه فضیلت بسیار دارد و روایت شده که در هر روز پنجشنبه ماه شعبان، آسمان‌ها را زینت می‌کنند. پس ملائکه عرض می‌کنند خداوند! پیامرز روزه‌داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان و در روایت نبوی آمده است که هر که روز دوشنبه و پنجشنبه شعبان را روزه بگیرد، حق تعالی بیست حاجت از حوائج دنیا و بیست حاجت از حاجت‌های آخرت او را برآورد.

۷. در این ماه صلوات بسیار فرستاده شود.

۸. در این ماه مناجات شعبانیه خوانده شود. این مناجات از ابن خالویه نقل شده و گفته این مناجات حضرت امیرالمؤمنین و امامان است.

آخرین جمعه شعبان

در کتاب عیون از عبدالسلام بن صالح هروی نقل شده که می‌گوید: در آخرین جمعه شعبان به دیدن ابی الحسن علی بن موسی الرضا (ع) رفتم؛ حضرت فرمودند: ای ابوصلت! بیشتر شعبان گذشته است و این، آخرین جمعه از آن است؛ پس در آنچه از آن مانده، کوتاهی‌هایت را در آنچه گذشته است، جبران کن. به کاری روی آور که برایت مفید باشد و آنچه را بیهوده است و به تو مربوط نیست، وا گذار. زیاد دعا و استغفار و تلاوت قرآن داشته باش و از گناهات به درگاه خدا توبه کن، تا در حالی ماه خدا سوی تو آید که برای خدا خالص شده باشی. هیچ امانتی را بر عهده خویش باقی نگذار، مگر آن که ادا کرده باشی، و هیچ کینه‌ای را در دلت نسبت به مؤمنی نگاه مدار، مگر آن که از دل به در آورده باشی، و هیچ گناهی را که مرتکب می‌شدی، رها مکن، مگر این که از آن، دست برداشته باشی.

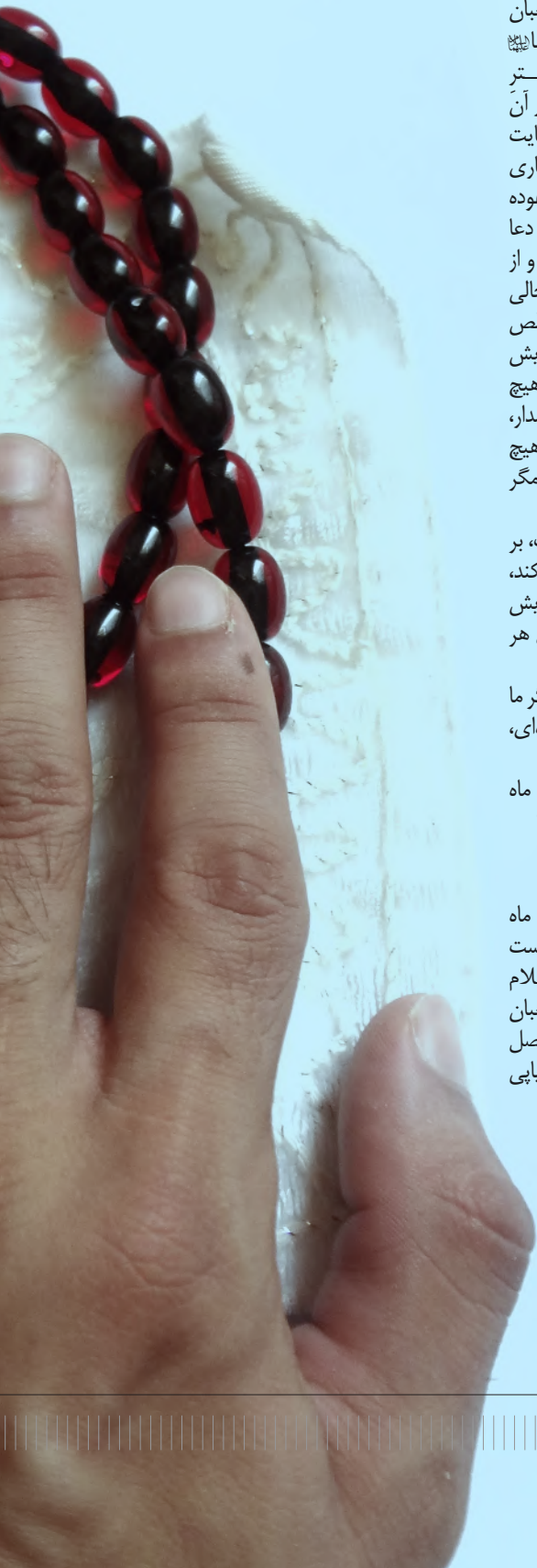
از خدا پروا کن و در نهان و آشکار کارت، بر او توکل کن؛ «و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش بس است. خداوند، فرمان خویش را پیش خواهد برد. به یقین، خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

و در باقی‌مانده این ماه، زیاد بگو: «خدایا! اگر ما را در آنچه از شعبان گذشته است، نیامرزیده‌ای، پس ما را در باقیمانده آن ببخشای!»

همانا خداوند متعال، در این ماه به احترام ماه رمضان، بسیاری را [از آتش] آزاد می‌کند.^۵

سه روز آخر شعبان

روزه این سه روز برای کسی که تمام این ماه را روزه نگرفته، فضیلتی دارد که سزاوار نیست آن را ترک کند. از امام صادق علیه السلام روایت است که هر کس سه روز آخر شعبان را روزه بدارد و آنها را به ماه رمضان متصل کند، خداوند برای او پاداش روزه دو ماه پیایی را می‌نویسد.^۶





پیر عشق

(امام خمینی رحمته الله علیه و مناجات شعبانیه)

امام خمینی رحمته الله علیه در توصیف این گنجینه عظیم می‌فرماید: «مناجات شعبانیه از مناجات‌هایی است که اگر یک نفر انسان دلسوخته، یک عارف دلسوخته - نه از این عارف‌های لفظی - بخواهد آن را شرح کند، و شرح کند از برای دیگران، بسیار ارزشمند است و محتاج به شرح است.»^۶ «مناجات» «شعبانیه» را خواندید؟ بخوانید آقا! مناجات شعبانیه از مناجات‌هایی هست که اگر انسان دنبالش برود و فکر در او بکند، انسان را به یک جایی می‌رساند... همه ائمه علیهم‌السلام هم به حسب روایت می‌خواندند.^۸

سید رحیم میریان، از اعضای بیت آن حضرت، در خاطره‌ای از ایشان می‌گوید: «در ماه شعبان، گاهی که شبها پشت در اطاق امام می‌خوابیدم، می‌دیدم یک ساعت مانده به اذان صبح امام بیدار می‌شدند و وضو می‌گرفتند و پس از نماز شب مشغول مناجات شعبانیه می‌شدند و در این مناجات به قدری گریه می‌کردند که من که پشت اطاقشان می‌خوابیدم گاهی با صدای گریه ایشان از خواب بیدار می‌شدم؛ با اینکه بسیار آرام و آهسته اعمال شب را انجام می‌دادند تا کسی بیدار نشود.»



آداب عاشقی

(گذری بر مناجات شعبانیه)

مورد چگونگی معامله بندگان با خدای بزرگ بوده و آداب خواستن، دعا و طلب آمرزش از او را، آنگونه که شایسته است، بیان می‌کند و استدلال‌های جالب توجهی جهت امیدوار شدن به درگاه خدا که با مناجات با او مناسب است، در بردارد و به روشنی، ملاقات، نزدیکی و دیدن خدا را معنی می‌کند. این مناجات بزرگی است و یکی از ارمغان‌های آل محمد علیهم‌السلام است که بزرگی آن را کسی که قلب سالم و گوش شنوایی داشته باشد، درک می‌کند و اهل غفلت از درک فواید و نورهای آن بی بهره‌اند.»

از معروف‌ترین و زیباترین ادعیه، «مناجات شعبانیه» است که به روایت «ابن خالویه»، این مناجات را حضرت امیر علیه‌السلام و امامان دیگر در «ماه شعبان» می‌خواندند. مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی، از بزرگان اهل عرفان و عمل، درباره این مناجات می‌گوید: «این مناجات، مناجات معروفی است و اهلش بخاطر آن با ماه شعبان مانوس شده و به همین جهت منتظر و مشتاق این ماه هستند. این مناجات شامل مطالب اساسی در

۱. ثواب الأعمال: ج ۱، ص ۱۰۲.

۲. بحار الانوار: ج ۹۷، ص ۸۸.

۳. وسائل الشیعة: ج ۸، ص ۱۰۴.

۴. همان: ج ۱۰، ص ۵۰۵.

۵. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ۱۹۷/۵۱/۲.

۶. مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ آخِرِ شَعْبَانَ وَوَصَّلَهَا بِشَهْرِ رَمَضَانَ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ شَهْرَيْنِ مُتَابِعَيْنِ (وسائل الشیعه

ج ۷ ص ۳۷۵).

۷. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸۹.

۸. همان.



وسعت این جشن چقدره؟

شده که خدا اونو به عنوان برقرار کننده صلح و عدالت انتخاب کرده. او اون قدر شایسته هست که خدا عهد کرده توسط او ظلم و فساد رو از روی زمین جمع کنه. جشن تولد چنین شخصیتی، حالا پدر ایشون کیه؟ او هم نماینده خاص خدا بر روی زمین بوده. اجدادش چی؟ شرافت خانوادگی در ایشون چقدر ویژه هست؟! جدشون رسول خدا اشرف مخلوقاتند؛ یعنی خدا بهتر از ایشون آفریده‌ای نداشته و نداره!

وسعت این جشن چقدره؟ وسعت این جشن به وسعت ملک خداست. ما در این جشن با این مولود خیلی احساس قربات می‌کنیم. زمان آنه که خودمون هم به نوعی سهمی در این جشن داشته باشیم و کاری رو بر عهده بگیریم. شاید راحت‌ترین کار این باشه که هدیه‌ای برای صاحب این جشن ببریم. حالا هدیه شایسته این جشن چیه؟

چی ببریم خوبه؟ اصلاً هدیه ما در خور ایشون هست؟ چه ببریم که به اصطلاح، زیره به کرمان نبرده باشیم؟

البته چیزهایی هست که می‌دونیم ایشان می‌پذیرند؛ از پس ما هم بر می‌آید. مثل دعا برای سلامتی‌شون از خدا. صدقه‌ای که هر روز به نیت عافیتشون کنار بذاریم. اصلاً برای کسی که به اراده خدا همه عالم رو داره جز یاد او چه چیزی می‌شه هدیه برد؟!

همه ما بارها و بارها در جشن‌های مختلفی شرکت کردیم. در اون جشن‌ها فراخور شأن خانوادگی و جایگاه اجتماعی صاحب مجلس، جشن فضای متفاوتی پیدا می‌کنه. ما هم برحسب نسبتی که با جشن و صاحب جشن داریم، نقش‌های مختلفی ایفا می‌کنیم.

حالا هر چه نسبت ما با صاحب مجلس نزدیکتر باشه ممکنه حتی دیگر نقش مهمان را هم نداشته باشیم. مثلاً کارهایی مثل تهیه لوازم پذیرایی، اداره جشن، خوش اومد گویی به مهمان‌ها و... به ما محول بشه. در بعضی جشن‌ها ما همان لباس‌هایی که از قبل داشتیم رو می‌پوشیم و خلاصه، زیاد تدارک نمی‌بینیم؛ اما برای بعضی جشن‌ها لباس ویژه تهیه می‌کنیم و حتماً می‌خواهیم لباسمان نو باشه خیلی خاص باشیم.

مثلاً جشن عروسی خواهر یا برادرتون رو در نظر بگیرید. چطوری باید لباس بپوشیم؟ در آن مجلس چقدر دل‌سوزانه در تلاشیم که مجلس بهتر برگزار بشه. مثلاً حتماً حواسمون هست که مهمون‌ها حتماً خوب پذیرایی بشند و کارها به نحو احسن انجام بشه. برایمان مهم نیست که خودمون فرصت کنیم شام بخوریم یا نه؛ برگزاری جشن به بهترین شکل را به توجه به خودمون ترجیح میدیم.

حالا یک تغییر فضا بدیم ببینیم الان تو عالم چه خبره؟! شخصی متولد





نیمه شعبان در آینه ذهن کودک

محدثه علیجان زاده روشن

که به این مناسبت توسط والدین برگزار می‌شود، می‌تواند نقطه عطف و مطلوبی باشد. با این تفاوت که این جشن تولد شخصی است که حضور دارد، اما ظهور نکرده است و برای ظهور این انسان کامل و مهربان و دوستدار کودکان باید اعمالی را انجام داد. گناه نکرد، دروغ نگفت، دزدی نکرد، مؤدب بود، کار زشت نکرد و مهربان بود و... .

* در آماده کردن کودک برای پذیرش این باور و حقیقت نباید شعار گونه رفتار کرد. در آشنایی با معارف مهدوی باید از هر گونه شعارزدگی و گفتار محض اجتناب ورزید و از اهرم عمل گرای، کمک گرفت. اصالت عمل در بهره بردن از کلام خدا «قرآن» و رسولان به حشش است. سیراب کردن کودک از چشمه محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) و الگو گرفتن از این انسان‌های وارسته در زندگی طفل او را با کامل‌ترین و بهترین راه‌های سعادت آشنا می‌کند.

* از آنجا که اسلام دین تعادل است، برای عمل به آموزه‌های دینی و قرآنی در امر یاد دادن به کودک نیز، باید تعادل را حفظ کرد و از افراط و تفریط پرهیز نمود. به عنوان نمونه، «تقدس گرایی» افراط گونه در جشن نیمه شعبان اصل حقیقت موعود و ظهور را نمایان نمی‌سازد و جنبه‌ای تخیلی و خرافه‌ای به خود می‌گیرد. حتی عادی شدن این موضوع و دروغ پنداری و دلزدگی را به همراه دارد و اوهام و خیال پردازی، نفس حقیقت را پنهان می‌کند.

* از ویژگی‌های یک خانواده مهدی جو و مهدی پرور، عمل گرایی مطلوب است. در درک کودک از موضوع «نیمه شعبان» و مولودش با به کاربردن روش‌های صحیح، انتظار می‌رود که در فردایی روشن، نوجوانی مهدی یاور و مهدی باور قدم به جامعه اسلامی بگذارد؛ همان نوجوانی که قرار است سربازی از لشکر مخلص و عاشق امام عصر (علیه‌السلام) خویشت باشد. چه زیبا مولای متقیان امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «قلب نوجوانان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود.»

* یکی از مقدس‌ترین روزها در فرهنگ مهدوی، پانزدهمین روز ماه شعبان است. روز ولادت امام زمان (علیه‌السلام) فراتر از یک جشن میلاد، به عنوان یک عید بزرگ شناخته شده و آن چنان ارزشمند است که والدین در تربیت مهدوی از همان اوان کودکی طفل خود را با آن آشنا می‌سازند و سیر انتظار و منتظر معنا می‌یابد.

در عصر کنونی که به عصر انفجار اطلاعات معروف است، کودکان در معرض هجوم اطلاعاتی قرار دارند و وظیفه پدر و مادر در قبال تربیت مهدوی فرزندان شان چند برابر می‌شود. با توجه به نفوذ پذیری ثانیه‌ای فرهنگ غیر مهدوی و بیگانه و سرمایه گذاری کلان آنها در شست و شوی مغزی توسط ابزار و امکانات دردسترس کودکان، مثل سی‌دی‌ها و دی‌وی‌دی‌ها، گوشی‌های همراه، اینترنت و فضای مجازی، رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجله، انواع بازی‌های رایانه‌ای و اسباب بازی‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای و دیجیتالی و... آشنا ساختن کودک با موضوع «نیمه شعبان» و نهادینه کردن آن در جسم و روح دلنبد هر پدر و مادری که می‌خواهد خانواده مهدوی داشته باشد، نیازمند شیوه‌هایی است که کاربردی ریشه‌ای دارند.

* دنیای پاک کودکی، همچون آینه‌ای است شفاف که همه چیز را در خود می‌تاباند. لکه‌دار شدن این آینه با گرد و غبار فرهنگ مهاجم ضد مهدوی، با آن همه رویش شخصیت‌های ابر قهرمان ناجی و حامی جدید و اغراق آمیز، ریشه‌های اعتقادی مهدی باوری و مهدی یآوری آینده کودک را با خطر مواجه می‌سازد.

* یکی از راه‌های انتقال معارف مهدوی قصه‌گویی درباره ظهور آخرین منجی بشریت است که می‌تواند نقطه شروع آن از تعریف و تفهیم کردن روز «نیمه شعبان» باشد؛ به گونه‌ای که همزاد پنداری روز ولادت امام عصر (علیه‌السلام) و جشن نیمه شعبان در ذهن کودک با روز تولد خود و جشنی



آداب و رسوم نیمه شعبان

حسن سلم آبادی



مقدمه:

با فرا رسیدن ماه شعبان، موجی از شادی و نشاط دل‌های شیعیان را فرا می‌گیرد. در هر جای دنیا که قلبی به عشق اهل بیت علیهم‌السلام می‌تپد، در این ایام به نوعی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام ابراز ارادت می‌کنند.

اوج این سرور، در نیمه ماه شعبان نمایان می‌شود. چرا که در جای جای میهن عزیزمان، هر کسی به نحوی در این شادی شریک می‌گردد. هر شهری و هر محله‌ای طبق آداب و رسومی که دارند، جشن‌های با شکوهی بر پا می‌کنند. برای این که از آداب و رسومی که به مناسبت به این عید بزرگ در جای جای میهن عزیزمان با خبر شویم نامه‌های زیادی به مجله امان رسید تا ما را به آداب و رسوم شهرهای خودشان آشنا کنند. در اکثر نامه‌ها برنامه‌هایی چون برپایی جشن‌ها، پخش شیرینی و شربت، آیین بندی محله‌ها، عیدی دادن به کسانی که اسمشان مهدی است، برپایی دعای کمیل در شب نیمه شعبان، سرزدن به اقوام و خویشان و صلۀ ارحام و... به چشم می‌خورد که در اینجا به بخشی از نامه‌های رسیده اشاره می‌شود.

- علی درفشان، صومعه سرا:

هر ساله در زمان تولد حضرت مهدی علیه‌السلام جشن با شکوهی در همه جای ایران بر پا می‌شود، اما در شهر ما علاوه بر مساجد در داخل هر پاساژ یا در کنار خیابان، هر صنف یا شخصی برای ظهور آن حضرت ابراز ارادت خالصانه می‌کند و جشن‌های با شکوهی بر پا می‌نماید.

- سمیرا جمیل‌پور، فرمشهر:

در استان خوزستان و بخصوص شهرهای آبادان و خرمشهر، از ابتدای ماه شعبان، افراد خیر، مساجد و حسینیه‌ها و معابر را آیین بندی می‌کنند. صاحبان هیئت‌ها نیز با مشکل گشایی و رفع گرفتاری از برخی مؤمنان به صورت مخفیانه و مخلصانه موجب شادی آنها می‌شوند. در شب و روز نیمه شعبان نیز بیشتر خانواده‌ها به اندازه وسع خود با شربت و شیرینی و زولبیا و... از مردم پذیرایی می‌کنند.

یکی دیگر از سنت‌هایی که در بیشتر نقاط شهر به چشم می‌خورد، سنت «گرگان» است. طبق این سنت و رسم، بچه‌های خرمشهری در شب نیمه شعبان به در خانه‌های مردم می‌روند و ندای «گرگان» یا «قرة العین» که به معنای چشم روشنی است را سر می‌دهند و صاحب خانه هم با نقل و شیرینی و عیدی دادن از بچه‌ها پذیرایی می‌کنند. این رسم در شب نیمه ماه رمضان هم برگزار می‌شود و یادآور سنت کودکان زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم است که هنگام ولادت امام حسن مجتبی نزد پیامبر آمدند و مؤذنه تولد حضرت مجتبی را به پیامبر دادند و چشم روشنی گفتند و پیامبر نیز به آنان مقداری کشمش دادند.

- صادق میدری، اردبیل:

اکثر مردم محل ما بیشتر نذر و نزورات خود را در این روز فرخنده بجا می‌آورند و با تقسیم گوشت قربانی و آش و غذا بین مردم محل و افراد نیازمند نذر خود را ادا می‌کنند.

- صدیقه عطایی، اسلامشهر:

... در روز نیمه شعبان بیشتر بزرگترها و مرد و زن مشغول شستن کوچه و غبار روبی می‌شوند و هر کسی جلو در خانه خود را تمیز می‌کند. هر کسی هم که در خانه گلدانی دارد برای تزئین کوچه از آن استفاده می‌کند. خلاصه این که همدلی و هم بستگی بین همسایه‌ها باعث می‌شود که انسان لحظه‌ای احساس غرور نکند.





- ممید فسروی فوامه‌ها، بمنورد:

برخی از سنت‌هایی که در محله ما رایج هست عبارتند از:
۱. دید و بازدید از افراد فامیل، ۲. زیارت آرامگاه امامزادگان و نوادگان ائمه، ۳. دادن عیدی از طرف بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها

- سعید فرشادی، فراسان جنوبی:

مراسم نیمه شعبان از گذشته‌های دور تا کنون بین مردم خراسان جنوبی رواج دارد و همزمان با فرا رسیدن نیمه شعبان برگزار می‌شود. این مراسم هر چند به مرور زمان دستخوش تغییراتی شده است، ولی این سنت حسنه در منطقه ما از صبح روز چهاردهم شعبان آغاز می‌گردد. روز چهاردهم شعبان روز برات نامیده می‌شود. دلیل آن هم شاید این باشد که به برکت شب نیمه شعبان افراد زیادی از آتش جهنم نجات پیدا می‌کنند. در روز چهاردهم این ماه، مردم روستای ما به خانواده‌هایی که یکی از اعضای آنها در این سال از دنیا رفته سر می‌زنند و برای شادی روح افراد از دنیا رفته، نوعی نان روغنی می‌پزند و به در منازل می‌برند. در بعد از ظهر روز چهاردهم، مردم با حضور بر سر قبور شهدا و امواتشان با نقل و شکلات و شیرینی از هم پذیرایی می‌کنند. بعد از برگشتن از قبرستان برای تزیین مسجد و برپایی جشن، هر کسی که فانوس یا پارچه‌های رنگی داخل خانه دارد به طرف مسجد می‌آورد تا مسجد محل به بهترین نحو تزیین شود و مراسم میلاد امام عصر علیه السلام با نهایت زیبایی بر پا گردد.

- یعقوب کامجه، لارستان:

شربت دادن در «کوزه شوبراتی» از رسوم منحصر به فرد منطقه لارستان است و در هیچ منطقه‌ای از ایران زمین حتی کشورهای اسلامی این مراسم مرسوم نیست. «کوزه شو براتی» کوزه کوچکی از جنس سفال است. کوچک بودن این کوزه به این دلیل است که یک بچه بتواند آن را به راحتی به دست بگیرد. و از مشاهده آن لذت ببرد. مقدار شربتی که در این کوزه قرار می‌گیرد مخصوص یک نفر آن هم به اندازه خوردن یک کودک سه یا چهار ساله است. شربت دادن در این کوزه‌ها مختص خانواده‌هایی است که حداقل یک بچه در سنین کودکی از دست داده باشند. آنها اعتقاد دارند که با شربت دادن در این شب بچه‌هایشان در آن دنیا شاد می‌شوند. شربتی که استفاده می‌شود از عصاره درخت نخل است. کوزه و شربت درون آن را برای خانواده‌هایی می‌برند که بچه کوچک دارند.

- علی سپهری، اردکان:

شب نیمه شعبان در اصطلاح محلی مردم اردکان «شو نیمه» گفته می‌شود. در این ایام مراسم ویژه‌ای در اردکان برگزار می‌گردد که در کمتر شهری از شهرهای ایران دیده می‌شود. بچه‌ها و نوجوانان و افراد مسن در صبح روز چهارده شعبان، در حالی که کیسه‌ای در دست یا به گردن دارند دسته دسته با شور و شوق فراوان به خانه‌های همسایگان مراجعه می‌کنند تا به مناسبت تولد حضرت مهدی علیه السلام شیرینی بگیرند و با فریاد شو نیمه‌ای «شونیمه برتی انجیر و خرما درتی» از مردم می‌خواهند به آنها شیرینی بدهند؛ مردم نیز با آمادگی از آنها استقبال کرده و به آنها شیرینی، انجیر خشک، خرما، بادام و... می‌دهند. این مراسم گاهی تا شب نیز ادامه می‌یابد.

بسیاری از ما این حدیث رسول خدا ﷺ را شنیده‌ایم که فرمود: «أنا وعلی أبواه هذه الأمة؛ من و علی پدران این امت هستیم.» براستی چرا پیامبر ﷺ خود و حضرت علی را به پدر تشبیه کرد؟ آیا بعد عاطفی مد نظر بوده؟ یا بخاطر اینکه در مصالح ما حق تصمیم‌گیری و سرپرستی دارند؟

یکی از واژگانی که در این مسیر به ما کمک می‌کند واژه «ولی» است. «ولی» در لغت به معنای سرپرست است و والدین کسانی هستند که سرپرستی فرزندان را بعهده دارند. اگر به مفهوم ولایت، نظر بیندازیم امام به عنوان «ولی» باید قادر باشد هم به جامعه، نگاه کلان داشته باشد و هم برای هر فرد با توجه به استعداد و ظرفیتش، هدایت‌گری نماید تا بتواند در جایگاه پدر معرفی شود. پدری که غافل از حال درونی فرزند نبوده، ظرفیت‌ها و استعدادهایش را می‌داند و با توجه به آنها، مصالح و آینده فرزندش را برنامه ریزی می‌کند. اما آیا امام در همه لحظات زندگی، اعم از خوب و بد در کنارمان هست، تا بتوان نسبت به او احساس پدر واقعی را داشت؟

در پاسخ باید گفت: انسان دارای دو بُعد روحی و جسمی است بعد جسمانی دارای قالب بوده و در همه انسان‌ها از جمله امام شرایط یکسانی را دنبال می‌کند اما بعد روحانی انسان، قابلیت رشد و وسعت یافتن، تا مراتب بالایی را دارد مانند قدرت‌های برخی پیامبران^۱ یا برخی از اولیای الهی.

برای انجام وظایف پدر معنوی لازم است، که

ولایت پدرانه امام

حکیمه محمدی سیاه بومی



اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر



امام بتواند برای هدایت میلیاردها انسان همزمان با تصرف در امور جاری عالم هستی مصالح انسان‌ها را اجرا کند بدون اینکه اجرای این برنامه‌ها با هم تعارض داشته باشند.

در همین باره خوب است بدانیم سراسر عالم وجود که آفرینش خداست، نور است که در قالب تاریک امکان، ریخته شده. این نور مطلق، که آغاز آفرینش و اول خلق خدا است، همان حقیقت نوری محمد ﷺ و علی ﷺ است، پیامبر ﷺ فرمود: «اول ما خلق الله نوری نخستین، آفریده خدا نور من است».^۲

پس معلوم است که خلقت آنها، خلقتی ویژه است که مایهٔ چنین قدرتی است. و آن همان خلقت نوری آنهاست.

برای روشن شدن این مطلب سالنی تاریک را، با عده‌ای از جمعیت منتظر، برای مشاهدهٔ نمایش در نظر بگیرید. وقتی که صحنه با نور، روشن شد، علاوه بر اینکه صحنهٔ نمایش، در چشم همهٔ افراد حاضر، نقش می‌بندد و همه، همزمان می‌توانند، یک نسخه از این نمایش را، در چشم خود داشته و ببینند، تمام سالن از نور بهره برده و روشنی می‌گیرد. این سالن عرصهٔ خلقت است. و این نور، نور خداست. وجود نور خدا، به امام این امکان را می‌دهد که علاوه بر اینکه در زندگی همه حضور داشته باشد، همه هستی در نگاه کلان نیز از او بهره ببرند بدون اینکه هیچ کدام از این بهره بردن‌ها با هم تداخل یا تزامنی داشته باشند.

اما شاید بپرسید چگونه امکان دارد این همه وسعت روحی در قالب جسمی محدود جا

بگیرد برای جواب این سؤال به این روایت توجه کنید:

عبدالله دیصانی از هشام پرسید: تو پروردگاری داری؟ گفت: آری گفت: او قادر است؟ گفت: آری قادر و هم قاهر است گفت: می‌تواند تمام جهان را در تخم مرغی بگنجانند که نه تخم مرغ بزرگ شود و نه جهان کوچک؟ هشام گفت: مهلتم بده. هشام خدمت امام صادق ﷺ رسید. و عرض کرد: یابن رسول الله عبدالله دیصانی از من سؤالی کرده که در آن تکیه‌گاهی جز خدا و شما نباشد. حضرت فرمود: ای هشام چند حس داری؟ گفت: پنج حس. فرمود: کدام یک کوچکتر است! گفت باصره (یعنی چشم). فرمود: اندازه عضوی که در چشم می‌بینند چه قدر است؟ گفت اندازه یک عدس یا کوچکتر از آن پس فرمود: ای هشام به پیش رو و بالای سرت بنگر و بگو چه می‌بینی؟ گفت: آسمان و زمین و خانه‌ها و کاخ‌ها و بیابان‌ها و کوه‌ها و نهرها می‌بینم. امام ﷺ فرمود آنکه توانست آنچه را تو می‌بینی در یک عدس یا کوچکتر از عدس درآورد می‌تواند جهان را، در تخم مرغ درآورد بی آنکه جهان کوچک و تخم مرغ بزرگ شود.^۳

نکته دیگری که در تمثیل امام به پدر نهفته شاید به این دلیل این باشد که خانواده خود را از هم می‌دانند، برای همین در انجام وظایفشان نسبت به همدیگر حس دلسوزی هم دارند، حسی که برایش اجر و مزدی نمی‌طلبند و فقط به این راضی هستند که با محبت پشت و پناه یکدیگرند، درست همین اجرای که پیامبر

از مسلمانان خواسته بود. اطاعت، بی‌محبت دوامی ندارد و در جایی به خستگی خواهد رسید فقط همین اطاعت همراه با عشق است که انسان را در راه مستقیم استوار نگه می‌دارد پس محبت و مودت است که مطیع و اطاعت شونده را چون خانواده، کنار هم نگه می‌دارد تا فرزندان بدون خستگی و دلزدگی از دین اطاعت کرده و به نتیجهٔ مطلوب در تربیت برسند.

محبت به امام باعث می‌شود که چشم دل، به روی امام باز شود و امام در قلب هر فرد حضور ملموس داشته باشد. همین امر باعث می‌شود که حقیقت اسماء الهی برای هر کسی به صورت جدا گانه تجلی کند و برنامه‌ای خاص برای تربیت او اجرا می‌شود بدون اینکه استفادهٔ هر کس از این برنامه‌ها با دیگری تداخل و مزاحمتی داشته باشد.

در چنین تربیتی چشم دل، مطالبی فرا می‌گیرد که در هیچ دانشگاه و کتابی نمی‌تواند به آن برسد. گوش، علمی را می‌شنود که برای هدایت به آن نیاز دارد و چشم هر چه می‌بیند عبرت است و این گونه است که امام، جانشین خدا، در هدایت و تربیت است.

در مراحل تربیت نیز، برای اینکه انسان، فرصت تربیت و جبران اشتباه، استغفار و توبه را داشته باشد، باید با جانشین خدا مرتبط باشد، تا در خانوادهٔ بزرگ دینی، مراتب رشد را طی کند. بنابراین انسان از دایره ولایت و سرپرستی پدرانه امام خارج نمی‌شود، و می‌تواند مطمئن باشد که امام سخنش را می‌شنود و همه جا حضور دارد و برای همه چون پدر، بلکه بالاتر از پدر است.

۱. جامع احادیث الشیعة، ج ۲۳، ص ۷۳۶.

۲. حضرت سلیمان حضرت عیسی و حضرت موسی و ...

۳. أصول الکافی، ترجمه کمره‌ای، ج ۳، ۶۶۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۰۲.

گینس اسلامی ۲

محمد رضا فؤادیان

تا کنون بارها رکورد گینس را در رسانه‌ها و گفت‌وگوها شنیده‌اید که آدم‌های عجیب و غریب با موفقیت نام خودشان را در این کتاب به ثبت رسانده‌اند و مشهور شده‌اند. خیلی‌ها هم دوست دارند اسمشان در این کتاب بیاید و مشهور و ماندگار شوند، اما آیا به نظر شما بلند بودن ناخن و سبیل شهرت مناسب برای یک انسان است؟

آیا خوردن زغال سنگ داغ کاری است که عقل آن را می‌پسندد.

آیا خوردن فلزات، لاستیک و... شهرتی است که انسان به خود ببالد.

آیا شما حاضرید با راه رفتن کیلومتری روی ظروف داغ مانند یک مرد آلمانی صاحب نام در گینس شوید؟

آیا این گونه افراد می‌توانند الگوی ما بشوند؟ آیا این کارها، ارزش دارد؟ چه کسی در دنیا می‌تواند بالاترین فرد باشد تا ما او را اسوه خود قرار دهیم؟

وقتی به بهترین کتاب دنیا مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که واژه «اسوه» سه بار در قرآن بیشتر نیامده است. در سوره احزاب آیه ۲۱ می‌خوانیم: «قطعا برای شما، در رسول خدا الگو و سرمشق نیکو است. برای کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

در سوره ممتحنه آیه ۴ و ۶ حضرت ابراهیم به عنوان الگو و سرمشق معروف شده است، اما حضرت ابراهیم برای کسب شهرت داخل آتش نشد و برای کسب مقام و منزلت این دنیا روی آتش راه نرفت.

چرا برخی نزد خداوند ارزش والایی دارند؟ چطور و با چه عملی می‌توانیم نزد خدا ارزش پیدا کنیم؟

خداوند می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُ»؛ بهترین شما پیش خدا پرهیزکارترین شماست.^۱

**پیامبر که الگوی همه بشریت
است می‌فرماید: «مردم
مانند دندان‌های شانه با هم
برابرند و برتری عرب و غیر
عرب و سرخ و سیاه فقط به
پرهیزکاری است»**

برتری انسان‌ها به مال و ثروت، قیافه و قد نیست؛ به انجام واجبات و ترک محرمات است.

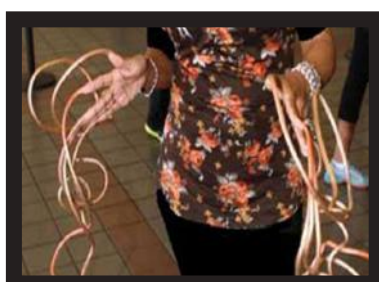
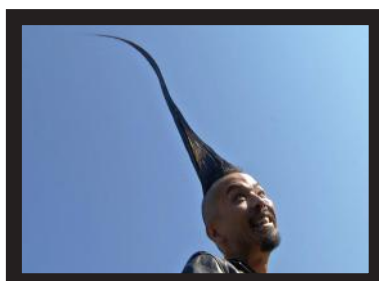
پیامبر که الگوی همه بشریت است می‌فرماید: «مردم مانند دندان‌های شانه با هم برابرند و برتری عرب و غیر عرب و سرخ و سیاه فقط به پرهیزکاری است».^۲

حالا که پرهیزکاری سبب ارزش انسان می‌شود، خوب است بدانیم در میان انواع آن مانند، تقوای سیاسی، تقوای اخلاقی، تقوای فرهنگی و... نوعی از رفتار وجود دارد که خیلی مهم است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: همانا برترین مردم در پیشگاه خداوند کسی است که عمل به حق در نزد او دوست داشتنی‌تر از باطل باشد، هر چند (این کار به ظاهر) از ارزش او بکاهد و به او زیان برساند و باطل به او سود رساند و بر قدر او بیفزاید.^۳

پیامبر می‌توانست با گرفتن امتیازات و ثروت از قریش دست از دعوت به سوی خدا بردارد، وقتی هم این رابطه به او پیشنهاد شده فرمود: اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من قرار دهید، دست از دعوتم بر نمی‌دارم.

او الگو و اسوه است، زیرا حق در نزد او دست داشتنی بود و از باطل سود نخواست، زیرا هیچ یک از دشمنان روزگارش نتوانستند از او یک بدی را ثبت کنند و هر چه از دعوت او می‌گذرد، موج اسلام خواهی گسترده‌تر می‌شود.

او بهترین است، پس عید برگزیده شدن بهترین انسان (بعثت)، بر شما مبارک و انشاء الله با الگوپذیری از او ما نیز بهترین شودیم و اسم همه ما در میان خوبان امتش ثبت شود.



* معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج).

۱. سوره حجرات / ۱۳.

۲. بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۹۸.

۳. نهج البلاغه، ح ۱۵۲: «ان افضل الناس عندالله من كان العمل بالحق احب اليه و ان نقصه...».

امام علی علیه السلام از زبان دیگران

«علی بن ابیطالب علیه السلام از آن افراد بی نظیر و نادری است که حقیقت و واقعیت آن را دور از سطح تقلیدی که ما بر اساس آن رجال و تاریخ خود را تجرید و تحلیل می کنیم، بشناسید، خواهید دید که محور عظمت آنان، در ایمان مطلق به کرامت و شرافت انسان و حق مقدس آن در زندگی شرافتمندانه است. علی بن ابیطالب علیه السلام صدای عدالت انسانیت و شخصیت جاویدان مشرق زمین است... نهج البلاغه با سبک و روش بلاغی امام، از فکر و خیال و عاطفه، آیاتی به دست داده. تا انسان هست و تا خیال و عاطفه و فکر انسانی وجود دارد با ذوق بدیع ادبی و هنری وی پیوند خواهد داشت. آیات به هم پیوسته و متناسب، جوشان از حسی عمیق و ادراکی ژرف، بیان شده و با شور و شوق واقعیت‌گری حقیقت، با میل به شناخت ماوراء این حقیقت و واقعیت، زیبا و نغز که زیبایی موضوع و بیان در آن به هم آمیخته؛ تا آنجا که تعبیر با مداول و شکل با معنی، چنان یکی می شود و متحد می گردد که حرارت با آتش؛ نور با خورشید و هوا؛ یکی هستند. و تو در قبال آن چیزی نیستی، مگر به مثابه مردی در برابر سیل خروشان و دریای مواج و تند بادی که می وزد و تکان می دهد... بیانی که اگر برای انتقاد سخن گوید، گویی تند باد خروشانی است. اگر فساد و مفسدین را تهدید کند، همچون آتش فشان‌های سهمناک و پر غرّش، زبانه می کشد و اگر به استدلال منطقی پردازد، عقل‌ها و احساسات و ادراکات بشری را مورد توجه قرار می دهد...»

جرج سجعان جرداق، نویسنده معروف مسیحی.



دوست‌داران شعر و ادب، سلام.
دوست داشتیم در سالروز میلاد با سعادت منجی عالم بشریت (روحی و ارواح
العالمین له الفداء)، بند بند صفحه شعرمان را به بیت بیت اشعار ناب شما مزین
کنیم؛ اما هر چه در نامه‌هایتان بیشتر جست‌وجو کردیم، کمتر شعری یافتیم.
می‌دانیم که دفتر شعرتان را به گلوآه‌های موعود مزین کرده‌اید و با نام نامی
امام عصر دفتر شعرتان را می‌گشایید.
چه خوب است سروده‌هایمان را با هم جمع کنیم و با چشمان اشکبار، سرود
انتظار را زمزمه کنیم و طلوع خورشید را به انتظار بنشینیم.

گل ظهور

کازم جیرودی

شاهکار خلقت

منیره السادات اوجاقیان

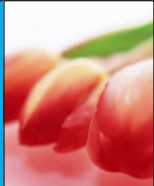
بوی پیراهنی از او

محمد جواد آسمان

غم فراق تو دل را اگر چه سنگین است
فدای آن غم تلخت، چقدر شیرین است!
اگر چه نیست جفا، کار تو، نمی‌دانم
چرا مرام تو در ذره‌پروری این است؟
دلم ز دوری‌ات ای گل به سینه‌ام پژمرد
نوای بلبل طبعم ز غصه غمگین است
بیا بیا که ز یمن تو باغ می‌خندد
در انتظار رخت، بی‌قرار نسرين است
بیا بیا که حضورت به گلشن دل‌ها
برای زخم گل داغ‌دیده تسکین است
گل ظهور تو کی برگ و بار خواهد داد؟
در انتظار فرج خوشه‌های پروین است
بیا که فتنه به آفاق می‌کند بیداد
ببین که باد مخالف به پرچم دین است
همیشه منتظرت روی جاده می‌مانم
نگاه باور دل امتداد پرچین است

به روز نیمه شعبان بهار می‌خندد
شکوفه بر سر هر شاخسار می‌خندد
برای آمدنت مرغ و ماهی دریا
به بر و بحر و سماء بی‌قرار می‌خندد
دلم نشسته به موجی سفر کند در اوج
ز شور و شادی، چه بی‌اختیار می‌خندد
نموده دست خدا شاهکار در خلقت
ملک به عرش از این شاهکار می‌خندد
شد اشک شوق روان از دو دیده مادر
که چشم نرگس تو اشکبار می‌خندد
ز بعد فصل خزان نوبهار می‌آید
زمین نشسته در این انتظار می‌خندد
نشسته بلبل عاشق به روی شاخه صبر
در انتظار دیدن روی نگار می‌خندد
نوید آمدنت را به ما پیمبر داد
بشارت‌یست کزان روزگار می‌خندد

دیده بانان به چه گرمید، خبر آمد و رفت
وسط شب خبر داغ سحر آمد و رفت
نه نویدی که امیدی... نه بهاری که گلی
نه هلالی که خیالی به نظر آمد و رفت
زلف وا کرد همان دست که زد شانه و بست
نه سلیمان... تو بگو شانه به سر... آمد و رفت
گفته بودند که یکبار می‌آید؛ آمد
آمد و رفت؛ درست عین خبر آمد و رفت
گفته بودند می‌آید ولی از راه دگر
به طریقی دگر از راه دگر آمد و رفت
یوسف گم‌شده گیرم ز سفر باز نگشت
بوی پیراهنی از او به سفر آمد و رفت
لحظه آمدنش عمری و الباقی عمر
نفسی بود که با خون جگر آمد و رفت...



هجرت چلچله‌ها

عبدالحسین فخاری

خواب بودم، همه چلچله‌ها کوچیدند
 بال من بسته نبود
 لحظه‌ای صبر نکردند آنان تا که بیدار شوم
 پَر زنان، ذوق کنان با همه همراه شوم
 غفلتی برد به زنجیر مرا، من و تقدیر مرا
 باز ماندم از راه
 بی‌گمان چلچله‌ها در راهند
 مست و مدهوش وصال یارند
 چشمشان سوی بهار
 گرچه رنجور و نزار
 چو ببینند از دور
 مقدم سبز بهار
 شب فرسوده و دل‌گیر پُر از نور شود
 رنج راه و غم و اندوه فراموش شود
 ای خدا، بوی بهار!
 ای خدا، مقدم یار!
 من غفلت زده و خواب چه دل‌گیر شوم
 دور از چلچله‌ها، سُست و زمین‌گیر شوم
 ای خوشا بیداری!
 ای خوشا هوشیاری!
 مرگ بر خواب و نفرین بر خواب...
 کاشکی زورق چشمان تو را می‌دیدم

کاشکی خواب نمی‌بودم و از این زندان
 می‌پریدم به فراز
 همراه بالِ نسیم
 همه جا می‌رفتم
 هر که را می‌دیدم
 از تو می‌پرسیدم
 تا که می‌یافتمت، پیش تو می‌ماندم
 در حریرِ نفسِ گرمِ وصال، قصه‌ها
 می‌گفتم...
 شکوه‌های بسیار
 از شبِ سرد خزان
 از کمندِ صیاد
 از غم و درد فراق
 برسانید سلام ای یاران
 حالیا از من زار
 به بهار در راه
 به شکوفه، به انار
 به گل نرگس من، میهمان دل من
 باز هم می‌خواند:
 مرگ بر خواب و نفرین بر خواب...

اشک جمعه

خدیجه ایمانی، کردستان

او که از چشمان خیسش اشک جاری می‌کند
 خوب می‌داند که دل را اشک، یاری می‌کند
 جمعه‌ها باز آ، ببین سیلاب چشم عاشقان
 باغ دل را اشک‌هاشان آبیاری می‌کند
 غم نباشد عاشقی را چون تهی شد جام می
 اشک با لب‌های تشنه، می‌گساری می‌کند

چشم را بگشا ببینی راز اشک و انتظار
 اشک هم با نام مولا رازداری می‌کند



دعا از مادر حق دیگران

موسی جوانشیر^۱



سفارش پیشوایان دینی ما هم دعا برای دیگران است. دعا در حق دیگران امکان استجابت دعای خودمان را هم افزایش می‌دهد. چنانکه تعریف می‌کرد در ایام عرفه در صحرای عرفات بودم. مردی را دیدم که غرق در دعا و مناجات است. حال معنوی خوبی داشت. رفتم که به او بگویم: التماس دعا! اما حال و هوای معنوی او به شکلی بود که به خودم اجازه ندادم او را از آن حالت روحانی خارج کنم. غروب عرفه شد. همه حجاج برای کوچ به سمت مشعرالحرام آماده می‌شدند. جلو رفتم و به او گفتم: امروز حالت را در این موقف دیدم. حال تو از همه عرفانی‌تر بود. راستش چندین بار تصمیم گرفتم که بیایم و التماس دعای خیری از تو داشته باشم، اما حیفم آمد تو را از آن حال معنوی بیرون آورم. الان از تو تقاضایی دارم؛ آنکه در دعاهایت برای من هم دعا کنی!

جواب داد: مگر من جز برای شما برادران دینی، دعایی می‌کردم؟ با حیرت پرسیدم: یعنی تو تمام این مدت در حق دیگران دعا می‌کردی؟ جواب داد: از مولا و سرور خودم حضرت موسی بن جعفر شنیدم که فرمود: وقتی کسی در غیاب برادر مؤمن خود دعایی می‌کند، ملکی ندا می‌کند: آنچه که در حق دیگران دعا کردی در حق خودت هم مستجاب است؛ علاوه بر آن اجری هم به خودت می‌دهیم که به فکر بندگان ما بوده‌ای! چه خوب است به یاد امام غایمان هم باشیم و برای تحقق فرجش نیز دعا کنیم که فرج و گشایش کارهای ما هم در گرو فرج آن حضرت است.

۱. کارشناس ارشد مهدویت.

یک کشتی دچار طوفان شد و فقط دو نفر توانستند با زحمت خودشان را نجات داده، به جزیره‌ای بدون سکنه برسانند. روزهای اول هر چه گریه و ناله کردند نتیجه‌ای نگرفتند. با هم گفتند تنها کاری که از دستمان برمی‌آید این است که بنشینیم و دعا کنیم، شاید فرجی حاصل شود. هر یک از آن دو نفر، به گوشه‌ای رفتند و دعا کردند. اولی برای رفع گرسنگی‌اش از خدا غذا خواست. ساعتی بعد درختی دید که بر شاخه‌هایش چند میوه نشسته بود. آنها را چید و خورد و گرسنگی‌اش را برطرف کرد. نگاهی به دوستش کرد، اما دوستش چیزی برای خوردن نیافته بود.

هر روز که او دعایی می‌کرد به صورتی معجزه‌آسایش مستجاب می‌شد ولی دوستش همچنان در حال دعا بود، ولی چیزی به دست نیاورده بود. در نهایت مرد اول از خدا خواست که او را از این جزیره نجات بدهد. فردای آن روز با تعجب دید یک کشتی کنار جزیره لنگر انداخت. بسیار خوشحال شد. آماده شد که سوار شود که یاد دوستش افتاد. خواست او را صدا بزند که با هم بروند؛ ولی با خود گفت: او که دعایش مستجاب نشده است، شاید او اصلاً لیاقت این نعمت‌ها را نداشته است و گرنه دعای او هم مستجاب می‌شد. تصمیم گرفت او را تنها بگذارد و برود که ندایی از آسمان او را خطاب قرار داده و گفت: چرا رفیقت را تنها می‌گذاری؟ مرد جواب داد: آخر او لیاقت این چیزها را ندارد؛ من این همه دعا کردم و به همه خواسته‌هایم رسیدم؛ ولی او به هیچ خواسته خود نرسید. ندا گفت: اشتباه می‌کنی تو وقتی به خواسته‌هایت رسیدی که تنها دعای او مستجاب شد! تو نجاتت را مدیون او هستی.

مرد با تعجب پرسید: مگر او چه دعایی کرده که باید مدیون او باشم؟ ندا گفت: تمام این مدت او تنها یک دعا می‌کرد. او فقط می‌گفت: خدایا حاجت دوستم را بر آورده ساز و دعای او را مستجاب کن!

✽



نماز امام زمانی!

محمدجواد کمار



نماز خواندن می‌گذرد و تازه به فکر قضا شدن نماز می‌افتیم.

۳. نماز با آرامش و خضوع

در سیره امامان معصوم علیهم‌السلام خوانده‌ایم که در موقع نماز، چنان محو تماشای حضرت باریتعالی می‌شدند که به تمام معنا از هرچه غیر اوست چشم می‌پوشیدند. اولیای دین با تمام مشغله‌هایی که دارند هنگام نماز چنان با خضوع و خشوع به نماز می‌ایستند که انگار نه انگار مشکلی در کار است، اما ما وقتی نماز می‌خوانیم، تمام وقت نمازمان با فکر کردن درباره مشکلات و راه حل آنها پر می‌شود و نمازمان آرامش و خضوع کمی دارد.

یک تذکر

چه اشکالی دارد که نمازمان را با حضرت پیوند بزنیم. وقتی به قنوت نماز رسیدیم دعای سلامتی حضرت را «اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن...» بخوانیم. بعد از آن، از خدا بخواهیم تا به واسطه ایشان نمازمان را قبول فرماید: «و اجعل صلاتنا به مقبولة» خداوند! نمازمان را به واسطه او قبول بفرما!



ایشان به سان ائمه نماز می‌خواند. حضرت آیت الله جوادی آملی یک روز در درس تفسیرشان فرمودند: خیلی اوقات ما به علامه طباطبایی رحمته‌الله عرض می‌کردیم: آقا درس اخلاق بفرمایید. ایشان می‌فرمودند: اخلاق، گفتنی نیست عمل کردنی است. اخلاق را باید به کار بست. شما این حضرت آیت الله بهجت را ببینید تمام زندگی‌اش درس اخلاق است. رفت و آمد ایشان، برخوردهایشان همه درس اخلاق است. از سوی مانند دیگر فقهاء تدریس می‌کند و از سوی دیگر بسان ائمه نماز می‌خواند.^۲

۱. فرازی از دعای ندبه.

۲. فریادگر توحید، ص ۱۷۰.

مقدمه

چرا نمازم این قدر تکراری شده؟ اشتباه نکنید منظورم این نیست که چرا هر روز نماز می‌خوانم؟ می‌خواهم بگویم چرا نماز خواندن هر روزهام به صورت یک عادت درآمده است. چرا این عادت، آن طور که باید مرا رشد نمی‌دهد؟ به عبارت دیگر احساس می‌کنم درجا می‌زنم. اینکه این جور نماز را هر روز بخوانم ناراحت‌کننده است. آخر این چه نمازی است که ما می‌خوانیم؟ نمازی که آن را به یاد همه چیز غیر از خدا می‌خوانیم! نمازمان پُر است از معاملات کوچک و بزرگ و پیدا کردن اشیای گمشده و... آیا این یک نماز امام زمان پسند است؟

چگونه نمازمان، امام زمانی شود؟

اگر بخواهیم نمازمان نماز امام زمانی شود، باید ببینیم حضرت چگونه نماز می‌خواند؟ یقیناً، مطمئناً ایشان نمازی می‌خواند که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد؛ گرچه بخشی از اعمال نمازش مثل بقیه مردم است. به ظاهر مثل ما وضو می‌گیرد و مثل ما نماز را با رکوع و سجود و... به جای می‌آورد؛ اما حقیقت و کیفیت نمازش است که بین نماز ایشان با نماز بقیه از زمین تا آسمان فرق ایجاد کرده است.

در اینجا به برخی از ویژگی‌های نماز مهدوی اشاره می‌کنیم:

۱. خلوص نیت

نیت نماز باید اصلاح شود. نماز ریایی کارساز نیست. نماز امام زمانی نمازی است که با این نیت شروع شود که من دارم همسو با مولایم برای نزدیک شدن به خداوند نماز می‌خوانم.

۲. نماز اول وقت

حضرت مهدی علیه‌السلام مانند سایر ائمه معصوم علیهم‌السلام، نمازش را در اول وقت، اقامه می‌کند. چیزی مانع نماز اول وقتشان نمی‌شود. همه ما گرفتاری‌هایی داریم، چه گرفتاری‌های روحی، چه مادی و جسمی و... اما وقتی گرفتاری‌ها هنگام نماز اول وقت به سراغمان می‌آید، گاهی به راحتی نماز اول وقت را رها می‌کنیم و خیلی خونسرد دنبال کارمان می‌رویم. بعد از انجام کارهایمان، اگر حواسمان باشد نماز را وسط یا آخر وقت می‌خوانیم و اگر حواسمان نباشد و احساس کنیم که نمازمان را خوانده‌ایم وقت

BATTLEFIELD 3

AUTUMN 2011



THE BATTLEFIELD 3 LIMITED EDITION

علی مرادخانی

نام: Battlefield 3

شرکت سازنده:

Electronic Arts (EA Games)

تیپ بازی: تیراندازی اول شخص

دستگاه‌های پشتیبانی کننده:

Play Station 3/PC/ XBOX 360

تاریخ بخش جهانی: نوامبر ۲۰۱۱

مخاطب بازی: ۱۸+

تیراژ جهانی: حداقل ۱۰ میلیون نسخه

Battlefield 3 نام جدیدترین بازی جنگی است که پاییز سال گذشته به بازار جهانی عرضه شد. در نگاه اول این بازی یک بازی تیراندازی است. در این بازی (مثل خیلی بازی‌های جنگی دیگر) شما نقش سرباز ارتش آمریکا را دارید که می‌خواهید برای آزادی، امنیت و مبارزه با تروریسم با اشرار و تروریست‌ها مبارزه کنید؛ اما تروریست‌های این بازی با بازی‌های دیگر تفاوت‌هایی دارند...

داستان بازی

در سال ۲۰۱۴، گروه‌های دو «بلک برن» (Blackburn) از اعضای نیروی دریایی آمریکا به منظور مبارزه و مقابله با عملیات‌های تروریستی گروه PLR به سلیمانیه عراق اعزام می‌شوند. این گروه آمریکایی مأموریت دارند تا یک پایگاه تسلیحات شیمیایی را که در اختیار «PLR» است شناسایی کنند. آخرین مکان شناسایی شده این پایگاه بازاری است که به وسیله یک گروه تروریستی شیعه‌مذهب به نام «پی ال آر» (PLR) کنترل می‌شود. سپس گروه‌های بلک برن و گروهش برای دستگیری یک تروریست مهم و با ارزش این گروه به نام «البشیر» (Al-Bashir) که ملیت ایرانی دارد به سمت تهران فرستاده می‌شوند.

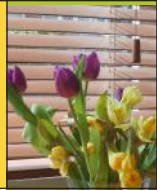
هنگام عملیات جستجو در تهران، گروه‌های بلک برن و گروهش درمی‌یابند که «پی ال آر» به چند دستگاه از تجهیزات هسته‌ای قابل حمل روسی دست یافته‌اند که هر کدام از آنها می‌تواند یک شهر بزرگ را کاملاً ویران کند؛ اما گروه‌های بلک برن که متوجه قدرت بسیار زیاد گروه «پی ال آر» می‌شود، از ارتش آمریکا درخواست کمک می‌کند. برای همین، کاروان نظامی «ام ۱ ابرامز» (Abrams M1) که به

ما با شما بازی نداریم نقد بازی Battlefield 3

سلیمان به او خیانت کرده است و قصد دارد روز چهاردهم اکتبر دو سلاح هسته‌ای مفقود شده را در نیویورک و پاریس منفجر کند. پس از آن نیروهای آمریکایی به شمال ایران می‌روند، جایی که ویلای شخصی به اسم کافاروف در آن قرار دارد. کافاروف کسی بوده که سلاح‌های هسته‌ای را از روسیه دزدیده و آنها را به سلیمان فروخته است و اکنون آمریکایی‌ها قصد دارند او را دستگیر کنند. در حین عملیات، نیروهای آمریکایی با نیروهای روسیه که آنها هم برای دستگیری کافاروف اقدام کرده‌اند درگیر می‌شوند و در حالی که نیروهای آمریکایی برای راه‌یابی به ویلای کافاروف تلاش می‌کنند، یک تیم سه نفره از نیروهای ویژه روسیه موفق به دستگیری کافاروف می‌شوند و پس از بازجویی از وی، از نقشه سلیمان با خبر می‌شوند. مدتی بعد

وسیله سرجوخه «میلر» هدایت می‌شود، برای کمک به گروه «بلک برن» آماده می‌شوند. سرجوخه «میلر» به گروه «بلک برن» کمک می‌کند تا به وسیله بالگرد از مه‌لکه فرار کنند. پس از فرار گروه بلک برن، سرجوخه میلر مورد حمله شدید PLR قرار می‌گیرد و توسط PLR اسیر می‌شود. سرجوخه «میلر» بلافاصله به وسیله «سلیمان» و «البشیر» به طرز وحشیانه‌ای سر بریده می‌شوند و ویدئوی اعدام وی تهیه و منتشر می‌شود؛ درست مثل کاری که القاعده در دنیای واقعی انجام می‌دهد. پس از آن، گروه آمریکایی دیگری که برای کمک به بلک برن و سرجوخه میلر وارد تهران شده‌اند، موفق می‌شوند البشیر را دستگیر کنند.

البشیر که هنگام دستگیری در وضعیت وخیمی به سر می‌برد در آخرین جملات خود می‌گوید



بلک‌برن هم موفق به ورود به ویلای کافاروف می‌شود و آنجا با دیما برخورد می‌کند. در طول بازجویی CIA از بلک‌برن، گروه سه نفره روسیه‌ای به پاریس می‌روند تا جلوی وقوع انفجار هسته‌ای را بگیرند، اما موفق نمی‌شوند و سلیمان به وسیله سلاح هسته‌ای خود شهر پاریس را منفجر می‌کند و ۸۰ هزار شهروند بی‌گناه این شهر را از بین می‌برد؛ این در حالی است که بازجوهای CIA حرف‌های بلک‌برن را مبنی بر دخالت سلیمان در اعمال تروریستی باور نمی‌کنند؛ برای همین بلک‌برن که دیگر راهی برایش نمانده از محل بازجویی فرار می‌کند و خود را به سلیمان می‌رساند تا جلوی انفجار را بگیرد. بالاخره پس از درگیری‌های فراوان، سلیمان توسط بلک‌برن کشته می‌شود و بلک‌برن سلاحی را که قرار است در نیویورک منفجر شود در اختیار می‌گیرد و از ویرانی شهر نیویورک جلوگیری می‌کند و هزاران شهروندش نجات پیدا می‌کند. در واقع در پایان بازی ارتش آمریکا گروه تروریستی و ایرانی «پی‌ال‌آر» را نابود کرده و دنیا را از خطر عملیات‌های تروریستی این گروه نجات می‌دهد.

«پی‌ال‌آر» واقعاً چیست؟

«PLR» مخفف شده «People's Liberation and Resistance» به معنای «گروه آزادی و مقاومت مردمی» است. «پی‌ال‌آر» گروه تروریستی بسیار خطرناک ایرانی معرفی شده‌اند که به زبان فارسی صحبت می‌کنند و فحش‌های رکیک آنها به آمریکایی‌ها حاکی از اوج تنفر آنها از نظامیان آمریکایی است. جالب‌تر اینکه در شهر به اصطلاح سلیمانیه عراق، با افرادی مواجه می‌شوید که به زبان فارسی صحبت می‌کنند و پلاک ماشین‌ها، ایرانی است. و البته در پلاک یکی از ماشین‌ها به جای شماره نوشته شده «نشانه تهران»!

کدها و نشانه‌هایی که در بازی هست باعث شده تا بسیاری فکر کنند این گروه اشاره به پژاک یا حتی منافقین دارد، اما نشانه‌هایی که در بازی وجود دارد نشان می‌دهد هدف اصلی از «پی‌ال‌آر» گروه دیگری است.

نظامیان «پی‌ال‌آر» گروهی ایرانی معرفی شده‌اند که در داخل و خارج مرزهای ایران از تهران گرفته تا سلیمانیه و پاریس و نیویورک

فعالیت‌های نظامی و تروریستی انجام می‌دهند. در بازی متوجه می‌شویم نظامیان «پی‌ال‌آر» مسلح به سلاح‌هایی چون کلاشینکف و ژ-۳ هستند، سلاح‌هایی که به ترتیب سلاح سازمانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران است. اسلحه دیگری که در اختیار «پی‌ال‌آر» هست سلاح «خیبر ۲۰۰۲» است. به نظر شما پژاک و منافقین از خیبر ۲۰۰۲ استفاده می‌کنند؟

از طرف دیگر در زمان حمله به تهران، شما با سازمان‌های نظامی ایران چون سپاه و ارتش مواجه نمی‌شوید، بلکه صرفاً با «پی‌ال‌آر» درگیر می‌شوید، گروهی که به ادوات نظامی چون سلاح‌های سازمانی نظامیان ایران، تانک، بالگرد، هواپیما، خودروهای نظامی و... مجهز هستند. آیا برداشت شما غیر از این است که «پی‌ال‌آر» نه یک گروهک نظامی تروریستی بلکه در حقیقت سازمان رسمی نیروهای نظامی ایران است؟

به نظر شما «پی‌ال‌آر» چیزی جز سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران است؟

سلیمان کیست؟

کل بازی بتلفیلد ۳ حول محور سلیمان می‌چرخد؛ نظامی تروریستی که محدود به

مرزهای جغرافیایی ایران نیست و حوزه عمل او در عراق، فرانسه، آمریکا و... است و به همین دلیل بسیار سفر می‌کند، شخصی باهوش که حتی توانایی فریب و جلب اعتماد بخشی از نیروهای امنیتی آمریکا داشته، اما در عین حال تفکرات ضد غربی و مخصوصاً ضد آمریکایی دارد و به همین منظور قصد عملیات تروریستی و انفجار بمب هسته‌ای در آمریکا را دارد و چنان قدرتمند است که می‌تواند با سلاح هسته‌ای خود پایتخت فرانسه را با خاک یکسان کند.

مرحله نهایی بازی هم درگیری با سلیمان است و یک جوهرهایی می‌شود گفت سلیمان غول مرحله آخر بتلفیلد ۳ است.

اگر سری به آرشیو اخبار در اینترنت بزنید، پی به چند راز جالب درباره سلیمان و بتلفیلد ۳ می‌برید. اول: پس از انتشار بازی بتلفیلد ۳، جنجال رسانه‌ای غرب علیه سردار سلیمانی فرمانده سپاه قدس آغاز شد و خبرگزاری‌ها با انتشار خبری از احتمال ترور وی توسط دولت آمریکا پرده برداشتند. طبق این خبر «جک کین» فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش آمریکا که در کنگره حضور داشت گفت: «چرا آنها را به قتل نرسانیم؟ چرا ما عامدانه آنها را ترور نکنیم؟» همچنین، یکی از کارشناسان مؤسسه دفاع از دموکراسی گفت: «فکر نمی‌کنم بتوانید بدون

**هر کس نداند، شما خوب می‌دانید
که امروزه در دنیا، بازی‌های
رایانه‌ای چه تأثیرات زیادی دارند و
حتی بازی‌های رایانه‌ای، با قدرت
اثر بخشی چند برابر، جای فیلم‌های
تبلیغاتی را در دنیا گرفته‌اند.**



به قتل رساندن یکی از آنها، مرعوبشان کنید. قاسم سلیمانی خیلی زیاد سفر می کند، بروید او را دستگیر کنید یا به قتل برسانید!»
این چند نکته را با سلیمان بازی بتلفیلد^۳ مقایسه کنید. نتیجه کاملاً باورنکردنی است؛ مگر نه؟ آیا هیچ عقل سلیمی باور می کند وقوع این اتفاقات با این توالی زمانی می تواند کاملاً تصادفی و این تحلیل فقط توهم توطئه باشد؟ دوم: نگهداری از بمب اتمی در خزانه بانکی در پایتخت ایران، بانکی که در آن اثری از ریال نیست و فقط دلار دیده می شود و اتفاقاً شباهت زیادی به بانک مرکزی ایران دارد. سوم: نمایش صندوق صدقات در تهران که بر روی آنها نمادهایی حک شده که اعلام می کند از پول این صندوق ها برای ایجاد هرج و مرج در سراسر دنیا استفاده می شود؛ یعنی بتلفیلد^۳ به تمام مخاطبانش می گوید که پول هایی که ایرانی ها در صندوق های صدقاتشان می اندازند، برای ایجاد هرج و مرج و عملیات تروریستی در دنیا استفاده می شود.

ما چه کردیم؟

یکم: هر کس نداند، شما خوب می دانید که امروزه در دنیا، بازی های رایانه ای چه تأثیرات زیادی دارند و حتی بازی های رایانه ای، با قدرت اثربخشی چند برابر، جای فیلم های تبلیغاتی را در دنیا گرفته اند.
دوم: همه دنیا می دانند که ایرانی ها اصولاً آدم هایی نیستند که در برابر این همه دروغ و تهمت که در این بازی درباره خودشان و کشورشان گفته شده ساکت بنشینند و با خوشحالی در بازی بتلفیلد^۳ تفنگ به دست بگیرند و کشور خودشان را نابود کنند؛ به همین خاطر، نوجوانان و جوانان ایران در فضای اینترنت اعتراض شدید خود را نسبت به این بازی و سازندگان آن اعلام کردند: «ما جوانان ایرانی که مانند بسیاری از هم سالانمان در دیگر نقاط دنیا، همراه با تکنولوژی های روز پیش آمده ایم و بر آنها مسلط هستیم، نسبت به ارائه این تصویر نادرست و دور از حقیقت اعتراض داریم و از شرکت EA می خواهیم تا ضمن عذرخواهی از این اقدام، در بیانیه ای رسمی برای گیمرهای دیگر نقاط دنیا توضیح دهد که داستان این

بازی و وقایع آن هیچ نسبتی با واقعیت کشور صلح طلب، با سابقه و پیشرو ایران ندارد.»
همچنین یکی از سایت ها که پخش کننده اصلی بازی ها محسوب می شود، در قسمت نخست سایت خود نوشت: «3.B.A.T.T.L.E.F.I.E.L.D را عرضه نخواهیم کرد، لطفاً سؤال نفرمایید!» و در ادامه لیست فروشگاه هایی که این بازی را عرضه نخواهند کرد به انضمام جمله «شما هم به ما پیوندید» آورده است.

و حرف آخر

در آخر می شود گفت بازی بتلفیلد^۳ به طور عجیبی سعی می کند ایران و ایرانی ها را مردمی تروریست، مخالف آزادی و قاتل معرفی کند و از آن طرف هم آمریکا را منجی دنیا و مدافع آزادی و حقوق بشر نشان دهد که ایران را در این جنگ شکست می دهد. متأسفانه این بازی پُر است از اهانت به ایرانی ها و با توجه به مطالبی که گذشت درمی یابیم جلوه های ضد ایرانی این بازی اصلاً اتفاقی نبوده و مدت ها برای این پروژه ضد ایرانی تلاش شده است.

داستان رابطه پسر و دخترهای امروز هم همین طور شده؛ خیلی از دخترها با احساساتی پاک و آرزوهای فراوان تن به دوستی با پسرها می دهند ولی غافل از اینکه خطر هر لحظه در کمین آن ها است.





حسین عندلیب



خرگوشی همیشہ به فکر پرواز بود و در رویاهای خود پرواز بر فراز آسمانها را آرزو می کرد؛ برای همین، یک روز به این فکر افتاد تا با عقابی رفیق شود و به همراه او به آسمانها سفر کند و به آرزویش برسد. خلاصه به سراغ عقابی رفته و بعد از دوستی همراه او به آسمانها رفت. بعد از گشت و گذار، عقاب فرود آمد و خرگوش هم که مزه اولین پروازش را چشیده بود در پوست خود نمی گنجید. مدتی گذشت و خرگوش دوباره شوق پرواز پیدا کرد و این بار هم با دوستش به آسمانها سفر کرد و به سلامت به خانه اش برگشت؛ ولی برای بار سوم که پیش رفیق به ظاهر مهربانش رفت تا یک بار دیگر آرزویش را برآورده کند، طعمه عقاب گرسنه شد و نه تنها به آرزویش نرسید، بلکه اصل زندگی اش را هم از دست داد.

داستان رابطه پسر و دخترهای امروز هم همین طور شده؛ خیلی از دخترها با احساساتی پاک و آرزوهای فراوان تن به دوستی با پسرها می دهند ولی غافل از اینکه خطر هر لحظه در کمین آن هاست. پسرها برای جلب نظر دخترها روزهای اول خیلی محبت می کنند و سعی می کنند خودشان را شاهزاده ای که با اسب سفید خوشبختی آمده تا دختر را به آرزوهایش برساند، نشان بدهند؛ ولی متأسفانه بعد از گذشت مدتی که خوب دختر را مجذوب و وابسته خودشان کردند، مثل آن عقاب قصه ما دخترک بیچاره را طعمه هدفهای شیطانی خود می کنند و این وسط دخترک بیچاره قربانی بلند پروازی هایش می شود.

آره خواهر خوبم! آخر داستان دوستی تو با آن پسر، همین قدر تلخ است. اگه قبول نداری و فکر می کنی حادثه همیشه برای دیگران هست و این پسر با همه پسرهای دیگر فرق می کند، نگاهی به صفحه های حوادث روزنامه ها ببنداز و در اینترنت کمی درباره قربانیان این دوستی ها، جستجو کن؛ مطمئنم که از همین حالا باید مواظب باشی تا فریب حرفایش را نخوری، اگه واقعا قصد ازدواج دارد پس چرا همیشه می خواهد مخفیانه با تو ارتباط داشته باشد و کسی هم نفهمد؟ اگر واقعا

راست می گوید هر کاری راهی دارد و مسیری. می تواند خیلی محترمانه به خواستگاریت بیاید و اگر شرایط شما با هم جور در بیاید، حتما بزرگترها با ازدواج شما موافقت می کنند. باید بدانی متأسفانه طبق آمارهای رسمی اکثر دوستی ها به ازدواج منجر نمی شود و تعدادی از آن چند درصدی هم که به ازدواج منجر می شود، ناموفق است. می دانی چرا؟ چون فقط یک عشق خیابانی بوده و معلوم است که خدا، همسر ایده آل تو را در کف خیابان قرار نداده. چه زیبا فرمود امیر بیان مولی علی (علیه السلام) عشق غیر الهی، چشم را کور و دل را بیمار می کند. آری عشق لحظه ای و یکباره باعث می شود که چشم هایت را روی بدی ها و زشتی هاش ببندی و وقتی چشم هایت را باز می کنی که خیلی دیر شده و از دست هیچ کس کاری بر نمی آید.

۱. نهج البلاغه خطبه ۱۰۹.

آیا هیچ عقل سلیمی باور می کند وقوع این اتفاقات با این توالی زمانی می تواند کاملاً تصادفی و این تحلیل فقط توهم توطئه باشد؟

عقاب قصه ما



دوستی، با تمام ویژگی‌های رفاقت

الهام بیدآبادی



«الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لَنَهْتَدِيَ لولا ان هدانا الله»

اگر تمام عالم را جست‌وجو کنی، دوستی همچون امام عصر علیه السلام نمی‌یابی که:

هرچند به یادش نباشی، تو را از یاد نبرد؛

هرچند او را رها کنی، تو را رها نکند؛

هرچند بر او جفا کنی، از عطا دریغ نوزد؛

هرچند در حقش دعا نکنی، به درگاه خداوند برایت دعا کند؛

هرچند از او گریزان باشی؛ از تو روی برنگرداند؛

هرچند موجبات رنجش او را فراهم کنی، رنجوری تو را برنتابد؛

هرچند به او سربلندی نیفزایی، او سبب افتخار و بزرگی تو باشد؛

اگر از حال او بی‌خبر باشی، از احوال تو بی‌خبر نماند؛

اگر تو حضور او را درک نکنی، همیشه و هرجا همراه تو باشد؛

اگر از ارتباط با وی خودداری کنی، خود به تو پیغام دهد؛

اگر از او دفاع نکنی، تو را بی‌پناه مگذارد؛

اگر هزاران مرتبه قلبش را شکسته باشی، باز عذرت را بپذیرد؛

اگر بارها نقض میثاق کرده باشی، راه بازگشت به سوی تو نبندد؛

اگر تو او را دوست نداری، او تو را دوست داشته باشد؛

اگر تو امانت‌داری شایسته برایش نباشی، او امین و راز نگهدار تو باشد؛

اگر تو او را یاری نرسانی، او پشتیبان و یاور تو باشد؛

اگر کوچک‌ترین خدمت را به رُخش کنی، بزرگ‌ترین لطفش

را به رویت نیاورد؛

اگر تو حریمش را پاس نداشته‌ای، او تو را حمایت و محافظت کند؛

اگر تو او را طرد کنی، او کهف حصین و پناهگاه امن تو باشد،

اگر سهم او را از مالت نپردازی، باز هم روزی خویش را مدیون او باشی؛

اگر تو فرزندی خطاکار و سربه هوا گشتی، او پدری بزرگوار و

شفیق باقی بماند؛

اگر تو حق برادری‌اش را ادا نکردی، او همچنان برادری مهربان

برای تو باشد؛

اگر تو او را در سختی‌ها تنها گذاشتی، او در تنگناها تو را تنها

نمی‌گذارد و شاید رهایی بخش تو باشد؛

... و این‌ها همه درحالی است که هیچ نیازی به تو ندارد و به

عکس، تو سراپا نیاز و احتیاج به اوئی!



پیشنادهایی برای دوستی هر چه بیشتر با امام زمان (عج)

۱. در آغازین دقایق صبح، روز خود را با سلام به امام زمان (عج) آغاز کنیم.
 ۲. در قنوت نمازهایمان دعای فرج «اللهم کن لولیک الحجه ابن الحسن...» را بخوانیم.
 ۳. ثواب کارهای خودمان را به امام زمان (عج) هدیه کنیم.
 ۴. قرائت قرآن.
 ۵. زیارت کربلا، عتبات، امام رضا (عج) زیارت حضرت معصومه (عج) زیارت حضرت عبدالعظیم (عج) و...
 ۶. احوال پرسی بستگان در طول روز یا هفته.
 ۷. برای سلامتی امام زمان (عج) هر روز صدقه بدهیم.
 ۸. برای فرج امام زمان (عج) بیشتر دعا کنیم.
 ۹. یاد گرفتن دعاها یا مخصوص امام زمان (عج) بیشتر به ما کمک می کند. برای این کار می توانید به مفاتیح الجنان مراجعه کنید.
 ۱۰. از طرف امام زمان (عج) به امام حسین (عج) عرض سلام کنیم.
 ۱۱. به فقرا و مستمندان شیعه کمک کنیم.
 ۱۲. خودمان را موظف کنیم در هر هفته یا هر روز چند صفحه کتاب راجع به امام زمان (عج) بخوانیم.
 ۱۳. به طور مرتب در هر روز یک دقیقه را به امام زمان (عج) اختصاص دهیم. مثلاً هر شب هنگام خواب ۱ دقیقه با ایشان گفت و گو کنیم و از ایشان برای موفقیت در کارهایمان کمک بخواهیم.
 ۱۴. طعم شیرین دوستی با امام زمان (عج) را به دیگران انتقال دهیم.
 ۱۵. در اجرای جشن ها و اعیاد مربوط به امام زمان (عج) کمک کنیم.
- و خیلی کارهای خوب دیگر...

انتخاب به سبک امام زمان

عجل الله تعالی
فرجه الشریف

(شاخص‌های انتخاب شایسته در نگاه حضرت مهدی)

مرتضی حسن پور

مقدمه:

زندگی، صحنه وقوع انتخاب‌های ماست و این، فصل ممیز انسان و عامل صعود یا سقوط اوست؛ چرا که بعضی از انتخاب‌ها نسبت به بعضی دیگر از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردارند و اقدام صحیح یا ناصحیح در این مورد، سودها یا خسارت‌های بی‌شماری را به دنبال دارد. حال که چنین است برای انتخاب درست، نیازمند معیار هستیم و قبل از هر انتخابی باید، معیارهای گزینش صحیح در آن مورد را بیابیم. از مهمترین انتخاب، گزینش کسی برای سرپرستی و وکالت در پاره‌ای از کارهای مهم ماست، اما آیا تا بحال اندیشیده‌ایم که چه معیارهایی برای انتخاب یک وکیل و سرپرست خوب وجود دارد. توجه به سیره حضرت مهدی (عج) در انتخاب وکیلان و نائبان خویش در عصر غیبت صغری، آینده خوبی است برای رهیافتن به معیارهای یک انتخاب درست برای ما و امت اسلامی.

شاید تصور شود کسانی مورد گزینش امام عصر (عج) می‌شوند که در معارف اسلامی، صاحب رأی و برجسته باشند، اما گرچه اسلام شناسی یکی از مؤلفه‌های مهم انتخاب است، اما این همه مطلب نیست.

با توجه به تاریخ عصر غیبت صغری، متوجه می‌شویم یکی از ملاک و معیارهای انتخاب نواب اربعه، بصیرت و بینش آنان در مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است. با اینکه از نظر علمی اشخاص قوی‌تری مانند ابوسهل نوبختی، کلینی، علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) و دیگران بودند؛ اما افرادی که از شهرت علمی کمتری برخوردار بودند به نیابت انتخاب شدند. در آن شرایط حساس بعد از شهادت امام عسکری (عج) بصیرت سیاسی و اجتماعی خیلی مهم به نظر می‌رسید و کسی که رهبری جامعه شیعه را عهده دار می‌شد باید زیرک و بیدار بود، زیرا امام به ظاهر از نظر ها غایب است و نائب امام باید از یک طرف امامت امام دوازدهم و وجود حضرت (عج) را برای شیعیان و خواص و افراد مورد اطمینان اثبات کند و از طرفی دیگر باید به گونه‌ای رفتار نمایند که حکومت تصور کند امام عسکری (عج) جانشینی

ندارد، زیرا حکومت به شدت دنبال حضرت مهدی (عج) بودند، بنابراین باید نام حضرت را مخفی می‌داشتند تا وجود آن امام از سر دشمنان و

حکومت عباسی محفوظ بماند. در چنین موقعیتی ممکن است یک فرد از حیث آگاهی به معارف دین ممتاز باشد، ولی شجاعت و رازداری را نداشته و مکان امام را آشکار کند. بنابر این نواب اربعه هر چند اعلم نبودند، ولی به خاطر ویژگی‌هایی مثل داشتن بصیرت، شجاعت و رازداری بهتر می‌توانستند جامعه شیعه را اداره کنند. در روایتی که شیخ طوسی نقل کرده این نکته روشن است: «وقتی حسین بن روح (نایب سوم امام زمان (عج)) به عنوان جانشین نایب دوم (محمد بن عثمان) انتخاب شد از ابوسهل نوبختی که از ابن روح معروف‌تر بود سوال کردند که چرا شما به جای حسین بن روح انتخاب نشدی؟ ابوسهل پاسخ داد: آنان (ائمّه) بهتر از هر کسی دیگر می‌دانند چه کسی را انتخاب کنند. من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با ایشان مناظره می‌کنم، اگر آنچه حسین ابن روح در مورد امام (عج) می‌داند، می‌دانستم، شاید در بحث هایم با دشمنان و هنگام جدل با آنان می‌کوشیدم تا دلایل بنیادی بر وجود امام ارائه کنم و در نتیجه محل اقامت امام را آشکار کنم، اما حسین بن روح اگر امام را در زیر جامه و عبای خود پنهان داشته باشد و بدنش را قطعه قطعه کنند تا حضرت را نشان دهد، هرگز چنین نخواهد کرد». از این روایت برداشت می‌شود در شرایط آن زمان؛ رازداری و شجاعت مهم‌تر از صرف فضیلت در علم به دین بوده است، هر چند که نایبان امام نیز، اسلام شناس بوده‌اند. وقتی حسین بن روح به وکالت انتخاب می‌شود، علمای راستین و با تقوا همه تسلیم شده و او را یاری کردند و با مدعیان دروغین نیابت مبارزه کردند و آنان را رسوا کردند. ابوسهل نوبختی و علی بن بابویه با حلاج که به دروغ ادعای نیابت از طرف امام

زمان (عج) را داشت، مبارزه کرده و او را



در
فعالیت‌های
خود بوده و بر زمانه مطلع
باشد. امام صادق (ع) می‌فرمایند:
«کسی که به شرایط و حوادث زمان خود
عالم و آگاه باشد، حق بر او پوشیده نمی‌ماند».^۱ نتیجه
آنکه: همان‌طور که شرایط عصر غیبت صغری ایجاب می‌کرد،
رهبری شیعیان به دست و کیلان بصیر و شجاع باشد، در شرایط عصر غیبت
کبری نیز باید علما با بصیرت، زمان‌شناسی، و شجاعت، جامعه
شیعه را به خوبی مدیریت کنند و هم انتخاب آنها
با توجه به این معیارها باشد.

رسوا کردند.^۲ از دیگر ویژگی‌های مهم نواب اربعه این
بود که اهل تقیه بودند؛ عثمان بن سعید به عنوان روغن
فروش، وظایف مربوط به وکالت را انجام می‌داد و نامه‌ها و
وجوهای را که از شیعیان دریافت می‌کرد، در ظرف روغن می‌گذاشت و
خدمت امام (ع) می‌برد؛ حسین بن روح نیز با رعایت تقیه در زمان خود، حتی
نزد هل تسنن محبوبیت خاصی داشت. شخصی می‌گوید: من و چند تن از
برادران و دوستانم به خدمت حسین بن روح رفتیم. ما ده نفر بودیم که نه
نفرمان حسین بن روح را لعن می‌کردیم و یک نفر در این کار تردید داشت،
اما هنگامی که از نزد او خارج شدیم، نه نفر از ما به واسطه محبت حسین
بن روح به خدا تقرب می‌جستیم و فقط یک نفر بود که توقف کرد.^۳ در
روایتی دیگر می‌خوانیم: به حسین بن روح خبر دادند نگهبان درب او معاویه
را لعن و نفرین می‌کند. حسین بن روح دستور داد تا او را از کار اخراج کردند.^۴
همین امر موجب شد تا شیخ طوسی در مورد او
بنویسد: «حسین بن روح نزد دوست و دشمن به
عنوان خردمندترین شخص زمان خود شناخته شده
بود و اهل تقیه بود».^۵

جاسم حسین نیز در مورد ابن روح معتقد است:
«زیرکی و هوشیاری حسین بن روح موجب شد تا از
پیامدهای سوء شرکت در بحث‌های فرقه‌ای که در
کاخ ابن یسار از مقامات والا رتبه خلیفه مقتدر بر گزار
می‌شد برکنار ماند و تنها به عنوان مستمع در جلسات بحث
شرکت می‌کرد».^۶

با این اوصاف، حسین ابن روح در مدیریت و رهبری جامعه
شیعه، به عنوان خردمندترین فرد زمان خود شناخته شد، اما
خود در مباحث دینی و علمی، کتاب تادیب خود را برای تایید
نزد علمای قم فرستاد.^۷ همین معیارها در اعطای مسئولیت
اجتماعی به علمای دین، باعث شده تا در زمان غیبت کبری
که نیابت عامه به فقیهان و اسلام‌شناسان واگذار شده، حاکم
اسلامی علاوه بر بُعد علمی و شناخت عمیق اسلام، دارای
بصیرت، شجاعت، رازداری، مدیریت و...

۱. طوسی، الغیبة، ص ۳۹۱.
۲. همان، ص ۴۰۱.
۳. همان، ص ۳۸۶.
۴. همان، ص ۳۸۷.
۵. همان، ص ۳۹۱.
۶. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ص ۱۹۵.
۷. طوسی، الغیبة، ص ۳۸۸.
۸. العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷).

اخلاق انتخاباتی منتظران با تکیه بر اندیشه امام خمینی

حسن ملایی*

سراغاز

در سخن امام باقر (ع)

عصر غیبت، عصر امتحان الهی برای درک امر فرج است که همگان در آن به سختی آزموده شده^۱ و قبول شدگان، به منازل بلند دنیا و آخرت که یآوری حضرت صاحب الامر (ع) تنها بخشی از آن است، مفتخر خواهند شد، اما آنچه در این بین برای منتظران ظهور مهم است، توجه جدی به معیارهایی همچون اخلاق است که حضرت صادق (ع) آن را یکی از محورهای زندگی منتظرانه برشمرده و فرمود: «هر کس خواهان آن است که در شمار یاران امام قائم (ع) شمرده شود، باید به انتظار باشد و با همین حال انتظار به تقوا و اخلاق نیکو رفتار کند»^۲. بدیهی است که این سفارش، تمامی فعالیت‌های منتظران را در عرصه‌های فردی و اجتماعی در بر می‌گیرد و همگان موظف به رعایت آن هستند، زیرا راز لبخند رضایت حضرت مهدی (ع) در پابندی به تقوا و اخلاق در تمام عرصه‌ها است.

سلام بر ایرانیان منتظر

تاریخ معاصر ایران شاهد شکل‌گیری نظامی اسلامی به رهبری عالمی شجاع و منتظر بود که به انگیزه زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر (ع) قیام نمود^۳ و مردمانی که در میدان جهاد از پاره‌های آهن سخت‌تر بودند او را تا رسیدن به پیروزی یاری کردند؛ همان‌هایی که امام خمینی (ع) در وصف آنها و امام موعود چنین ابراز نمود: «سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت حضرت بقیه الله (ع) و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار. سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می‌کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می‌شوند. سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت راه ظهورش را هموار می‌کنند»^۴.

امام خمینی و چهار نکته درباره اصل انتخابات

پس از انقلاب اسلامی تا کنون، تقریباً در هر سال با حضور و نظر مردم انتخابات برگزار و افرادی به پست‌های مهم این کشور برگزیده شدند، از میان سخنان امام خمینی (ع)، چهار نکته مهم را مد نظر قرار می‌دهیم:^۵
اول آن که ایران، کشور امام زمان (ع) است و وظیفه ما، نسبت به آن سنگین؛ «من امیدوارم که همه خواهرها و برادرها و همه قشرهای این ملت و همه ما

از خدمتگزاران به اسلام و ولی عصر (ع) باشیم. ما در یک مملکتی هستیم که مملکت ولی عصر است و وظیفه آنهایی که در مملکت ولی عصر زندگی می‌کنند یک وظیفه سنگین است. نمی‌توانیم ما لفظاً بگوییم ما در زیر پرچم ولی عصر - سلام الله علیه - هستیم و عملاً در آن مسیر نباشیم»^۶.

دوم؛ انتخابات یک آزمون و «مسأله انتخابات یک امتحان الهی است که گروه گرایان را از ضوابط گرایان ممتاز می‌کند، و مؤمنین و متعهدین را از مدعیان جدا می‌نماید»^۷.

سوم؛ برای نزدیک کردن ظهور، باید در گسترش عدالت در ایران تلاش کرد: «اکنون ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر (ع) حاکم کنیم»^۸.

چهارم؛ تجلی عدالت در کشور، نیازمند حاکمانی با دغدغه عدالت‌گستری است که با انتخاب مردم تعیین می‌شوند؛ بنابراین شرکت در انتخابات وظیفه همگان است: «همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی»^۹؛ و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است»^{۱۰}.

اخلاق، روح حاکم بر انتخابات

حضرت امام (ع) پس از تشریح نوع نگاه به اصل مسأله انتخابات، اخلاق را روح حاکم بر انتخابات در جمهوری اسلامی دانسته و بارها مردم و کاندیداهای دوستدار امام زمان (ع) را به رعایت این امر سفارش کرده و فرمودند: «عزیزان من که امید نهضت اسلامی به شماست؛ در روز تعیین سرنوشت کشور بپاخیزید و به صندوق‌ها هجوم آورید و آرای خود را در آنها بریزید، و با کمال آرامش و مراعات کامل اخلاق انسانی - اسلامی، این امر مشروع را انجام دهید»^{۱۱}.

ایشان در علت رعایت این امر، به فلسفه انتخابات اشاره و هدف آن را حفظ اسلام معرفی کرده، فرمودند: «تصحیحی است از پدیری پیر به تمامی نامزدها... که سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چهارچوب تعالیم و اخلاق عالی‌ه اسلام انجام شود؛ و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت، حفظ اسلام است. اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب، حافظ اسلام می‌شود»^{۱۲}.

پرهیز از ایجاد کدورت، تفرقه و هیاهو



در راستای حفظ اخلاق اسلامی در انتخابات، یکی از نکاتی که امام خمینی رحمه الله نسبت به آن با حساسیت خاصی صحبت می نمودند، دوری از انجام هرگونه سخن و رفتاری است که در میان مردم و کاندیداها ایجاد کدورت و تفرقه کند و همواره نصیحت می کردند: «من بسیار مایل هستم که گروه‌هایی که متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی و خدمتگزار به اسلام هستند، در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در تبلیغ کاندیداهاشان رعایت نمایند، و نسبت به یکدیگر تفاهم و صمیمیت و اخوت اسلامی داشته باشند، و از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنند، که تفرقه و تشتت، دوستان را نگران و دشمنان را کامیاب می کند.»^{۱۳}

این مسأله به قدری برای رهبر کبیر انقلاب اسلامی مهم بود که ایشان نه تنها در قبل و حین انتخابات، که حتی مراعات اخلاق اسلامی را در بعد از آن نیز لازم شمرده و جنجال آفرینی پس از انتخابات را به شدت محکوم کرده و می فرمودند: «شما بخواهید برای اینکه شما وکیل نشده‌اید در کجا، هیاهو کنید که انتخابات انتخابات کذا بوده؛ این حرف خلاف اسلام است. شکایت اگر هست، شکایت پذیرفته است و مقاماتی که باید شکایتها را بپذیرند، می‌پذیرند، اما هیاهو کردن و فریاد زدن و انتقاد بیجا کردن، این بر خلاف دستورات اسلام است.»^{۱۴}

امام زمان ع را آزرده نکنیم

امام خمینی رحمه الله نیز مانند همه منتظران ظهور امام زمان ع نگران هرگونه رفتاری بود که قلب مبارک حضرت بقیة الله ع را محزون کند؛ به همین جهت پیوسته به شیفتگان و منتظران مهدی موعود ع سفارش می کردند که: «در کارهایتان جوری نباشد که وقتی عرضه شد بر امام زمان ع خدای نخواستہ آزرده بشود، و پیش ملائکه الله یک قدری سرافکنده بشود، که اینها شیعه‌های من هستند، اینها دوستان منند و بر خلاف مقاصد خدا عمل کردند.»^{۱۵}

همه در محضر حق هستیم

سیما و سخنان نافذ و نورانی آن رهبر حکیم و عارف، حاکی از ارتباط محکم وی با خدای متعال داشت و این امر از سفارش‌های مکرر وی به روشنی پیدا بود. حرف اول و آخر حضرت امام رحمه الله، تقوای الهی بود و اینکه: «همه در محضر حق هستیم و آنچه در صحیفه کردار ما ماندنی است، اعمال و رفتار ما و آنچه موجب سعادت و جاودانگی ما می شود، صفای

معنویت و ثمرات خلوص بندگی است، و ما هم نباید خلوص عمل و جامعه اسلامی خودمان را به زنگار کدورت‌ها و اختلافات آلوده کنیم و رقابت‌های گذشته انتخاباتی هم هرگز نباید موجبات تفرقه و جدایی را فراهم نماید.»^{۱۶} به راستی کسی که خود را در محضر خدا می‌بیند، می‌تواند با مؤمنان دیگر بد اخلاقی کند و آیا کسی که در مکتب تربیتی خمینی رحمه الله پرورش یافته و مدعی راهروی در مسیر امام است می‌تواند از این سفارش دائمی وی غفلت کند؟!

* کارشناس ارشد مهدویت.

۱. جابر جعفری روایت می‌کند که گفت: به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: فرج شما کی خواهد بود؟ فرمود: هیهات! هیهات! فرج ما تحقق نمی‌پذیرد مگر این که شما آزمایش شوید! باز هم آزمایش شوید! باز هم آزمایش شوید! این را سه بار فرمود تا آنجا که آلودگی برطرف شود، و پای بماند. الغیبة طوسی: ص ۳۳۹.

۲. مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ: الغیبة نعمانی: ص ۲۰۰.

۳. «انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ع است».

۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۶.

۵. پس از زعامت مقام معظم رهبری نیز همین نکات و رهنمودها را نیز در سخنان معظم له می‌توان به وضوح یافت.

۶. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۱۳.

۷. همان، ج ۱۸، ص ۳۳۶.

۸. همان، ج ۱۴، ص ۴۷۳.

۹. همان، ص ۴۷.

۱۰. همان، ج ۱۲، ص ۱۷۷.

۱۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۱.

۱۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۲.

۱۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۹۹.

۱۴. همان، ج ۱۲، ص ۳۵۸.

۱۵. همان، ج ۲۱، ص ۵۱.

اخلاق و عقیده

در نظام جمهوری اسلامی غیر از دانایی و کفایت سیاسی، کفایت اخلاقی و اعتقادی هم لازم است. افرادی نگویند که اخلاق



و عقیده مسأله شخصی انسان‌هاست. بله، اخلاق و عقیده مسأله شخصی انسان‌هاست؛ اما نه برای مسئول... برای یک مسئول

عقیده و اخلاق، مسأله شخصی نیست؛ مسأله‌ای اجتماعی و عمومی است؛ حاکم شدن بر سرنوشت مردم است. آن کسی که به مجلس می‌رود، یا به هر مسؤولیت دیگری در نظام جمهوری اسلامی می‌رسد، اگر فاسد، بیگانه‌پرست و در خدمت منافع طبقات برخوردار جامعه بود، دیگر نمی‌تواند نقشی را که ملت و طبقات محروم می‌خواهند، ایفا کند. بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۲/۰۹/۲۵

یاوران حضرت مهدی عج موعود

گفت‌وگو حجت‌الاسلام آقای مصلحی، مدیر مجتمع فرهنگی

اشاره:

در مسیر عبور تان به سمت مسجد مقدس جمکران، ساختمانی است با عنوان مجتمع فرهنگی یاوران حضرت مهدی موعود عج. این مجتمع وابسته به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج می‌باشد که یکسری برنامه‌های فرهنگی - آموزشی را پیگیری می‌نماید. در این ایام نیمه شعبان مناسب دیدیم با مدیر محترم این مجموعه فرهنگی گپ‌وگفتی صمیمی در مورد برنامه‌های آن داشته باشیم که در ذیل تقدیم می‌شود.

■ هدف از تأسیس مجتمع یاوران حضرت مهدی عج:

|| حاج آقای قرائتی روزی آمدند جمکران. تابستان بود و هوا گرم، ایشان دیدند کسانی که در این هوای گرم، با کمبود امکانات می‌آیند جمکران خیلی اذیت می‌شوند و مهم‌تر این که صرفاً می‌آیند نماز می‌خوانند و می‌روند و آشنایی با حضرت مهدی عج پیدا نمی‌کنند؛ بنابراین به ذهنشان آمد در کنار مسجد مقدس جمکران فضایی آماده کنند تا کسانی که از راه‌های دور و نزدیک به اینجا می‌آیند، استراحتی کنند و نسبت به امام زمان عج معرفت‌افزایی کنند و بعد بروند مسجد مقدس جمکران.

سال ۸۲ کلنگ این ساختمان به زمین زده شد. حدود ۲۰ هزار متر زمین را به کمک افراد خیر تهیه کردند. از مرداد ۸۶ این مجتمع به بهره‌برداری رسید و تا کنون استقبال خوبی شده است. عمده هدفی که برای این مکان تعریف شده، یک فضا و اردوگاهی آموزشی - فرهنگی برای معرفت‌افزایی دینی به خصوص معارف مهدوی است.





■ افرادی که می‌توانند از مجتمع و امکاناتش استفاده کنند چه کسانی هستند؟ آیا زائران مسجد مقدس جمکران بدون هماهنگی می‌توانند از امکانات آنجا استفاده کنند؟

چون فضا، یک فضای فرهنگی - آموزشی است، بنای اولیه بر این است که گروه‌های مختلفی می‌توانند از این فضا استفاده کنند ولی این گروه‌ها باید حداقل حدود یک ماه قبل، تماس بگیرند و برای خودشان جا رزرو کنند تا ما بتوانیم با خیال راحت در خدمت عزیزان باشیم. اولویت ما، طلبه‌ها، دانشگاه‌ها، دانش‌آموزان و در بین اینها اولویت‌مان با کارهای فرهنگی آموزشی و مهدوی است.

■ آیا یک نفر با خانواده می‌تواند جا رزرو کند؟

II در ایام نوروز و ماه مبارک رمضان این امکان را فراهم کرده‌ایم که مردم به صورت خانوادگی بیایند؛ اما در غیر این ایام چون به صورت آموزشی و خوابگاهی است، مشکل است که بتوانیم به صورت خانوادگی پذیرای افراد باشیم. هرچند اگر در قالب گروه‌های حداقل ۱۲ نفره و بالاتر باشند می‌توانیم پذیرای آنان باشیم و خدمات لازم را ارائه کنیم.

■ برنامه‌های فرهنگی که برگزار می‌شود در طی چند جلسه انجام می‌شود؟

II به تناسب گروه‌هایی که می‌آیند برنامه‌ریزی می‌کنیم. اگر چند ساعت یک روز، یا یک هفته و حتی اگر یک ماه هم آنجا باشند، می‌توانیم برنامه‌ریزی‌های فرهنگی آموزشی برایشان داشته باشیم. آنجا کلاس‌ها، کارگاه‌ها و نمایشگاه‌هایی دارد که می‌توانیم برنامه‌های آموزشی مقدماتی و تکمیلی معارف مهدوی و دوره‌های تربیت مربی معارف مهدوی را داشته باشیم. طرح‌های مختلفی که سازمان‌ها و نهادها برای گروه‌ها و زیر مجموعه‌هایشان تعریف می‌کنند، مثل طرح صالحین، طرح بصیرت، طرح عفاف و حجاب را می‌توانیم برایشان برنامه‌ریزی کنیم. همچنین برای برگزاری مسابقات، جلسات پرسش و پاسخ، حلقه‌های معرفت، تورهای درون شهری و دیدار با علما، امامزادگان و... آمادگی کامل داریم.

■ آیا برنامه‌های خاص دیگری در طول سال برای مراجعان مجتمع دارید؟

II علاوه بر برنامه‌های آموزشی که خودمان برای افراد و گروه‌ها داریم، ممکن است خود گروه‌ها نیز برنامه‌هایی داشته باشند. آنها برنامه‌هایشان را با ما هماهنگ می‌کنند. با توجه به اینکه ما با ۱۵ مرکز تخصصی حوزه علمی قم و مؤسسه امام خمینی (ره) و مراکز علمی دیگری که در قم هستند ارتباط تنگاتنگی داریم، می‌توانیم از اساتید مجربی استفاده کنیم حتی در علوم دانشگاهی هم می‌توانیم با دانشگاه‌های مختلف رایزنی کنیم و با اساتید کشوری و بین‌المللی ارتباط برقرار کنیم و آن استادی که مد نظر یک گروه هست را می‌توانیم دعوت کنیم. علاوه بر این، ما برای ایام نهم ربیع برنامه‌های ویژه‌ای در خود مجتمع داریم، برای ایام نیمه شعبان هم همینطور. هم در خود مجتمع هم بیرون مجتمع نمایشگاه برپا می‌شود. که غرفه پرسش و پاسخ، غرفه نقاشی برای

کودکان و یک‌سری غرفه‌هایی دیگر نیز ایجاد می‌کنیم. به فرموده حاج آقای قرائتی، بنا داریم هر کسی به مجتمع مراجعه می‌کند علاوه بر اینکه مجله امان بین میهمانان توزیع می‌شود، یک کتاب (آفتاب مهر یا پرسش و پاسخ مهدوی و...) یا حداقل یک بروشور مهدوی به این افراد داده شود. علاوه بر اینها، در مجتمع، کارشناسانی برای پرسش مسائل مذهبی هستند. نمایشگاه کتاب دائمی هست که کتاب‌های بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{عج} و مرکز تخصصی مهدویت را آنجا ارائه می‌کنند. و خدمات ویژه‌ای به افراد داده می‌شود.

■ آیا برنامه‌های عمومی و ویژه‌ای که فرمودید، شامل دانش آموزان و افرادی که در قم زندگی می‌کنند هم می‌شود؟

■ ما با هماهنگی بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود^{عج} شعبه استان قم، با آموزش و پرورش قم و دانشگاه‌های قم برنامه داریم. طی توافقی که با بنیاد قم و آموزش و پرورش داشتیم، تمام گروه‌ها و دانش آموزانی که از مدارس می‌خواهند جمکران بروند یکی دو ساعت در مجتمع کلاس‌های معرفتی برگزار می‌شود تا یک شناخت اجمالی نسبت به امام زمان^{عج} پیدا کنند و بعد از آن به مسجد مقدس جمکران می‌روند. با انجمن دانش آموزی یک توافق نامه‌ای تنظیم می‌کنیم که دانش آموزان سراسر کشور بتوانند از فضای مجتمع استفاده کنند. با مراکز مختلفی که در فضای مهدویت مشغول فعالیت هستند، رایزنی‌هایی شده است که ان شاء الله بتوانیم از صد در صد ظرفیت مجتمع برای استان قم

هم استفاده کنیم و طبیعتاً یک وظیفه سنگینی نسبت به دانشجویان و دانش آموزان استان قم و مردم قم داریم. علاوه بر اینکه با حوزه علمیه و جامعه المصطفی هم یک‌سری توافق نامه‌ای داریم که بتوانند از ظرفیت‌های موجود در مجتمع استفاده کنند.

■ آیا برای دانش آموزان مقطع ابتدایی هم در مجتمع یاوران برنامه‌ای دارید؟

■ بله! حتی افراد قبل از ابتدایی یعنی مهد کودک‌ها هم می‌توانند از این امکانات استفاده کنند. ما الان در صدد این هستیم که یک فضای کودکانه درست کنیم که حتی مهد کودک‌ها هم از فضای مجتمع استفاده کنند چون مرکز تخصصی مهدویت کارشناس‌هایی نیز در این زمینه تربیت کرده است.

■ آیا هزینه‌ای هم باید پرداخت کنند؟

■ افرادی که از قم می‌آیند اگر فقط بخواهند از فضای مجتمع و کلاس‌ها استفاده کنند هزینه‌ای ندارند ولی، اگر بخواهند از آنها پذیرایی هم شوند هزینه این پذیرایی به عهده مسئولین خودشان است. - افرادی که از خارج قم می‌آیند و می‌خواهند شب بمانند چطور؟ - طبیعتاً آنجا یک مرکز فرهنگی آموزشی است و از جایی کمک نمی‌گیرد. هزینه‌های آنجا بالا است و ما سعی کرده‌ایم که حداقل هزینه‌ها را بگیریم. البته نسبت به جاهای دیگر قیمت‌ها مناسب‌تر است، طبیعتاً خود گروه‌ها باید هزینه‌های اسکان و غذا را پرداخت کنند.

مجتمع فرهنگی زیارتی یاوران حضرت مهدی

روز جمعه ۱۳۹۲



وبلاگ برتر

خانم بید آبادی



یکی از عرصه‌ها برای کارهای فرهنگی و انتقال فرهنگ مهدویت، وبلاگ و وبلاگ‌نویسی است. وبلاگ‌های زیر برای استفاده دوستان معرفی می‌گردد. تذکر این نکته ضروری است که محتوای این وبلاگ‌ها را دوستان عزیز مهدی یاور با دقت بررسی کنند. و صرف معرفی این وبلاگ‌ها به معنای تأیید تمامی محتوای آنها نمی‌باشد. وبلاگ‌های مهدوی دیگر هم هست که در شمارگان بعدی معرفی می‌شود.

<http://khorshidepenhan.h.mihanblog.com/page/1>

مهدویت و آخرالزمان

<http://akheralzaman.mihanblog.com>

مهدویت

<http://abasaleh1.mahdiblog.com>

ابا صالح ۱

<http://emamshenasi.mihanblog.com>

جوان وانتظار

<http://mahdiya.mahdiblog.com/#comment>

المهدی

<http://deltanghi.mahdiblog.com>

دلتنگی های یاران

<http://besoyezohoor.mihanblog.com>

امام زمان عج شناسی

<http://baghereyhan.mahdiblog.com>

باغ ریحان

<http://marsa.mihanblog.com>

کیمیای محبت

<http://misaghbavelayat.mihanblog.com>

میثاق با ولایت

<http://soldiers.mihanblog.com>

سربازان مهدی

<http://yasahebzan.mahdiblog.com>

اللهم عجل لولیک الفرج

[4296/http://hovallah.mihanblog.com/post](http://hovallah.mihanblog.com/post/4296)

هوالله

[51/http://dinbartar.mihanblog.com/post](http://dinbartar.mihanblog.com/post/51)

دنایای برتر

<http://seiedeziatabar.mahdiblog.com>

بی قرار

<http://madreseentezar.mahdiblog.com>

مدرسه انتظار

<http://seiedeh.mahdiblog.com>

تنهاترین ستاره

<http://agajon.mahdiblog.com>

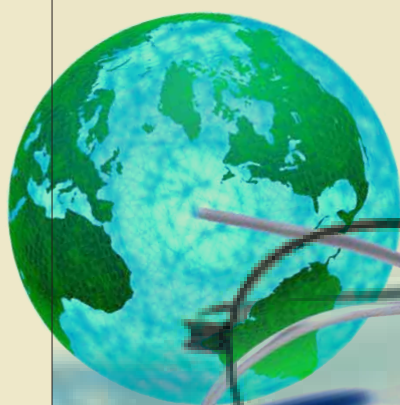
آقاجون خودمه

<http://fa3430.mahdiblog.com>

یاس بهشتی

<http://313noor.mihanblog.com>

بررسی علائم ظهور





تأملی گزارش گونه در کتاب

قبیله تزویر

نویسنده: امیر محسن عرفان

نام کتاب: قبیله تزویر

«باز خوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان»

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

سخن از مدعیان دروغین مهدویت شاید در روزگار ما بیش از هر زمان دیگر مورد توجه قرار گرفته است، به ویژه اگر دوستان ناآگاه و غیربصیر و دست‌های پیدا و پنهان دشمن آگاه و هوشمند و مغرض را در انحراف و تحریف اندیشه مهدویت در طول تاریخ بشناسیم و بدانیم دشمنان اسلام در دوران معاصر، تلاش‌های بسیاری را جهت وارونه و بدون اثر کردن، خشن و خرافی جلوه دادن «اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت» انجام می‌دهند.

کتاب «قبیله تزویر»، در نظر دارد از نظر گاهی خاص به این موضوع بپردازد که عبارت است از «بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان». امیر محسن عرفان نویسنده این اثر در مقدمه، رسالت کتاب را پاسخی درخور به علل و زمینه‌های پیدایش و رشد مدعیان دروغین مهدویت می‌داند و بیان می‌کند:

شناخت و تحلیل ریشه‌ها و علل پیدایش و رشد مدعیان مهدویت یک ضرورت «عقلانی» است تا با از بین بردن «علت‌ها»، معلول‌ها نیز از بین رفته و تدریجاً با ادعاهای پیدا و پنهان در حال وقوع نیز مبارزه شود.

در فصل اول این کتاب با عنوان کلیات به موضوعاتی از قبیل: گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت، مشخصه‌های رفتاری و اعتقادی مدعیان دروغین، راه‌های در امان ماندن از گزند مدعیان دروغین و... اشاره شده است.

از دیدگاه نویسنده این کتاب، عقل‌گریزی، عوام‌زدگی، به کارگیری نصوص متشابه، خودمحوری، سوء استفاده از وضعیت سیاسی و اجتماعی، ادعاهای متناقض و رنگارنگ،

تأویل‌گرایی، عالم‌گریزی و ذوق‌گرایی و... از مهم‌ترین ویژگی‌های مدعیان دروغین است. نگارنده معتقد است اندیشه پیرامون مدعیان دروغین مهدویت با ملاحظات به گونه‌های مختلف تقسیم می‌شود. برخی از این ملاحظات عبارتند از: ماهیت ادعا، نوع ادعا، جغرافیای ادعا، شخص ادعا کننده، مذهب ادعا کننده و سرانجام ادعا.

در فصل دوم این کتاب، نویسنده به بیان عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و چرایی گرایش مردم به آنان پرداخته است و آن را از وجوهی درونی‌تر مد نظر قرار داده است. وی عوامل پیدایش مدعیان دروغین را در سه عامل: عوامل زمینه‌ساز، تسهیل‌کننده و شتاب‌زا یا کاتالیزور بررسی می‌کند. در بخشی



**امیر محسن عرفان نویسنده
این اثر در مقدمه، رسالت
کتاب را پاسخی در خور به
علل و زمینه‌های پیدایش
و رشد مدعیان دروغین
مهدویت می‌داند**



از این فصل آمده: «از دو منظر می‌توان به مدعیان دروغین نگریست. یکی پرداختن به سیر حوادث و وقایع‌نگاری و فرایند زندگی مدعیان و دیگری جست‌وجوی علت یا علل آن. دیدگاه اول به تاریخ مدعیان دروغین می‌انجامد و مجموعه‌ای از وقایع است که از داده‌های آن هیچ‌گاه سخن نمی‌گوید؛ بلکه باید تبیین و تفسیر شوند. حصر توجه به مطالعه تاریخی و عدم توجه کافی به رهیافت‌های دیگر، سبب می‌شود هویت شیء در حیثیت تاریخی آن، پنهان شود و گمان گردد که آن شیء چیزی نیست جز جنبه مکشوف در مطالعه تاریخی. دیدگاه دوم به نظریه‌پردازی در مسئله منجر می‌شود و با کمک آن می‌توان تصویری روشن و تفسیری جامع از موضوع ارائه داد.»

در این کتاب از روش توصیفی تحلیلی و رویکردهای تاریخی - انتقادی استفاده شده و درعین حال تلاش شده تا داده‌هایی را که برای تبیین عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت مفید است، فراهم و برجسته شود. نویسنده سعی کرده تا با رویکردی عامل شناسی، از ذکر تاریخ مدعیان خودداری کند درصدد پاسخ گویی به عوامل پیدایش مدعیان دروغین باشد.

یادآور می‌شود، «قبیله تزویر»، کتاب شایسته تقدیر چهارمین جشنواره علامه حلی علیه السلام می‌باشد. که به شمارگان ۳۰۰۰ نسخه از سوی انتشارات «بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام» منتشر شده است.

پدر

موسی جوانشیرا



آیا می‌دانستید که روز پدر مخصوص ایرانی‌ها نیست؟ بله تقریباً بیشتر کشورهای دنیا یک روزی را به نام روز پدر از مقام پدران تجلیل و تقدیر می‌کنند. مثلاً در آلمان روز عروج مسیح را روز پدر می‌دانند؛ ولی در آمریکا، ایرلند و بریتانیا (شمال ایرلند)، ژاپن مالزی و هونگ کنگ، سومین یکشنبه از ماه ژوئن و در دانمارک روز پنج ژوئن و در لهستان ۲۳ ژوئن روز پدر نامیده شده است. در استرالیا و زلاند نو اولین یکشنبه از ماه سپتامبر را روز پدر می‌دانند. آنها جایزه پدر سال را هم به پدر برگزیده در این کشور تقدیم می‌کنند.

در این میان تنها کشوری که سالروز یک شخصیت مذهبی اسلامی یعنی ولادت حضرت علی (علیه السلام) را روز پدر نامگذاری کرده است، کشورمان ایران است. اما علت نامگذاری چنین روز مهمی به نام پدر چیست؟

این روز در ایران از مقام شامخ پدران تجلیل و از زحماتشان تقدیر به عمل می‌آید. فرزندان برای پدرانشان هدیه تهیه کرده و با محبت تقدیمشان می‌کنند. اما آیا می‌دانید مهم‌تر از هدیه دادن چیست؟

در تمام دنیا شاید فقط به جایگاه مادی و ظاهری پدر توجه شده و از این جایگاه تجلیل و تقدیر شود؛ ولی جایگاه این شخصیت در آموزه‌های دینی ما مقامی بس والا و شامخ دارد.

پدر فقط مأمور بزرگ کردن و تأمین کننده امر معاش فرزند نیست، بلکه علاوه بر این‌ها پدر بر فرزندش ولایت دارد و پذیرش و اجرای فرامینش واجب شمرده شده است. به عنوان مثال شرکت در نماز جماعت مستحب است،



ولی با فرمان پدر این امر بر فرزند واجب می‌شود و در صورت سرکشی اولاد از این امر پدر، عقاب دامن‌گیر فرزند می‌شود.

شاید بتوان گفت که بالاتر و بهتر از هدیه دادن به پدر، درک جایگاه او و احترام به او به عنوان ولی باشد که اگر چنین دیدگاهی پیش آمد، دیگر فرتوتی و مسنی و الزایمر پدر مجوزی برای بی‌حرمتی به او نمی‌شود. آن وقت بی‌حوصلگی و مشغله فراوان ما نیز دلیل بی‌اعتنایی به خواسته‌های او نمی‌باشد. و موارد فراوان دیگر ... که تاسف بار است.

یکی می‌گفت: برادرم چند ماه است که به خانه پدرم نیامده در حالی که پدرم برای دیدار او لحظه شماری می‌کند. وقتی با پدرم صحبت می‌کند گویی با خدمتکار خانه‌اش حرف می‌زند، خیلی طلبکارانه برخورد می‌کند. تنها توقع پدرم این است که کمی به او محبت کرده و توجه بیشتری داشته باشد؛ ولی او به گمان اینکه پدرم توقع کمک مالی از او دارد به او روی خوش نشان نمی‌دهد. از این رفتار او پدرم بسیار دل‌شکسته است. گاهی او جلوی زن و فرزندانش به پدرم توهین می‌کند... و حال آنکه قرآن می‌فرماید: «ولا تقل لهما اف!» به پدر و مادران اف هم نگویند!

آینه عبرت

اما مخالفت با پدر به عنوان یک ولی و بی‌حرمتی نسبت به او عاقبت خوشی ندارد.

نمونه اول: جوانی از ثروتمندان مدینه پدر پیری داشت که احسان به او را ترک نمود و از مال خود او را محروم کرد، پس از مدتی اموالش را از دست داد و دچار فقر و تنگدستی و بیچارگی شد.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آن جوان را دید و فرمود: کسی که پدر و مادر را آزار می‌رساند از حال این جوان عبرت بگیرد. بدانید همان‌گونه که دارائیش در دنیا از دستش رفت و غنا و ثروت و صحتش به فقر و نداری مبدل گشت، در آخرت هم هر درجه‌ای که در بهشت داشت به واسطه این گناه از دست او رفته و در مقابل، درکات آتش برایش آماده شده است!^۱

نمونه دوم: روزی امام علی (علیه السلام) در حال طواف بود که صدای التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او درباره گرفتاریش سؤال کرد. او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. پدرم تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از دنیا رفت. حال من مانده‌ام این پاهای فلج!

امام علی (علیه السلام) به او دعای مشلول را یاد دادند که آن را بخواند. او این دعا را خواند و در خواب دید که پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستی بر پاهای او کشید و او شفا یافت.^۲

نمونه سوم: شیرویه پسر خسرو پرویز پادشاه ساسانی، تصمیم گرفت که پدرش را محاکمه و مجازات کند. پدر ضمن دفاع از خود نامه‌ای به او چنین نوشت: ... مرا بر تو دل همی سوزد که چون تو مرا بکشی، از ملک من نخوری، که همه خلق جهان و همه دین‌ها متفق‌اند که هر کس پدر بکشد، میراث پدر بر وی حرام شود و اگر بگیرد، از آن برنخورد. اما شیرویه از تصمیم خود برنگشت و پس از محاکمه و قتل پدرش، به نام قباد دوم بر تخت پادشاهی نشست و چند ماه سلطنت کرد؛ ولی بعد از چند ماه، به بیماری طاعون درگذشت.

والدین ما توقعشان این است که فرزندانشان بیشتر به آنها احترام بگذارند. بیشتر از آنها حرف‌شنوی و اطاعت‌پذیری داشته باشند؛ زیرا با این کار هم رضایت والدینشان را



تأمین کرده‌اند و هم از آثار زیان بار نافرمانی و بی‌حرمتی به آنان نجات می‌یابند. پیامبر مکرم اسلام ص فرمودند: یک دسته از گناهانی که خداوند در عقوبت آنها تعجیل می‌کند و آنها را به آخرت وا نمی‌گذارد: عاق والدین است.^۴ عاق والدین سبب می‌شود که فرزند از رحمت خدا دور شده، بی برکتی، کوتاهی عمر و سلب توفیق را برایش به دنبال داشته باشد. چنانکه امام رضا (علیه السلام) فرمود: «خداوند عقوق والدین را حرام کرده، زیرا عاق والدین باعث می‌شود که توفیق اطاعت الهی از او سلب شود. و یا امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اگر کسی به پدر و مادرش نگاه ظالمانه بکند، خداوند نمازش را قبول نمی‌کند.

به همین خاطر است که گاهی بزرگان دینی ما نیز به این موضوع واکنش نشان داده اهمیت آن را گوشزد می‌کردند. به عنوان نمونه حضرت سجاد (علیه السلام) پسری را دیدند که در راه رفتن به دست تکیه پدر داده است. آن حضرت بر آن پسر غضبناک شده تا آخر عمرش با او حرف نزد. و یا روزی یکی از وزرا با پدرش برای ملاقات با امام خمینی قدس سره خدمت ایشان رسید. هنگام ورود، خودش جلوتر از پدر وارد شد و دست امام را بوسید. امام فرمودند که این آقا را معرفی نکردید. جواب داد که پدر من هستند. امام با ناراحتی به او فرمودند: پس چرا جلوتر از پدرت وارد شدی؟

رعایت احترام والدین چون از نیکی به والدین و اداء حقوق ایشان رعایت ادب و احترام در معاشرت است، اموری در روایات اهل بیت رسیده که باید در معاشرت با ایشان رعایت شود که به بعضی اشاره می‌شود: ۱. والدین را به اسم صدا نزنند بلکه لقب یا کنیه ایشان را ذکر کنند، یا بگویند بابا، آقا، خانم و مانند این‌ها.

۲. جلو آنها راه نرود و پیش از ایشان ننشیند. ۳. قبل از آنها شروع به غذا خوردن نکند. حضرت سجاد (علیه السلام) با مادر خود هم خوراک نمی‌شد و می‌فرمود می‌ترسم برای لقمه‌ای دست دراز کنم که مادرم قصد آنرا داشته، پس به این عمل رعایت حرمت و ادب او را ترک کرده باشم.

۴. روی خود را از ایشان برنگرداند. ۵. در هنگام سخن گفتن صدای خود را بلندتر از ایشان نکند.

۶. کاری نکنند که مردم، پدر یا مادرش را دشنام بدهند و سب و لعن نمایند.

۷. به روی آنها غضبناک نگاه نکند.

تذکر

ناگفته نماند آنچه گفته شد در صورتی حرام است که ترکش سبب رنجیده خاطر شدن والدین شود؛ مانند اینکه به آنها نفقه و هزینه زندگی‌شان را ندهد تا ناچار شوند مطالبه کنند؛ آنگاه بدهد. چون این مسامحه موجب رنجش آنها می‌شود، واجب است پیش از مطالبه کردن به آنها برساند؛ اما ترک کردن امری که آنها را نرنجانند معلوم نیست که حرام باشد و پاره‌ای از موارد اکرام به والدین از مستحبات شمرده شده است که دوستان ماهدوی برای تعیین مصداق اینها باید به دفتر مرجع تقلید خودشان مراجعه و کسب تکلیف نمایند.

۱. کارشناس ارشد مهدویت.

۲. سفینه البحار.

۳. مفاتیح الجنان، دعای مشلول.

۴. قال رسول الله (ص) ثلاثة من الذنوب تعجل عقوبتها و لا تؤخر الي الاخره عقوق الوالدین.....

پدر فقط مأمور بزرگ کردن و تأمین کننده امر معاش فرزند نیست، بلکه علاوه بر این‌ها پدر بر فرزندش ولایت دارد و پذیرش و اجرای فرامینش واجب شمرده شده است. به عنوان مثال شرکت در نماز جماعت مستحب است، ولی با فرمان پدر این امر بر فرزند واجب می‌شود و در صورت سرکشی اولاد از این امر پدر، عقاب دامن گیر فرزند می‌شود.





سه پرسش مهدوی از حضرت آیت الله مکارم شیرازی

می‌شود و تحریف‌هایی صورت می‌گیرد که وقتی آن حضرت علیه السلام بیاید با آن بدعت‌ها مبارزه می‌کند، تا آن جا که گروهی از مردم تصور می‌کنند که آیین تازه‌ای آورده است.

۳- شخصی از مؤمنین ضمن ادعای ملاقات با امام زمان علیه السلام می‌گوید: «امام عصر مرا مأمور بعضی کارها، مانند ساختن حسینیه، مسجد، و مانند آن کرده است.» وی مردم را به اقتدا نکردن به بعضی از ائمه جماعات، و نپرداختن وجوه شرعی به آنها، تشویق می‌کند، و مدعی است که امام زمان علیه السلام چنین دستوری داده است. شخص مذکور صندوق چوبی در اختیار دارد که چند ورقه قدیمی و پارچه سبز رنگی در آن است. او ادعا می‌کند که آنها را امام عصر علیه السلام به او داده است! مردم برای تبرک جستن به این صندوق به خانه او می‌روند. به گمان این که واقعا صندوق از ناحیه آن حضرت است. بلکه برخی از مردم گمان می‌کنند که منزل این شخص، محل سکونت امام عصر است! وی حتی در نزد بعضی از علما ادعای مذکور را مطرح نموده، و می‌گوید: «می‌توانم سؤالات شما را به امام عصر علیه السلام برسانم!» آیا ادعاهای این شخص درست است؟

جواب: شکی نیست که این شخص انسان بسیار دروغگویی است، و بر همه مؤمنین لازم است او را تکذیب کنند، و هیچ یک از سخنانش را نپذیرند.
منبع: سایت رسمی آیت الله مکارم شیرازی

۱. دیده می‌شود که بعضی از متدینین به هنگام شنیدن نام مبارک حضرت مهدی امام عصر علیه السلام به احترام آن حضرت دست بر سر می‌گذارند، آیا این مطلب در روایتی وارد شده است؟

در روایت معروف دعبل خزاعی شاعر اهل بیت علیهم السلام آمده است که وقتی قصیده مشهور مدارس آیات را خدمت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌خواند، هنگامی که به این بیت رسید:

خروج امام لامحاله خارج

يقوم علی اسم الله والبرکات

امام علیه السلام دست بر سر نهاد و به عنوان احترام برخاست و از خداوند متعال فرج حضرت ولی عصر «روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» را درخواست نمود.

(الغدير، جلد ۲، صفحه ۳۶۱ و منتهی الآمال، باب چهاردهم، فصل ششم)

۲. در روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده‌اند: همین که قائم علیه السلام بپاخیزد امری جدید می‌آورد، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز ظهور اسلام امری جدید آورد، با توجه به این که ما مجتهدین را به عنوان کسانی که در هر دوره زمانی دین را از تحریف حفظ می‌کنند می‌شناسیم و برای دستیابی به احکام درست و صحیح به آنها مراجعه می‌کنیم، تفسیر صحیح این حدیث را بیان کنید؟

جواب: منظور این است که در دین خدا و مفاهیم دینی بدعت‌هایی گذارده



چراغانی و یک تذکر



اشاره

نیمه شعبان که می‌شود شور و شوق زیادی در دل شیعیان ایجاد می‌شود. حتی کوچه‌ها و خیابان‌ها هم به خاطر چراغانی‌های جالبی که در آنها انجام می‌دهند حال و هوای دیگری پیدا می‌کنند. بعضی از کوچه و خیابان‌ها آنقدر زیبا و جذاب می‌شوند که شادی ره‌گذران را دوچندان می‌کند. آنچه باعث شد که این نوشتار میهمان صفحه‌ای از صفحه‌های مجله شود این است که برخی افراد در ایام سرور و شادی اهل بیت (ع) اقدام به گرفتن رشته برق از تیرهای چراغ برق می‌کنند. علاوه بر خطری که این کار دارد دوست داشتیم حکم آن را از نظر شرعی بدانیم و در اختیار علاقه‌مندان مجله قرار بدهیم. به همین دلیل سوالی مطرح شد و از طرف مجله امان به دفاتر مراجع عظام تقلید فرستاده شد. سوال و جواب‌های آن را می‌توانید در ذیل مشاهده کنید.

گاهی مشاهده می‌شود برخی از ارادتمندان و محبان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) برای برگزاری جشن‌های مذهبی (مثل نیمه شعبان و عید غدیر و...) برای چراغانی کردن معابر عمومی، بدون کسب اجازه از شرکت برق منطقه، اقدام به گرفتن رشته برق از تیر چراغ برق می‌کنند. لطفاً در خصوص مسأله شرعی فوق نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

مقام معظم رهبری:

ملاک در این گونه امور، قانون و مقررات مربوطه می‌باشد و باید طبق آن عمل شود.

حضرت آیت‌الله سیستانی:

حضرت آیت‌الله مخالفت قوانین را اجازه نمی‌دهند بلکه اگر ملک شخصی باشد تصرف آن جائز نیست.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

برق گرفتن از تیر چراغ برق بدون اجازه از شرکت برق ولو برای جشن‌های مذهبی باشد، خلاف شرع و حرام است؛ والله العالم.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

برگزاری جشن‌های مذهبی مخصوصاً در اعیاد غدیر و نیمه شعبان کار شایسته و ارزشمندی است، ولی در مواردی که برای چراغانی از برق مربوط به شرکت برق استفاده می‌شود باید با

اطلاع و رضایت مسئولان آن باشد.

حضرت آیت‌الله نوری همدانی:

بر خلاف مقررات حکومت اسلامی، عملی نمودن جایز نیست.

حضرت آیت‌الله اردبیلی:

در مفروض سؤال، جایز نیست، ارادتمندان به اهل بیت (ع) با اجازه و نظارت مسئولین صاحب اختیار مربوط اقدام کنند، کما این که شایسته است متصدیان صاحب اختیار و مسئولین مربوط نیز تحت شرایط و ضوابطی با این کار موافقت کنند.

ای یوسف دور افتاده از کنعان امت اسلام در این شماره بر آنیم غم غربتی که بردل‌های خسته‌مان نشست است را بتکانیم و اشک‌هایمان را نهان کرده، درود و سلام خالصانه خود را خدمت مولا و سرورمان امام زمان ع عرضه کنیم. چرا که سخت است سال‌های سال لحظات را به انتظار بنشیننی تا طلوع خورشید را نظاره‌گر باشی و هر سال ابر تیره غیبت امیدت را ناامید کند. سخت است سالروز تولد آقای خوبی‌ها را در جمکران قلبت جشن‌گیری و اشک‌هایت فقط گلدان گل‌های نرگست را سیراب کند. سخت است اما هر روز از پشت بام سکوت‌مان فریاد خواهیم زد، او خواهد آمد.

دسته گلی برای تو

مولای من! ای یوسف دورافتاده از کنعان امت اسلام! ای قلب تپنده قرآن، ای نور دیده، ای غریب، ای اسیر جهل امت، ای رانده شده از شهر و دیار، ای بادیه نشین غم‌های بی پایان، ای مصداق «اذا ضاقت علیهم الارض بما رحبت». کجایی آقا؟

فاطمه خدا بخش. تهران

- یوسف زهرا ما منتظران، همچون تشنه‌ایم در کویری داغ. کی باشد که بیایی و شربت سرد و گوارایت را بر لب‌های تشنه و خشکیده ما بنوشانی؟ دیر زمانی است که صبح‌های جمعه صدا می‌زنیم: «آین ابن فاطمة الکبری». آیا می‌آید روزی که ندای «انا ابن فاطمة الکبری» را از کنار خانه کعبه بشنویم؟

نجمه السادات دهقانی فیروز آبادی. ابرکوه.



به هر ریشمانی که آویختیم برید.
به هر شاخه‌ای که نشستیم، شکست
و بر هر ستونی که تکیه زدیم، افتاد
تنها تویی که حق محبت را تمام و کمال، ادا می کنی
به ما هم القای محبت بیاموز...

- مسافر

دیشب در امتداد افق، نگاهم خیره مانده بود و هر چه صدایم می زدند گویا
بیدار نمی شدم. نمی خواستم بیدار شوم. غرق در فکر آمدنت بودم. یوسف
فاطمه علیها السلام بیا و این طلسم خیره نگاهم به اشک دیدار باطل کن تا
«متی ترانا و نراک» برای من هم مصداق پیدا کند. سخت است شماتت
دشمنان. سخت است!

م.د

هر آینه به امید ظهور تو، با یک سبید گل نرگس، آمدنت را به انتظار
می نشینم، اما آقای من! چقدر غم انگیز است غروب آدینه، وقتی یک
بغل اشک و بغض و دعا را ضمیمه دلم می سازم. به امید آدینه‌ای دیگر
و ظهور سبز تو.

محمد اصلاحی. صومعه سرا:

مولای من! کاش در همین جمعه می آمدی تا نگاه منتظران را پایان
بخشی.
یا صاحب الزمان! بیا و نرگس‌هایی را که نثار راحت کرده‌ام با قدمت
معطر کن تا تبرکی باشد برای ابدیت. حضورت را با تمام وجود حس
می کنم. بیا و ظهور کن تا با افتخار، تو را به دشمنان نشان دهم و عظمت
تو را به رخ ظالمان بکشم.

اکرم امینی. کرمانشاه

* این جمعه هم گذشت و آقا نیامدی. ای عشق نادیده... این بار هم
نیامدی. ای زیباترین و ای غایب ترین آشکار... تا کی به یادت و به
نامت و بدون حضورت در انتظار بنشینیم و به کدامین مسیر، چشم به
راه بمانیم؟ خوشا روزی که بیایی و مژده حضورت را من... بر زبان برانم
و غلامت شوم.

علی سید صالحی. شهری

سفر اسرار آمیز ۲

حمیدرضا مظاهری سیف



کلام آغازین

سفر رفتن به تنهایی خیلی سخت است، به خصوص وقتی سفری اسرار آمیز در عالمی ناشناخته پیش رو باشد. حتما باید همراهی داشته باشی، همراهی راه آشنا، مونس‌ی که با تو خو بگیرد و وحشت تنهایی را به آرامشی شورانگیز و دلپذیر تبدیل کند.

در یادداشت قبلی (شماره ۴۰ امان) گفتم اگر آماده هستی و تصمیم‌تان را گرفته‌اید که به سفری تحول آفرین بیاید، همراهی را به شما معرفی می‌کنم.

تحول حرکتی است از نقطه کنونی شما، با تمام ویژگی‌هایی که دارید، به سوی نقطه ایده‌آلی که پیش روی شماست با تمام ویژگی‌هایی که می‌توانید داشته باشید. مطمئنم آن نقطه ایده‌آل را الان نمی‌توانید ببینید؛ زیرا سیر تحول از اکنون به نقطه اوج، یک سیر درونی است؛ یک سفر معنوی به سرزمین ناشناخته درون و ما تا پیش از این که پا به این راه بگذاریم هیچ چیز از آن نمی‌دانیم. برای همین، حکیمان بزرگ با داستان‌ها و تمثیل‌های گوناگون راز هستی و خودشناسی را پیچانده‌اند، تا ما به تدریج و با تفکر عمیق و طولانی آن را دریابیم و باورش کنیم. فقط باید بدانید که یکی از ضروریات رفتن به سفر خودشناسی، شناختن همراه است.

همراهی از عالم غیب

همراه شما یک انسان نیست؛

زیرا همراه این سفر باید کسی باشد که با عالم غیب و حقایق و اسرار نهفته هستی آشنا باشد؛ البته انسان‌هایی هستند که با این اسرار آشنا شده‌اند و این راه را رفته‌اند. اما سراغ آنها رفتن، هم برای شما مشکل است و هم برای آنها؛ چون همراه شما باید همیشه با شما باشد و هر وقت خواستید از او پرسید، تا او راهنمایی‌تان کند.

این همراه و راهنمای شما، خدا هم نیست؛ او همه چیز است، همیشه، هر جا، بی‌جا و بی‌گاه با شماست. او آشکارترین راز نهفته و پنهان‌ترین جلوه آشکاری است که می‌شناسید. این خود رازی است که هر چه از آن بگویی بیشتر گم می‌شود، پیداتر و شیواتر از آن است که سروده شود.

راهنمای تو از جنس عالم غیب است؛ او آشنا با اسراری است که تو باید به آنها پی ببری. همواره با توست و می‌توانی روی کمک‌هایش حساب کنی. تو را دوست دارد و برای پیچ و خم‌های وجود تو ساخته شده است. او یک فرشته است، فرشته‌ای که همیشه با توست و می‌توانی او را بشناسی.

او را رقیب می‌گویند. این نامی است که خدا به او داده است. سخنی از دهان تو بیرون نمی‌آید

مگر

این که رقیب آن را می‌داند. از کوتاه‌ترین خیالات پنهان و رویاهای فراموش شده‌ات، از استعدادها و دلبستگی‌هایت، از کارهایی که می‌کنی و نمی‌کنی و از آنچه بودی و خواهی بود، به اذن خدا خبر دارد. راهنمایی بهتر از او برای یک سفر معنوی به اعماق ناشناخته وجودت پیدا نمی‌کند. او با تو سخن می‌گوید و همیشه این کار را کرده است، اگر چه تا کنون نمی‌شناختی‌اش. پیش از آنکه او را بشناسی، تو را می‌شناخته، به تو عشق می‌ورزیده و مشتاق دیدارت بوده است.

ما با قلبمان می‌توانیم فرشته راهنمایمان را ببینیم درست همان طور که صدایش را می‌شنویم.

شنیده‌ای، اما نشناختی!

شاید با خود فکر کنید که من تاکنون صدای فرشته‌ام را نشنیده‌ام. این یک اشتباه بزرگ



**سیر تحول از اکنون
به نقطه اوج، یک سیر
درونی است؛ یک سفر
معنوی به سرزمین
ناشناخته درون و ما تا
پیش از این که پا به این
راه بگذاریم هیچ چیز از
آن نمی‌دانیم.**

است. شنیده‌ای، اما نشناخته‌ای! باور نمی‌کنی؟
تاکنون شده که اشتیاق زیادی به یک کار
خوب پیدا کنی، به یک بخشش بزرگ، به یک
نیایش و عبادت شورانگیز، یا رفتن به زیارتی
سرشار از عشق و شیدایی. حتما این تجربه‌ها
را داشته‌ای، ولی از خودت نپرسیده‌ای که
این چه انگیزه و اشتیاقی است که تا این حد
مرا بی تاب کرده است؟ پاسخ این است که
فرشته‌ات در حال گفتگو با قلب توست، او
تو را برانگیخته و هدایت می‌کند. امام صادق
فرموده‌اند: «قلب انسان دو گوش دارد. در گوش
سمت چپ شیطانی است که به کارهای
بد دعوت می‌کند و در گوش
سمت راست فرشته‌ای
که به

کارهای خوب دعوت می‌کند.»
آیا تا کنون شده‌ای بعد از یک عبادت و نیایش
دلپذیر، پس از یک توسل شورانگیز یا حضور
در اجتماعی معنوی، سرور و سبکی باشکوهی
را در خود احساس کنی؟ گویی روی زمین
راه نمی‌روی، قلبت فراتر از سینه‌ات می‌تپد،
پرواز می‌کنی، زمزمه می‌کند، می‌سراید و
شادمان است.

معنای این تجربه چیست؟ چرا چنین احساسی
پدید می‌آید؟ در حقیقت این احساس شادمانی
و سبکی باشکوه، اثر حضور فرشتگان است.

حضور هرچه نزدیک‌تر و بیشتر آنها در قلب تو، این تجربه جذاب را پدید آورده است. آنها بعد از یک کار خوب از تو قدردانی می‌کنند و نتیجه‌اش احساس سرور و عشق و آرامش عمیق است. اگرچه تو آنها را نمی‌بینی، نمی‌شنوی و هیچ توجهی به آنها نداری، اما حضورشان و کلامشان اثر خودش را می‌گذارد و تو را به سوی خدا و خوبی‌ها پیش می‌برد و مشتاق می‌سازد. پس دلت صدای فرشته را می‌شنود و تو اثر آن را احساس می‌کنی، اما او را نمی‌شناسی و به خاطر ناآگاهی متوجه صدایی که می‌شنوی، نیستی فقط اثرش را در خودت احساس می‌کنی؛ یک تجربه شیرین و خوشایند معنوی و گامی به سوی خداوند. این اثر کلام فرشته درون توست.

فرشته‌ات را بشناس

فرشته‌ات را بشناس. اگر می‌خواهی راه معنوی و سفر اسرار آمیز را تا رسیدن به اوج آغاز کنی، باید او را بشناسی، صدایش را به خوبی تشخیص دهی و بتوانی بین دعوت او و دعوت‌های شیطانی که به قلبت می‌آید فرق بگذاری. اگر فرشته‌ات را بشناسی، می‌توانی به راحتی وعده‌ها و هیجانات شیطانی را که در قلبت وسوسه می‌کنند، تشخیص دهی و آنها را کنار بگذاری. فرشته‌ات تو را یاری خواهد کرد.

معیارهای شناختن آنچه شیطان می‌گوید با آنچه فرشته در دلت نجوا می‌کند، بسیار روشن است. شیطان به سوی زشتی‌ها و پلیدی‌ها فرا می‌خواند و فرشته به سوی خیر و پاکی. به راحتی می‌توانی این دو صدای متضاد را در قلبت بشنوی و راه را از بی‌راهه تشخیص دهی؛ البته آموزش‌های پیامبر و شریعت او نیز راهنما و هدایت‌گر توست تا اگر در غوغای درونت تردیدی پیدا کردی، آن تعالیم مانند معیاری روشنی و مشعلی

فروزان راه را روشن کند. مهم این است که بخواهی و صادق باشی. با آنچه تا کنون شنیدی، تنها کسی که می‌تواند تو را بفریبد و از سفر اسرار آمیز به دنیای معنویت منحرف کند، خودت هستی.

بنابراین با خودت، با فرشته‌ات، با خدا روراست باش. هیچ چیز را توجیه نکن تا خطایت را خوب ببینی و انجاش دهی و اگر خطایی کردی توجیه نکن به خیال اینکه با این شیوه خود را پاک کنی. با این کار، پس از مدتی شاید دیگر نتوانی صدای شیطان را هم از صدای فرشته درونت، تشخیص دهی. اگر خودت را فریب دهی، درها بسته می‌شود، راه‌ها به بن بست تبدیل می‌شود. هر کس ممکن است اشتباه کند. اگر خطایی پیش آمد، توبه کن، برگرد، توجیه نکن. آنچه میان تو و همراهت فاصله می‌اندازد، خطایی نیست که به اشتباه از تو سر می‌زند. بلکه انکار خطا، خود فریب و بی‌صداقی است. در صورتی که صداقت داشته باشی، اگر هم خطا کنی، همراهت را از دست نخواهی داد و او به تو کمک می‌کند که بازگردی و جبران کنی.

معرفی کتاب راز فرشتگان

احساس می‌کردم سخنانی در سینه دارم، واژه‌هایی از قلبم می‌جوشید که باید جاری می‌شد، تا همه مردم آن را ببینند و بشنوند و بخوانند. نوشتن رمان انتخاب من نبود. حقیقت این است که خود این معانی و واژه‌ها دست به انتخاب زدند و به صورت رمان درآمدند. در ابتدا که دستم به کار رفت و شروع به نوشتن کردم گمانم این بود که یک داستان کوتاه در حدود ده یا بیست صفحه‌ای در دلم نهفته که می‌خواهد متولد شود؛ اما همین‌طور که پیش رفتم دیدم این قصه سر دراز دارد. در این رمان رویدادهای عالم فرشتگان و





عالم انسانی به موازات هم پیش می رود و از این رهگذر، اسرار آسمانی و ریشه‌های معنوی ماجراهای دنیوی آشکار می‌شود. به این ترتیب تخیل همچون آیینی در برابر واقعیت قرار گرفته و همین ویژگی «راز فرشتگان» را به یک رمان عرفانی و معنوی تبدیل کرده است. متن زیر، بخشی کوتاه از این کتاب است:

... آدم گفته حوا را تأیید کرد و گفت: «تو هدیه خداوند به من هستی و من با دیدن تو به یاد خدا می‌افتم و شکرگزاری می‌کنم.» فرشته‌های نگهبان از این که توانستند به آدم و حوا کمک کنند تا بر وسوسه شیطان غلبه یابند، شادمان شدند. اما شیطان هم خوشحال بود، چون توانسته بود چند لحظه آدم و حوا را از یاد خدا غافل کند و به جای شادی و شهادتی که نتیجه یاد خداست، هراس و اندوهی موهوم که نشانه وسوسه‌های شیطان است، بر دل آنها اندازد. مدت‌ها گذشت. روز دیگری آدم برای گشت و گذار در بهشت رفته بود و مدت زیادی طول کشید تا بر گردد. شیطان نیز همواره آماده بود، پیش از بازگشت آدم، ترس از جدایی را دوباره در دل حوا انداخت. باز حوا نگران شد که مبادا آدم را از دست بدهد. در همین هنگام آدم به حوا رسید و نگرانی را در چشمان او دید. نگرانی حوا به آدم منتقل شد و باز آن دو لحظه‌ای از یاد خدا غافل شدند. فرشته‌های نگهبان با سرعت دست به کار شدند و یاد خدا را بر دل آنها الهام کردند. آرامش به قلبشان بازگشت، اما شیطان خوشحال بود.

شیطان چند بار دیگر نیز ترس و اندوه از جدایی را در دل آدم و حوا انداخت. گاه موفق می‌شد و گاهی ناکام می‌ماند. پس از مدتی یک بار که شیطان باز موفق شد لحظاتی یاد خدا را از دل‌هایشان ببرد و ترس و اندوه

را بر جان‌شان بیندازد با خود گفت حالا وقت اجرای نقشه اصلی فرار رسیده است. روز بعد شیطان آمد و به آدم و حوا گفت: «از این درخت بخورید تا برای همیشه در کنار هم بمانید و در بهشت زندگی کنید. این درخت جاودانگی است.»

آدم و حوا با خود اندیشیدند که اگر در آن درخت خیری می‌بود، خداوند ما را از آن محروم نمی‌کرد. آنان می‌دانستند که بهشت جای آنها نیست و باید در زمین با رنج و تلاش زندگی کنند.

شیطان به قلب آنها گفت: «اگر از بهشت بروید و زمینی زندگی کنید، رنج‌ها و مشکلات زمین شما جدایی می‌اندازد. باید راهی پیدا کنید که مثل فرشته‌ها در بهشت بمانید و هیچ‌گاه به زمین نروید.»

آدم با خود گفت: «بی‌شک زندگی زمینی به نفع ماست که خداوند خواسته است آنجا زندگی کنیم و فقط مدتی کوتاه در زندگی بهشتی باشیم.»

شیطان: «خدا نمی‌خواهد شما مثل او شوید و در بهشت بمانید.»

آدم که فهمید این افکار را شیطان بر دل او می‌اندازد با خشم و تندی گفت: «ما بندگان ضعیف و مخلوقات کوچک خداوند بزرگ و بخشنده‌ایم و هیچ شباهتی میان ما و او نیست. او خداست و ما بنده‌ایم؛ خواست او تمام زندگی ماست و عشق او ما را در انجام وظایفی که بر عهده‌مان گذاشته، تسلیم می‌کند.»

شیطان دید که زیاده روی کرده و دیگر نمی‌تواند به وسوسه‌هایش ادامه دهد. پس دست برداشت و تصمیم گرفت بار دیگر با دقت بیشتری عمل کند...



رازها و روزها

معصومه سادات میرغنی



۲۲ خرداد

ولادت امام حسین (ع)

خبر تولد نوزاد، مدینه را غرق در نور و سرور کرد. پیامبر (ص) اسماء بنت عمیس را صدا کرد و فرمود: «بیاور فرزند مرا ای اسماء» اسماء نوزاد را در پارچه سفیدی پیچید و نزد حضرت برد. رسول خدا نوزاد را در دامن خود گذاشت و در گوش راستش اذان و در گوش چپ او اقامه گفت. لحظاتی بعد جبرئیل نازل شد و گفت: «حق تعالی تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید که چون علی (ع) نسبت به تو به منزله هارون است نسبت به موسی (ع) پس او را به اسم پسر کوچک هارون نام کن که شبیر است و چون لغت تو عربی است، او را حسین نام کن...» پیامبر (ص) نوزاد را بوسید. قطرات اشک از چشمانش جاری شد.

۲۴ خرداد

ولادت امام سجاد (ع)

به فرزندانش سفارش کرد: «این مرد از کار برکنار شده و برای پاسخگویی نسبت به رفتارش با مردم نگه داشته شده است. کسی از شما حق ندارد معترض او گردد.» همه می‌دانستند که هشام بن اسماعیل، با امام و پیروانش چه رفتار ناپسندی داشته است. یکی از فرزندان حضرت اعتراض کرد: «اما برای چه؟ پدرجان! ما منتظر چنین روزی بودیم تا از او انتقام بگیریم.» نگاهشان کرد و با مهربانی پاسخ داد: «پسر! او را به خدا واگذار تا هر آنچه صلاح می‌داند با وی کند.» به هشام نیز فرمود: «به وسیله ما برای هر که خواستی کمک بخواه تا از او برای رضایت بخواهیم.» هشام سر به زیر انداخت و گفت: «به راستی که خداوند بهتر می‌داند رسالتش را در کدام خانه (خاندان) قرار دهد.» و به یاد رفتارهای ناپسند خود افتاد و شرمندگی تمام وجودش را فرا گرفت.

۲۳ خرداد

ولادت حضرت عباس (ع)

حضرت علی (ع) نوزادش را در آغوش گرفت. او را بویید و بوسید و فرمود: «عباس (ع) در پیشگاه خداوند داری مقام بسیار ارجمندی است. خداوند به جای دستان او که در دفاع از دین خدا از پیکر جدا می‌شود، به او دو بال خواهد داد و او با آن دو بال بسان جعفر طیار در فضای بهشت چونان فرشتگان پرواز می‌کند.»

۱۴ خرداد

رحلت امام خمینی (ره)

و انتخاب مقام معظم رهبری (ع)

وضع جسمانی امام خوب نبود. خیلی از مسئولین برای عیادتش به بیمارستان می‌آمدند. مسئولین سه قوه، دور تختش ایستاده بودند و نگرانی در چهره تک تک آنها دیده می‌شد. امام خمینی با آرامش همیشگی خود به آنها لبخند زد و فرمود: «خلاً رهبری پیش نمی‌آید. شما آدم دارید.»

با تعجب و کنجکاوی پرسیدند: «چه کسی؟» با دست به رو به رویش اشاره کرد و ادامه داد: «همین آقای خامنه‌ای! با وجود آقای خامنه‌ای چرا این قدر تردید به خود راه می‌دهید؟... الحق، ایشان شایستگی رهبری را دارند. ایشان اجتهادی را که برای ولی فقیه لازم است، دارد.»

آیت‌الله مهدوی کنی: «این الهامی بود از الهامات الهی و هدایتی بود از هدایت معنوی روح حضرت امام.»

آیت‌الله میرزا هاشم آملی: «انتخاب شایسته شما از سوی مجلس خبرگان، موجب امید و آرامش گردید، چرا که شما شخصیتی متفکر، عارف به اسلام و صاحب درایت و تدبیر هستید.»

آیت‌الله صالحی مازندرانی: «حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بهترین، پاکیزه‌ترین و گواراترین ثمرهای است که شجره طیبه مجلس خبرگان به امت اسلامی تقدیم کرده است. کسی انتخاب شد که مرد دیانت و سیاست و مرد جهاد و اجتهاد است و از شجره طیبه رسالت و ولایت می‌باشد.»

۳۰ خرداد

ولادت حضرت علی اکبر (علیه السلام)

نزد والی مدینه رفته بود تا پیغام پدر را به او برساند. والی مدینه پس از شنیدن سخنان حضرت، پرسید: نامت چیست؟ فرمود: علی! والی پرسید: نام برادرت چیست؟ فرمود: علی! والی با عصبانیت گفت: علی، علی، علی! پدرت چه می‌خواهد که نام همه فرزندان را علی می‌گذارد؟

علی اکبر خداحافظی کرد و نزد پدر شتافت. ماجرا را تعریف کرد و کلام والی را بازگو نمود. امام حسین (علیه السلام) با مهربانی به چهره جوانش نگریست. به علی اکبرش لبخند زد و پاسخ داد: «والله اگر پروردگار دهها فرزند پسر به من عنایت کند، نام همه آنها را «علی» و اگر دهها فرزند دختر به من عطا نماید، نام همه آنها را نیز «فاطمه» می‌گذارم.» دل جوان از شنیدن کلام پدر، شاد شد.

آیا خداوند در قرآن مجیدش نفرموده است: به درستی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان اختیار فرموده، بعضی را بر برخی برتری داده است و البته خداوند شنوا و داناست». این اولین خطبه بعد از ظهور است.

در خطبه دوشم، پس از خواندن نماز عشاء با صدای بلند فریاد می‌زند: «ای مردم عالم! شما را متذکر و متوجه خداوند متعال می‌کنم و نیز ایستادنتان را در مقابل خداوند و اینکه او حجت خود را به وسیله ارسال پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی بر شما تمام کرده است و امر فرموده که او را به یگانگی یاد کنید... من شما را به چهار اصل حیاتی دعوت می‌کنم: ۱- ایمان به خداوند بزرگ و اطاعت از دستوراتش ۲- اعتقاد به رسول اکرم - که درود خدا بر او باد - و فرمانبرداری از آن حضرت. ۳- عمل به قرآن و احکام سعادت بخش آن. ۴- نابود ساختن باطل و مبارزه با آن و زنده کردن سنت‌های از بین رفته اسلام و بازگرداندن آنها به جای اولیه خود».

و در خطبه سومش، پس از حمد و سپاس خدا و دادن نشانه‌های خویش به مردم، صحف آدم و نوح و ابراهیم و تورات و انجیل و قرآن را از حفظ می‌خواند و پیروان هر دین، آن کتاب را به تمامیت تأیید می‌نمایند.

۶ تیر

وفات حسین بن روح [نائب سوم امام زمان (عج)]

مرد، شمش‌های طلایش را به حسین بن روح تقدیم کرد. نائب نگاهی به کیسه کرد و از میان شمش‌ها، یکی را بیرون آورد و گفت: «این شمش مال ما نیست!» مرد چیزی نگفت: تنها به یاد آورد که شمش را در میانه راه، در سرخس در بیابانی گم کرده و به جای آن، شمش دیگری گذاشته بود. نائب ادامه داد: آن شمش را که جزء مال ما بود، در سرخس، موقعی که میان ریگستان خیمه زدی، گم کردی. به همان محل برگرد و آن را جستجو کن که آن را خواهی یافت.» مرد از علم غیب نائب متحیر شده بود. تمام فکرش پیش شمش بود. خواست خداحافظی کند که نائب گفت: به آنجا برگرد، ولی دیگر مرا نمی‌بینی!»

مرد افسار شتر را کشید و بر آن سوار شد.

۳ تیر

ولادت حضرت مهدی (عج)

«ای مردم! هر کس در ارتباط با حضرت آدم با من مجادله کند، بداند من از او به آدم اولی ترم و هر که در رابطه با شخصیت نوح با من مجادله کند، من بر او نسبت به نوح مقدم هستم و هر کس بخواهد در ارتباط با ابراهیم با من مجادله کند، من از او نسبت به ابراهیم برتری دارم و اگر کسی بخواهد با شخصیت محمد - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - با من مجادله کند، مسلماً من نسبت به حضرت محمد از او احق و اولی هستم و هر کس که بخواهد در ارتباط با بقیه انبیاء و فرستادگان خداوند به مجادله برخیزد، من بر او نسبت به انبیاء تقدیم دارم.

۱۱ تیر

شهادت آیت الله محمد صدوقی

چند وقت بود که بعد از نماز جماعت، جوانان در مسجد می‌ماندند. دورهم می‌نشستند و درس می‌خواندند. گاهی میان درس خواندن و سؤال پرسیدن هایشان، صدای خنده آنها بلند می‌شد. مدتی که گذشت، حوصله بزرگترها و پیر مردها سررفت. دور هم جمع شدند و برای آیت‌الله صدوقی نامه‌ای نوشتن و خواهش کردند که: «مسجد خانه خداست نه جای بی‌ادبی! فکری به حال این جوان‌ها بکنید که به مسجد نیایند».

آیت‌الله صدوقی با ناراحتی به آنها پاسخ داد: «بگذارید جوان‌ها با مسجد انس بگیرند و آشنا شوند. مسجد که فقط برای کهنسالان و بازنشستگان نیست. این‌ها امید کشورند. روزی می‌آید که این‌ها چرخ عظیم اجتماع را به حرکت در می‌آورند».

مدتی بعد، جمعیت جوان‌های در مسجد چند برابر شد، طوری که در جلسات دعا، تنها شصت جوان دیده می‌شد که همگی از مبارزین انقلاب اسلامی گشتند.

۱۹ تیر

وفات عثمان بن سعید
[نائب اول امام زمان]

از اهل قریه عسکر سر من رای بود و به او سمان می‌گفتند، زیرا روغن فروشی می‌کرد. اموالی را که مردم برای امام حسن عسکری می‌آوردند، داخل خیک روغن می‌گذاشت و در آن را محکم می‌بست. دشمن فکر می‌کرد او در همه حال دارد خیک پر از روغن را حمل می‌کند. خیلی از امانات مردم را این گونه به دست امام عسکری رساند. بعضی از یاران امام که نمی‌توانستند هر روز حضرت را ببینند، از این امر شکایت کردند که: گاهی از فیض حضور شما محروم هستیم. در این اوقات، سخن چه کسی را بپذیریم و از چه کسی پیروی کنیم؟»

حضرت نگاه پر محبتی به عثمان که در کنارش ایستاده بود کرد و فرمود: «این عثمان بن سعید؟ مردی موثق و امین است. آنچه وی برای شما نقل می‌کند، از طرف من می‌گوید و آنچه به شما می‌رساند، از جانب من می‌رساند».

۲۸ تیر

وفات حضرت خدیجه

پیامبر در اتاق نشسته بود که صحبت از خدیجه به میان آمد. آشفته‌گی بسیاری چهره حضرت را فرا گرفت و قطرات اشک بر گونه‌اش جاری شد. اهل خانه با تعجب او را نگریستند. یکی از همسران پیامبر پرسید: «چرا گریه می‌کنی؟ آیا برای یک پیر زن گندمگون از فرزندان اسد، باید گریه کرد؟» حضرت با آرامش بسیار فرمود: او هنگامی که شما مرا تکذیب می‌کردید تصدیق کرد و هنگامی که کافر بودید، او به من ایمان آورد... سوگند به خدا هیچگاه بهتر از خدیجه نصیبم نشد. او هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می‌کردند و هنگامی با ثروت و تمام وجودش به یاری من شتافت که دیگران مرا محروم ساختند».

حضرت دستور داد گوسفندی را ذبح کنند و از گوشتش برای دوستان خدیجه بفرستند. علت را پرسیدند، فرمود من دوست خدیجه را دوست دارم».

پیامک مهدوی



اشاره:

اگر کمی زرنگی به خرج بدهیم می‌توانیم از طریق راه‌های ساده و بی‌دردسر، دل دوستان را با وجود مقدس امام زمان عج گره بزنیم. یکی از این راه‌های بی‌دغدغه و آسان، فرستادن یک پیامک مهدوی به دوستان و آشنایانمان هست که با این کار عطری و بوی گل نرگس در فضای دل دوستانمان جاری می‌شود. پیامک‌های این صفحه نیز هدیه شما دوستان، به مجله امان است.

پیامک‌های پیشنهادی:

آمدنت تمام غنچه‌های ناشکفته عالم را شکوفا می‌کند.

گل نرجس!

بیا که نرگس‌های عالم، چشم به راه آمدنت هستند.

یا صاحب الزمان رمز ظهور تو ترک گناه و یکدلی و دعای ماست!

ای منتظران گنج نهان می‌آید

آرامش جان عاشقان می‌آید

بر بام سحر طلایه داران ظهور

گفتند که صاحب الزمان می‌آید

با آمدنت قرار می‌آید باز

سرسیزی این دیار می‌آید باز

می‌آیی و با طنین سبز قدمت

گل پوش‌ترین بهار می‌آید باز

شعبانیه در شیعیه بود آب حیات
نازل شده بر امت خاکی برکات
از ساجد و عباس و حسین بن علی
تا قامت دلربای مهدی صلوات

امشب ز کرم حق گهری داد به نرجس
وز برج ولایت، قمری داد به نرجس
خوش باش که حق بال و پری داد به نرجس
بر خیز که زیبا پسری داد به نرجس

نیمه شعبان سرود زندگی است
نیمه شعبان فرار از بردگی است
نیمه شعبان سلامی از خدا
بر همه افراد شهر بندگی است

باز گیتی پای تا سر، مطلع الانوار شد
مطلع الانوار، گیتی از جمال یار شد
نیمه شعبان رسید و مولد مهدی بود
آن شهی کو خاک راهش گلشن ابرار شد

سحرگاهان نسیمی عیسوی دم
مشام خاکیان را کرد خرم
گلی در ماه شعبان زاد نرگس
که شعبان شد ز میلادش معظم

پیامک‌های ارسالی:

بی تو دلگیر است عصر جمعه‌ها
بوی نرگس می‌دهد پس کوچه‌های شهر ما
۰۹۳۰***۴۵۶۴

امام منتظر یاور ندارد

اگر دارد به جز داور ندارد

چنان ظلمت گرفته روی دل‌ها

وجودش را کسی باور ندارد

۰۹۱۸***۵۴۷۸

مانده‌ام با غم هجران نگارم چه کنم

عمر بگذشت و ندیدم رخ یارم چه کنم

چشم آلوده کجا، دیدن دلدار کجا

چشم دیدار رخ دوست ندارم چه کنم

۰۹۱۹***۴۳۰۹

زمین دلتنگ و مهدی بی‌قرار است

فلک شیدا، پریشان روزگار است

۰۹۱۲***۶۵۷۸

دلا، آدینه شد، دلبر نیامد

غروب انتظارم سر نیامد

۰۹۱۲***۲۱۲۳

مست عشقم، مست شوقم، مست دوست

مست آن دلبر که عالم مست اوست

۰۹۱۵***۳۵۸۹

گر نیایی تا قیامت انتظارت می‌کشم

منت عشق از نگاه پر شرارت می‌کشم

ناز چندین ساله چشم خمارت می‌کشم

تا نفس باقیست اینجا انتظارت می‌کشم

۰۹۱۷***۹۹۳۲

باید از خویش بپرسیم: که چرا حجت حق، خیمه را

امن‌تر از خانه ما می‌داند؟

۰۹۱۴***۲۳۹۱

چه انتظار عجیبیست!

همه منتظریم تا از نیامدنش عصرهای جمعه گریه

کنیم!

و او تنهای تنهاست!

آیا به راستی به آمدنش امیدواریم؟

۰۹۳۶***۴۳۶۸

تنها دعا نمی‌کنم که بیایی چون همه می‌دانند

که می‌آیی. دعا می‌کنم که وقتی آمدی چشم‌مانم

شرمسار نگاه مهریانت نشود...

۰۹۳۵***۲۱۸۹

ما منتظران دست دوم هستیم

عمریست اسیر حرف مردم هستیم

این شکل جدید انتظاری کهنه است

درگیر همین سوء تفاهم هستیم

۰۹۱۸***۳۲۸۸

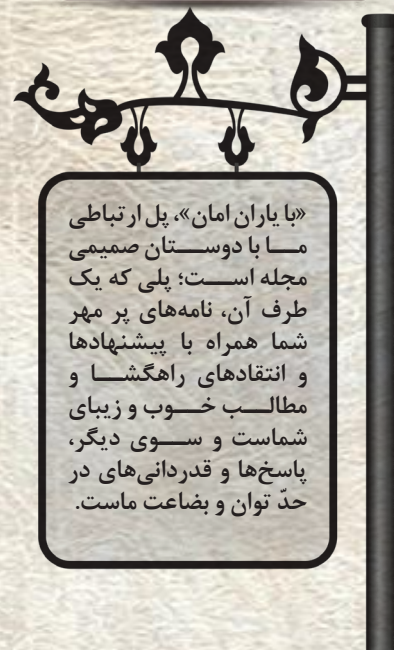
خدا کند که بیاید مسافری که نیامد

و کوچه کوچه بنام به عابری که نیامد

شکست بغض غرورم در انتظار عزیزی

دعا کنید بیاید، مسافری که نیامد

۰۹۱۲***۳۳۲۹



«با یاران امان»، پل ارتباطی ما با دوستان صمیمی مجله است؛ پلی که یک طرف آن، نامه‌های پر مهر شما همراه با پیشنهادها و انتقادهای راهگشا و مطالب خوب و زیبای شماست و سوی دیگر، پاسخ‌ها و قدردانی‌های در حد توان و بضاعت ماست.

کلامی با آقا

اکرم بهرامی. کبودر آهنگ

* ای عزیز! ای خورشید رخ کشیده در پس ابر! ای سفر کرده هجران گزیده! تا کی تو همچنان در غیبت و ما این چنین در هجران؟ جان جهانی نثار قدومت باد. آیا هجران امروز ما به فردای وصال تو نمی‌رسد؟

سمیرا پنجعلی اصل. اردبیل

* آسمان را بنگر دلش گرفته است. به خاطر تو می‌گردد. اشک‌هایش آن به صورت تگرگ‌هایی بر دل زمین می‌بارد. زمین را سیراب می‌کند؛ ولی خسته نمی‌شود. دلش باز نمی‌شود. هر چه بیشتر می‌گرید بیشتر دلش هوای یار را می‌کند. پس ببار و دلت را سبک کن.

پیشنهاد:

لیلا قاسمی فرد، زنجان

* بهتر است در کنار این مطالب خواندنی، از مسائل و خبرهای روز کشورمان هم در مجله‌تان استفاده کنید.

محمد پور عزیز. قم

* انتظار دارم که دست‌اندرکاران این نشریه تلاش‌شان را بیشتر کنند و در زمینه موضوعات گوناگون دیگر نیز مطالبی ارائه دهند. مثلاً در زمینه‌های روان‌شناسی و کسانی که در آخرازمان ادعای امامت می‌کنند و شرایط زندگی و رفتارهای آنها.

حمیده گلستانی. زرنده

* کیفیت عکس‌ها و تصاویر داخل مجله را بالا ببرید.

لیلا همتیان. کرمانشاه

* در رابطه با ادیان دیگر و نظرات دانشمندان اسلامی و غربی مطالبی چاپ و نقد و بررسی شود.

حمید تقی‌پور. تهران

* در صورت امکان از متخصص‌های امان بخواهید دعای ندبه را - که مخصوص امام زمان (عج) است - به صورت تفسیر بیان کنند.

علیرضا امان خواه

* اگر مقدور است مطالب بیشتری از تربیت فرزندان بر حسب رده سنی و نحوه آشنا کردن آنها با مفاهیم دینی بنویسید.

مهدی حیدری. شهر قدس

* بالای هر صفحه یک حدیث، حکمت یا نکته اخلاقی بیاورید. (نهج البلاغه بهترین گزینه است.)

* بیشتر، روش‌های کاربردی برای انتظار کشیدن درست را آموزش دهید.

منظر زمانی. لنگرود

* کسانی هستند که استعدادها خاصی در زمینه مقاله‌نویسی و حتی گرایش‌های

دیگر هنری دارند؛ ولی فرصت شکوفایی ندارند، این مجله راه را برای شکوفاشدن آنها و بهره‌مندی بقیه دوستان باز گذاشته است و بهترین راهش هم همین صفحه خالی پست جواب قبول است که دوستان علاقمند، می‌توانند مقاله‌ای کوتاه را نیز به دست‌های یاران امان برسانند.

رقیه هادی‌پور. قزوین

* در قسمت قاصدک بهتر است نامی برای خودتان انتخاب کنید. مثلاً «حاجی امانی» تا مخاطب‌ها، شما را با آن نام صدا بزنند یا پیامک بزنند.

* بهتر است در سیستم پیامکی ارتباط دو طرفه باشد.

مریم وفایی. اصفهان

* صفحه‌ای را به پرسش منتظران و پاسخ‌های کوتاه استادان و کارشناسان مهدوی اختصاص دهید.

* از مراکز دیگر مهدویت، اخبار و اطلاعاتی درج نمایید.

محمدحسن اسلامبولچیان. تهران

* از دعاهایی که مربوط به صحیفه مهدوی است استفاده کنید.

* انتظارات امام زمان (عج) را از شیعیان شرح دهید و نظر ایشان را نسبت به شیعیان واقعی در هر شماره بیان کنید.

فربا چیقلو. ابهر

* اگر درد دل با امام زمان (عج) و درد دل با شهدا داشته باشید خیلی بهتر می‌شود.

* امیر محمد محکم. تبریز

* مصاحبه با خانواده شاعر مرحوم آغاسی و مرحوم کافی پیشنهاد می‌شود.

انتقاد:

میلاد عچرش. اهواز

* قالب طراحی نشریه ثابت نیست و مدام در صفحات مختلف تغییر می‌کند.

* مطالب در دسته بندی جامعی نمی‌گنجد و به صورت کشکولی است. مثلاً می‌توان



نامه‌های شما را خواندیم...

(اسامی به تفکیک استان / شهر می‌باشد)

استان آذربایجان شرقی:

بخشایش: سلیمان سیف‌الهی بخشایش.
تبریز: امیر محمد محکم، سکینه بابایی.
مرند: فاطمه کشکسرای‌زاد.

استان آذربایجان غربی:

ارومیه: امیر نظامی، محمد اکبریان‌آذر.
علمدار، کبری و نسرين حسن شیخ‌پرست.
استان اردبیل:
اردبیل: اکرم و ثوقی ایرانی، عبدالعظیم
نواختی مقدم، بهروز مرادپور.

استان اصفهان:

اردستان: نورالله شمسایی زفرقندی.
اصفهان: اکرم رحیمی (دونا مه)، نرگس
حاتم‌پور جزی، محمد کریمزاده، مریم
علی خاصی، فاطمه جلالی، زهرا زرگران.
مریم خلجی، سمیه قجاوند، نجیمه آستیکی.
ملیحه راستی.
بادرود: حسین علافی.
جرقویه سفلی: مریم، حسین، علی اکبر و
زهرا طاوسی، فاطمه شفیعی.
خمینی شهر: الهام خالویی خوزانی.
فلاورجان: رضا یزدانی (دونا مه).
کاشان: طاهره اسماعیلی کاشی (دونا مه).
فاطمه حسن شیر، علی محمد مزروع.
لنجان: پری سادات هاشمی، فاطمه امیدی.
مبارکه: هاجر صادقی سرارودی.
نجف آباد: عزت منتظری (دونا مه)، مرضیه
کوخانی، منور دانه‌زن، رضا مهدیان.

— صفیه آشوری. کبودر آهنگ

* به نظر ما مشاعره مهدوی در بالای صفحه بسیار جالب بود از هر نظر؛ هم محتوا و هم زیبایی و زینت.

— رقیه هادی پور. قزوین

امان این آخری‌ها زیباتر شده است. عوامل آن دغدغه‌مندتر شده‌اند. خوش به سعادتتان! کاش این حس به ما هم منتقل شود.

— سیده شریفه کریمی نژاد

نشریه شما به لطف خدا جای خود را بین صدها نشریه به صورت عالی باز نموده و همه این‌ها مرهون ارادت شما به آستان مهدی فاطمه و لطف ایشان و زحمات شماست.

— مروارید محمدی. کرمانشاه

— من مجله را با خانواده می‌خوانم. همه خانواده من تمام امان‌ها را با دقت می‌خوانند.

— فاطمه نجفی. قم

این چند وقت که مجله شما را می‌خوانم احساس می‌کنم تنها مجله و دوستی هست که به من آرامش می‌دهد. وقتی در کنار دوستان یا در جمع آشنایان هستم این قدر آرامش ندارم و فقط منتظرت هستم تا زودتر بیایی و تو را بخوانم و مرا با امان و امام زمان آشنا کنی.

مطلب شهید صیاد و وصایای شهدا و همه مطالبی که در رابطه با جنگ و دفاع مقدس است، در بخشی به نام «سنگر امان» قرار داد.

— طاهره خضری. قاینات

* لطفاً در مورد خرافه‌های آخرالزمان بحث کنید تا با شبهات آخرالزمانی بیشتر آشنا شویم.
* مجله‌ها دیر به دست ما می‌رسد.
* لطفاً جایزه‌ها را فقط به شهرهای بزرگ اختصاص ندهید. ما را هم شریک بدانید.

مهرانه‌ها:

— شهناز رهنما فلاورجانی. فلاورجان

* مطالب پرمحتوایی را در این مجله مطالعه کردم. من اولین بار است این مجله را می‌بینم و مطالعه می‌کنم. بسیار آموزنده است.

— مهدیه محمدی. رفسنجان

* نشریه واقعاً حرف دل همه منتظران مهدی موعود عج است و همه ناگفته‌های سال‌های غیبت حضرت مهدی عج یک جایی برای گفتن پیدا کرد.



استان البرز:

ساوجبلاغ: سید مصطفی حسینی، فهیمه و وحیده منصور فلاح.
کرج: رؤیا خانی (دونا مه)، سیدزین العابدین طاهری، علی گرشاسبی، اکرم حسین آبادی، ریحانه معصومی، الهه و معصومه فاتحی، ملیحه شمیری اسکوئی، زهرا سهرابی، مهرنوش اوحدی، هادی درویش مفرحی، خدیجه اوجانی، امیر عاشور صفت پیشخانی، زهرا و سمیرا قربان خانی، ملیحه اسماعیلی، میثم کارخانه، اعظم فرخی برفه، صغری فیضی، فریبا خلیلی.
نظرآباد: حسن خیری (دونا مه).

استان بوشهر:

بندرگناه: فرید و فاطمه فروردین.
دشتی: حسین، عصمت و محمدرضا سلیمی، میم سین، سیده خدیجه موسی زاده، عالیه السادات امینی.

استان تهران:

اسلامشهر: سیده زهرا موسوی.
پاکدشت: ابویسانی مهناز.
تهران: زینب افشاری (دونا مه)، سید عباس هاشمی (سه نامه)، اشرف السادات هاشمی (دونا مه)، فاطمه کریمی، سمیرا حسن آهنگری، خدیجه اکبری، امیرحسین بدخشان، محمدمهدی مطهریان، فاطمه غریب، حسن مشکاتی، مهناز آتش، سکینه تکلو، مطهره سادات طباطبائی، شهرری، میثم صفدری، شهریار، زهرا نجفی خراجی، قرقچک، صدیقه خانی.

استان چهارمحال و بختیاری:

اردل: مهرداد عزیزی.
شهرکرد: آزاده عسکریان دهکردی (دونا مه)، سیده شهین حسین زاده (دونا مه)، ناهید آذری (دونا مه)، ثریا حیدری سورجانی (دونا مه)، محبوبه عباسی، مرضیه بیاتی چالشتی، حمیدرضا حبیبیان دهکردی، علیرضا بهداروندی، مرضیه حیدری دهکردی، مرضیه سیفی پور، مهدی زمانی نافچی، پروین پیشگر.

استان خراسان جنوبی:

بیرجند: علیرضا خوشحال (دونا مه)، رضا بازاری، فاطمه جعفری.
خضری: محمد خضری (دونا مه)، طاهره خضری.
قاینات: زینب زارعی نژاد (دونا مه)، طیبه صفری (دونا مه)، زهرا آقایی.

استان خراسان رضوی:

تربت حیدریه: فاطمه حسین زاده.
جوین: فاطمه پورمهدی، راضیه کلاته سلیمانی، سمانه هادیان.
رشتخوار: سیدمرتضی آل نبی.
سرایان: محبوبه میربلوکی.
گناباد: زهرا صفری (دونا مه).
مشهد: صالحه پارچه باف (دونا مه).
محمدحسین حسین زاده حصاری (دونا مه). ناصر منصوری (دونا مه).
سیدمهدی موسوی حصاری، انسیه حسین زاده حصاری، محمد سهمی، سیدجواد موسوی، امیرحسین و رضا نخعی، حسامالدین نژاد محمد، منیره افضل، زهرا شوشتری، سمانه نخعی.
نیشابور: فاطمه رنگانی، فاطمه بوژآبادی، آمنه شاکری.

استان خراسان شمالی:

بجنورد: نادیا کمالی، خاطره چاکیب.
جاجریم: محمد رضایی.

استان خوزستان:

آبادان: سیده حسنه هاشمی تبار.
آغاجاری: کبری زیدونی.
امیدیه: حسین یوسفی، علیرضا شریفات.
اهواز: محمدرضا لطفی فروشانی (دونا مه).
اسماعیل حمیدلوی، فاطمه، معصومه و سروناز گوروئی، یاسمین یرافی.
ایذه: آرزو شالویی.
بندر ماهشهر: حسن حلافیان.

استان زنجان:

ابههر: فرهاد علوی (دونا مه)، لیلا عین لو، جمال احمدی.

ایجرود: مریم رستمی.
خداآباد: علی اکبر کلانتری.
زنجان: پروین صدرمحمدی، محمود حاجیلو.

استان سمنان:

سمنان: منصور نظری، احمد رحمتی (دونا مه).
شاهرود: ناهید تبریزی مطلق.
گرمسار: زهرا صادقی (دونا مه).

استان سیستان و بلوچستان:

زاهدان: مینا پیروزمینش (دونا مه)، پری آخوندی (دونا مه)، ساناز ریگی (دونا مه).
صدیقه نوری (دونا مه)، سمیه السادات هاشمی مهدی آبادی، فاطمه جهانتیغ، سرباز: مهدی خوبانی (دونا مه).

استان فارس:

استهبان: سیدمحمدصادق داودی.
جهرم: قنبر سرور غربی.
شیراز: مهدی، اصغر و فاطمه جمشیدی.
طاهره پذیرائی، خدابخش تابع بردبار، فاطمه جواد، سمیه خنجری ساداتی، عبدالله هاشمی.
فسا: عبدالرحمن علی زاده.
کازرون: محمد بازیار (دونا مه).
گراش: شکراله فرجی (دونا مه).
لار: عباس زارع.
لامرد: حسین نصری (دونا مه).
نورآباد: یاسر حسینی زاده.

استان قزوین:

البرز: رقیه هادی پور (سه نامه).
قزوین: محمدرضا اسدالهی ها، مریم نقدلو، فاطمه جعفری مطلق، زینب و مهدی حسینی پارودبار، بهاره اسلامی.

استان قم:

قم: مریم سادات قریشی (دونا مه).
صدیقه موسویان محمدی (دونا مه).
زهرا جعفری (دونا مه)، محمدتقی رحیمی کاشانی (دونا مه)، مریم فتاحی اردکانی، فاطمه علوی، مریم یوسفی، زینب جعفری، فاطمه محمدزاده، زهرا قنبر، سمیه عباسی.



مجید، فاطمه و حمیدرضا رحمتی. طاهره و عاطفه زارعی طاهر. زینب محمدزاده. محمد غلامی ارچنکی. حسین یارموسی. محمدجواد طالبی. فرشته سادات جوهری. مهدی صادقی خو. محمدحسین داوودی دهاقانی. علیرضا بختیاری. محمد حیدری. عصمت کریمیان. محمد داداشی. کاظم قلیچ خانی. زهرا باقریان. محمدامین فلاح. فاطمه فرقانی. محمدرضا فخار. بلقیس شقایق آذر. محدثه نورمحمد کلیدبر. لطیفه سادات هاشمی. زهرا صفاری زاده. فاطمه اسدی. مرتضی صفری.

استان کرمان:

انار: فاطمه زینلی پور (دونا مه). جیرفت: دادخدا رحیمی زداد. زرنند: فرشته حسینی فرید. سیرجان: فرزانه ایران نژاد پاریزی. حبیب الله اپرا. طاهره سادات فاطمی. سحر حسینی. کرمان: طاهره پور شیرعلی (دو نامه). حسین عابدی (دو نامه). فاطمه شقایق. فاطمه کاظمی. کوهبنان: محمد مهدی احمدی.

استان کردستان:

بیجار: فاطمه ابراهیمی. محمدباقر عیوض زاده.

استان کرمانشاه:

اسلام آباد غرب: عاطفه شریفی. کرمانشاه: پریسا رشیدی (دونا مه). فرشته فیضی (دونا مه). منوچهر پیامی (دونا مه). اکرم امینی (دونا مه). ناهید بسیج (دونا مه). مجید عزیزی (دونا مه). زهرا کرمی. زهرا قنبری. مریم فیضی (دونا مه). فریده یآوری. لیلا همیتیان (دونا مه). لیلی صفریان گلستانی. سمیه الوندی. ماندانا فلاحی. معصومه بهرام. فریبا صالح آبادی. مرضیه سیاهپور. سمیرا و بهنام امیری. بهاره و ایران نیری چگینی. مهین و مژگان شکری. زهرا یزدان بخش. علی دارش.

فاطمه مرادی پویان. طاهره و طیبه شرفی. فریده یآوری. زهرا یزدانی مهر. سیده فاطمه حسینی. گیلانغرب: میثم حیدری فرد.

استان کهگیلویه و بویراحمد:

یاسوج: سیدرضا منصوری مهربان (دونا مه). سیده فاطمه نوروزی.

استان گلستان:

علی آباد قتل: محمد خلف. گرگان: سکینه شاد کام (دونا مه).

استان گیلان:

رشت: مجید پورادی. قابل قبادی پور. زهرا، سپهر، محمدحسین، رضا، علی، فاطمه، کبری و لیلا یوسف پورمژدهی. ایمان نیکو. علی حریری. سیدابراهیم حسینی. رضا عاطفی مقدم. محمدرضا و مهیا رفعتی. ساریه کهنسال. وحیده عاشوری. زینب وارسته. زهرا ممتاز ویشکایی. شاندرمن: ناهید یکتا. لنگرود: زینب حبیبی (سه نامه). محمد، مهدی، مجتبی، مختار، حمید، اسماعیل، محمدعلی، رضا، امیر، زینب و فاطمه علی محمدی. قاسم، آدینه، ناهید و مریم شعبان زاده. شیرزاد و محمد پورزلفی. علی حسینی. حسن عزیززاده. محمد و مرتضی خوش دل. سیاوش فرج الهی. میلاد مشایخی.

استان لرستان:

الشتر: محمد کریم نورمحمدی. خرم آباد: احترام نادری واحد. فاطمه کرمعلی فرد. مرضیه اسدی. پری نقی بیرانوند. دلفان: علی لطفی حسین آبادی.

استان مازندران:

بهشهر: خدیجه بابائی زاده. ساری: عیسی فلاح قاجاری. محمدباقر نظری. علی و هابی زرین آبادی. حسین نیکبخت هولائی. سیدمریم سیدی کلایی. وحید گلزایی. زینت محمودی افراکتی. زینب کاووسی.

محمود آباد: محمد اسماعیل قاری بابلی.

استان مرکزی:

اراک: محمدجواد محمدی (دونا مه). ساوه: معصومه شهر یاری.

استان همدان:

اسدآباد: معصومه کورش کریم پور. جورقان: پیام زمانی. رزن: امین اصفهانی. کبودرآهنگ: معصومه آشوری (دونا مه). لیلا بدری. میثم و اکرم بهرامی. همدان: بهنام الماسی (دونا مه). رقیه و اکرم رنجبران. مرتضی مرشدی سیف. علیرضا علمیان.

استان یزد:

ابركوه: محمد مهدی و محمد حسین دهستانی. زهرا و حسین شمس. ابوالقاسم، مریم، فاطمه، طاهره و حمیرا پورمردیان. سیدحسین، سیدمحمدرضا، فاطمه، زینب السادات، زهرا، اعظم جلایی. غلامحسین و اعظم دهستانی. حدیثه برزگر. ابوالفضل، اکرم و صفا دهستانی. سوسن سلیمانی. فاطمه دهستانی. اعظم دهستانی. فاطمه کارگر. اعظم محمدی. زبیده محمدی. فاطمه دهستانی. مرجان فخاری. زهره رحیمی. الهه سواری. داوود پورشفیعی. اشرف عمودی نژاد. بی بی صفری کاظمی پناه. سیدخلیل جلالزاده. فاطمه وامحمدی. محمد قلیائی. طاهره کوهی پناه. مژگان حیدری. رضوان حیدری نصرت آبادی. اردکان: سیدمحمدحسین موسوی. بافق: طیبه و فاطمه ناطقی بافقی. زارج: ابوالفضل فرقانی. طبس: حسین توکلی. یزد: محمد کاظم اعلائی. نصیر نخعی سرو. نرجس جعفری. مطهره اعلائی. افسانه گل. احسان دره زرشکی. مجید و حجت مغنی ناشی منصوریه. سعیده موسی رضایی.

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۸														۱
								✱		۶				۲
				✱										۳
														۴
														۵
			۹						✱		۳			۶
														۷
			۷											۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵
														۱۶
														۱۷
														۱۸
														۱۹
														۲۰
														۲۱
														۲۲
														۲۳
														۲۴
														۲۵
														۲۶
														۲۷
														۲۸
														۲۹
														۳۰
														۳۱
														۳۲
														۳۳
														۳۴
														۳۵
														۳۶
														۳۷
														۳۸
														۳۹
														۴۰
														۴۱
														۴۲
														۴۳
														۴۴
														۴۵
														۴۶
														۴۷
														۴۸
														۴۹
														۵۰
														۵۱
														۵۲
														۵۳
														۵۴
														۵۵
														۵۶
														۵۷
														۵۸
														۵۹
														۶۰
														۶۱
														۶۲
														۶۳
														۶۴
														۶۵
														۶۶
														۶۷
														۶۸
														۶۹
														۷۰
														۷۱
														۷۲
														۷۳
														۷۴
														۷۵
														۷۶
														۷۷
														۷۸
														۷۹
														۸۰
														۸۱
														۸۲
														۸۳
														۸۴
														۸۵
														۸۶
														۸۷
														۸۸
														۸۹
														۹۰
														۹۱
														۹۲
														۹۳
														۹۴
														۹۵
														۹۶
														۹۷
														۹۸
														۹۹
														۱۰۰
														۱۰۱
														۱۰۲
														۱۰۳
														۱۰۴
														۱۰۵
														۱۰۶
														۱۰۷
														۱۰۸
														۱۰۹
														۱۱۰
														۱۱۱
														۱۱۲
														۱۱۳
														۱۱۴
														۱۱۵
														۱۱۶
														۱۱۷
														۱۱۸
														۱۱۹
														۱۲۰
														۱۲۱
														۱۲۲
														۱۲۳
														۱۲۴
														۱۲۵
														۱۲۶
														۱۲۷
														۱۲۸
														۱۲۹
														۱۳۰
														۱۳۱
														۱۳۲
														۱۳۳
														۱۳۴
														۱۳۵
														۱۳۶
														۱۳۷
														۱۳۸
														۱۳۹
														۱۴۰
														۱۴۱
														۱۴۲
														۱۴۳
														۱۴۴
														۱۴۵
														۱۴۶
														۱۴۷
														۱۴۸
														۱۴۹
														۱۵۰
														۱۵۱
														۱۵۲
														۱۵۳
														۱۵۴
														۱۵۵
														۱۵۶
														۱۵۷
														۱۵۸
														۱۵۹
														۱۶۰
														۱۶۱
														۱۶۲
														۱۶۳
														۱۶۴
														۱۶۵
														۱۶۶
														۱۶۷
														۱۶۸
														۱۶۹
														۱۷۰
														۱۷۱
														۱۷۲
														۱۷۳
														۱۷۴
														۱۷۵

* افقی:

- ۱- از القاب حضرت ولی عصر (عج) .
- ۲- آخرین دین آسمانی. رأی و نظر.
- ۳- پشته‌ای از خاک. نام شهری عربی. ناشنوا.
- ۴- مکان.
- ۵- آواز دهند. بازداشتن و منع کردن. بدن.
- ۶- نوعی ساعت قدیمی. عددی دورقمی. تکرارش نام پرندای است.
- ۷- علمدار لشکر امام حسین (ع).
- ۸- اسمی پسرانه. زندان باز اما درهم ریخته.
- ۹- دیکته. فتنه و آشوب.
- ۱۰- خام و نارس. علامت تعجب.
- ۱۱- خرس به عربی. حیوان همراه اصحاب کهف.
- ۱۲- *
- ۱۳- کشتی نجات و چراغ هدایت.
- ۱۴- از علائم ظهور است. مروارید.

* عمودی:

- ۱- روز جوان. برادر عربی.
- ۲- میوه‌ای خوشمزه. پروردگار. تعداد و حساب.
- ۳- کیش و آیین. آماده و مهیا. ضمیر غایب.
- ۴- تالار بزرگ. سمت و جهت. پهلوان. موج بدون حرف وسط.
- ۵- خون به عربی. رها. درک کردن.
- ۶- کار و پیشه. گهواره. سفیر اما نیمه.
- ۷- آماده کننده. نهایی. تکرار یک حرف.
- ۸- نگاه داشتن. جامه‌ای گشاد برای مردان. توان.
- ۹- چشم به عربی. زُل اما وارونه. ضمیر اشاره به دور.
- ۱۰- دوستی. پاداش. پیشوندی است.
- ۱۱- ده واحد از چیزی. امر نرفتن.
- ۱۲- دانه خوشبو. خروج او از علائم ظهور است. شمردن.
- ۱۳- بار آن به مقصد نمی‌رسد. طایفه‌ای است.
- ۱۴- کشور عزیز ما. صبیحه از علائم ظهور است.

* اسامی برندگان با یک شماره تأخیر اعلام می‌شود. * تعداد برندگان این شماره استثناء ۱۲ نفر (۶ نفر برنده جدول، ۶ نفر برنده مسابقه تستی) * رمز جدول این شماره نام کتابی است از یکی از علمای بزرگ، آن را به همراه نام مؤلف برایمان بفرستید. * مهلت ارسال جواب مسابقه تستی و رمز جدول این شماره: ۱۵ مرداد ۱۳۹۲ * رمز جدول امان ۳۹: کلمه «امان» بود. *

برندگان رمز جدول امان ۳۹: احترام نادری واحد، خرم آباد / میثم حیدری، گیلانغرب / میثم بهرامی، کیودرآهنگ.

برندگان مسابقه تستی امان ۳۹: صدیقه موسویان محمدی، قم / احمد رحمتی، سمنان / محمدرضا لطفی فروشانی، اهواز. جملات ساخته شده برندگان رمز جدول: امان از لحظه‌ای که تو مرا در حال غفلت و گناه بینی... * مهدی جان! با امان تا تو نجوا می‌کنیم، شرمند ایم که امان شده دلخوشی ما، ولی ما شده‌ایم تمام غم و غصه تو. * یا قائم آل محمد! امان از لحظه غفلت که شاهد هستی.

* رمز جدول امان ۴۰: کتاب «مکیال المکارم در فواید دعا برای حضرت قائم (عج)» تألیف «سید محمد تقی موسوی اصفهانی (ره)».

برندگان رمز جدول امان ۴۰: محمد مهدی مطهریان، تهران / محمد حسین نگهداری، شیراز / بهروز مرادپور، اردبیل. برندگان مسابقه تستی امان ۴۰: علی رستگار، رشت / مژگان شکری، کرمانشاه / آزاده عسگریان دهکردی، شهرکرد. توجه: برندگان امان بوسیله نرم‌افزار قرعه‌کشی، از بین نامه‌های رسیده خوانندگان (البته نه پیامک) انتخاب و معرفی می‌شوند. * با برندگان تماس گرفته خواهد شد و جوایزشان به آدرسشان ارسال خواهد شد.

سوالات تستی - امان ۴۲

۱. طبق نقل کتاب‌الغدیر، کدام امام به هنگام ذکر امام زمان (عج) در یک شعر، دست بر سر نهاد؟
☐ الف) امام سجاده (ع) ☐ ب) امام رضا (ع) ☐ ج) امام هادی (ع) ☐ د) امام جعفر (ع)
۲. ائمه معصومین (ع) مراد از نور پروردگار که تمام زمین، در پرتو آن روشن می‌شود را چه کسی معرفی نمودند؟
☐ الف) حضرت محمد (ص) ☐ ب) حضرت علی (ع) ☐ ج) حضرت مهدی (عج) ☐ د) حضرت جعفر (ع)
۳. در ایام شادی برای امامان بزرگوار، می‌توان کدام عمل زیر را انجام داد؟
☐ الف) گرگ‌شایی از مشکل مردم ☐ ب) مهمانی دادن ☐ ج) هر دو مورد ☐ د) هیچ‌کدام
۴. این جمله از کیست؟ «کسانی که فکر می‌کنند باید گوشه‌ای بخوابند تا امام زمان (عج) ظهور بفرماید و جهان را از عدل و قسط پر کند، سخت در اشتباهند.»
☐ الف) شهید چمران ☐ ب) شهید آوینی ☐ ج) شهید صیاد شیرازی ☐ د) شهید باهنر
۵. جمله «فی رقبتي» در دعای عهد به کدام گزینه ذیل اشاره دارد؟
☐ الف) علاقه رو به رشد ☐ ب) علاقه افتخار آمیز ☐ ج) علاقه عاشقانه ☐ د) علاقه برادرانه
۶. این جمله از کدام بزرگوار است: «توقیت‌ها و تطبیق‌ها برای نزدیک بودن ظهور حضرت

حجت (عج) بسیار نگران کننده است».

- ☐ الف) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای
☐ ب) حضرت آیت‌الله سیستانی
☐ ج) حضرت آیت‌الله وحید خراسانی
 ۷. کدامیک، از القاب حضرت عباس (ع) است؟
☐ الف) طیار ☐ ب) سقا ☐ ج) هر دو
 ۸. مهم‌ترین آموزه انحرافی بازی بتل فیلد ۳ چیست؟
☐ الف) ایرانی‌ها ترور یست هستند
☐ ب) ایرانی‌ها بی‌اراده هستند
☐ ج) ایرانی‌ها بی‌فرهنگ هستند
 ۹. برخی از ویژگی‌های نماز امام زمانی عبارتند از...
☐ الف) نماز اول وقت ☐ ب) نماز با خضوع ☐ ج) هر دو
 ۱۰. شرط همراهی با امام زمان (عج) است.
☐ الف) عبادت ☐ ب) صداقت ☐ ج) زیارت

امان ۴۲

فرم این صفحه را برای این شماره عوض کردیم، شاید بهتر باشد!
به این کاغذ بسنده نکنید، از کاغذ و پاکت‌های دیگر استفاده کنید... چشم به راهیم...

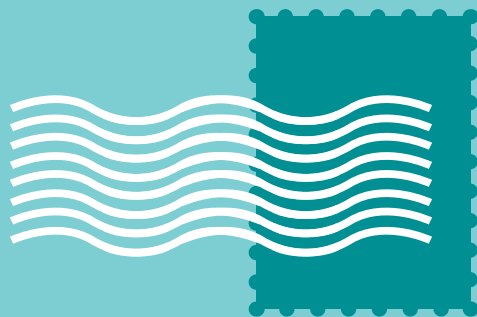
قول می‌دهم آقا... (یک قول به امام زمان علیه السلام بدهید. کمی فکر کنید، قولی ندهید که نتوانید به آن عمل کنید!)

(امان در یک جمله) امان یعنی...

کلامی با آقا...

دل نوشته...

پیشنهاد و انتقاد:



نیازی به چسباندن تمپر نیست.

قم، صندوق پستی: ۳۹۷۵ - ۳۷۱۸۵

تلفکس: ۰۲۵ - ۳۷۸۳۲۵۰۰

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۲۹ - ۴۸۱۷۳ پرداخت شده است و نیازی به چسباندن تمپر نیست.

لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بیندازید.

محل نوشتن نام کتاب به همراه نام مؤلف آن

پاسخنامه مسابقه تستی

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	الف
☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	ب
☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	ج

مشخصات شرکت کننده در مسابقه